

فهرست مطالب

۲	سرمقاله/ فلسفه، اسرار حج اداره مجله
۴-۳	سمپوزیم بین المللی امام اعظم رحمته در... خبرنگار مجله
۷-۵	مخدّره توکی که د ژوند تباہ کوونکی؟ مولوی عبدالملک حمیدی
۱۱-۸	پس زمینه های اصلاحات ناصرالدین دریز
۱۴-۱۲	نقش امنیت غذایی / قسمت پنجم استاد محمد شریف رباطی
۱۸-۱۵	جایگاه اهلیت در تفویض کار مولوی عبدالعظیم چهیر
۲۱-۱۹	گونه هایی از فساد اداری و.... استاد زین العابدین کوشان
۲۵-۲۲	حقوق و جایگاه کودک در.... / قسمت دوم و آخر سید مسلم شاه اسدی
۲۷-۲۶	دعاء و نقش آن در زندگی استاد غلام الدین کلانتری
۳۰-۲۸	بررسی انواع محیط زیست و.... نسرین بیژ زاده
۳۳-۳۱	اداری فساد او دهغه خخه خان زغورنه مولوی فریدالله ازهری
۳۷-۳۴	نقش مساجد در گسترش فرهنگ و ثقافت اسلامی امدادالله پاکنهاد غیاثی
۴۰-۳۸	حرمت مواد مخدر در حوزه تفکر دینی مولوی عنایت الله شریفی
۴۳-۴۱	حق دسترسی زنان به ... / قسمت اول محمد عارف مصلح
۴۵-۴۴	شورا و انتخابات در اسلام مولوی عبدالمعبود
۴۷-۴۶	جبران خساره از دیدگاه... / قسمت دوم و آخر فیض الله خواجه امانی
۵۰-۴۸	په نړۍ کی دفتر عوامل او سبونه / خلورمه او وروستی برخه ابو نافع حمیدی
۵۴-۵۱	تاریخچه بیعت و انتخابات ... محمد ابراهیم همت
۶۰-۵۵	کارگردا و گزارش ها خبرنگار مجله / توکل بخشی

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ
قُلْ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ
أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي



دیني، علمي، ادبي، تحقيقي او اجتماعي
مياشتنۍ خپرونه
دامتياز خاوند: دارشاد، حج او اوقافو
وزارت
د تاسيس نېټه: ۱۳۳۱ لمريز کال

مدیر مسؤل

مولوی عنایت الله شریفی

سکرتر مسؤل

سید مسلم شاه اسدی

هیأت تحریر

دکتور امین الدین مظفری

ناصرالدین دریز

استاد غلام الدین کلانتری

استاد محمد شریف رباطی

استاد محسن حنیف

مولوی عبدالملک حمیدی



دور دوم، سال هفدهم، شماره چهارم

ماه سرطان ۱۳۹۸ هجری شمسی

شوال المکرم - ذی القعدة الحرام

۱۴۴۰ هجری قمری



فلسفه، اسرار حج



﴿وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِيْنَ﴾ (سورة آل عمران: ۹۷)

«و برای الله است بر عهده مردمان حج خانه کعبه» این تأکید بر حق باری تعالی و بزرگداشتی از حرمت خانه کعبه است برای کسی که توانایی رفتن به آن را دارد کسی که عازم حج شود استطاعت رفتن به آنجا را داشته باشد، یقیناً که حج یکی از بناهای بزرگ اسلام بشمار میرود، این وجیبه بزرگ الهی نقش مهمی را در ساختار سلامت فرد و جامعه انسانی ایفا میکند، و در برگیرنده تکامل فرد و جامعه است زیرا این عبادت سیر تکاملی به سوی مکارم والای انسانی است. سفر حج سیر است بسوی خداوند ﷻ، بسوی تاریخ انسانیت، شخصیت های ارزنده و تاریخ ساز، بسوی اخلاص و محبت حقیقی، بسوی تمدن، ترقی و تعالی بشر.

حج مدرسه ایمانی بزرگی است که مسلمانان را در عرصه های مختلف و در تمامی بخشهای دینی اعم از اعتقادات و عبادات، سیر و سلوک درسهای بزرگ و فوائد ارزشمند و اندرزهای مفیدی می آموزاند، البته آنان (حجاج) در این آموزشگاه به تناسب ظرفیت و استعداد باهم متفاوت اند.

مسلمانان سالانه چشم براه رسیدن این موسم عظیم بوده، شور و علاقه زایدالوصف آنها پذیرایی مینمایند، تا بتوانند طاعت و عبادت خداوند ﷻ را در روزهای محدود و زودگذر این موسم جلیل القدر، با سایر مسلمانانی که از سرزمین های دور و نزدیک در سرزمین حرمین حضور یافته اند، و می پابند در حول کعبه مشرفه، (بیت العتیق) و مدینه الرسول سپری نمایند، و بدین وسیله ارتباط مستقیم و بدون تخلخل به ذات کبریایی اوتعالی جل مجده قایم می کنند و کرده اند. زیرا مسلمانان جهان با بیت الله الحرام و حرم مدنی رابطه عمیق و پیوند نا گسستنی دارند.

براستی که حج فرصتی قیمتی است که بنده مؤمن در آن برای دنیا و آخرتش توشه بگیرد، از توبه آغاز کند، و مخلصانه ببارگاه احدیت اعلان برگشت و بازگشت نماید، و با جدیت کامل به طاعت و عبادت پردازد و روی آورد و برای حصول رضا و خوشنودی پروردگار متعال بشدت تلاش نماید.

در مراسم حج فرهنگ اصیل اسلامی که به اساس اخوت و وحدت ملت ها نهاده شده است، به گونه بسیار عالی آن تمثیل میگردد.

هنگامیکه از نبی گرامی اسلام ﷺ پرسیده شد که چگونه در روز های حج نیکی و احسان نماییم؟ فرمودند: (به مردم طعام بدهید و به آنان سخن نیک بگوئید). آنحضرت ﷺ مردم را از غلو و افراط در دین بر حذر داشتند و...، حج، موسم پر فیض و برکت، و فرصت خوبی برای دعوت بسوی خداوند ﷻ می باشد. آنحضرت ﷺ در روز های پر فیض و برکت حج به چنگ زدن به قرآن کریم و سنت مطهر سفارش نموده زیرا فرمودند: (من در میان شما دو چیز را گذاشتم تا لحظه که به آن چنگ زنید و تمسک جوئید هرگز گمراه نمی شوید، کتاب خدا ﷻ و سنت من). حج عرصه تعمیل وحدت بوده زیرا اصولاً در مقابل تعدد، و تخالف (زبان، نژاد، منطقه و...) حلقه محکم اتصال در میان توده ها همانا ایمان به خدا و تسلیم در برابر فرمان الهی و تحکیم نقطه وحدت جامعه انسانی خاصاً اسلامی می باشد و رمز نقطه ارتباط اقوام و بقاء ملت ها و نمونه جالب و عملی آن را در مراسم حج میتوان مشاهده کرد که چگونه انسانها با رنگها، نژادها، زبان ها و قومیت و منطقه جغرافیایی ناهماهنگ، برادر وار، با یک لباس و یک شعار (لیک اللهم لیک...) صدا بلن می کند و در کنار هم قرار می گیرند و در مراسم بزرگ اسلامی و روحانی که نماد وحدت و قدرت مسلمین است، باکمال خضوع و خشوع شرکت کرده و در نهایت صلح و صفا و همدیگرپذیری اعمال مشترک دینی و فرمان الهی را عملی مینمایند، با توجه با این بیان که بر کشورهای آتش جنگ و نا امنی پهن است و دیده می شود که در اثر جنگ های بی مورد و خانمانسوز جان و مال و عرض و ناموس مردم مضون نیست (از مساجد گرفته تا معابر عام) حرمت مردم شکستانده میشود به خصوص در کشور عزیز ما و خانواده های مسلمان در سرزمین آبایی خود عزا دار و آواره می شوند، خداوند حجاج ما را با حج مبرور دعای ایشانرا پذیرفته و کشور ما و دنیای بشری را در صلح و امن قرار دهد آمین!

سمپوزیم بین المللی امام اعظم ابوحنیفه رحمته الله در کابل گشایش یافت

اداره مجله

جلالت‌آب محمد اشرف غنی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان بعد از ظهر دومین روز سمپوزیم بین المللی امام اعظم ابو حنیفه رحمته الله که در تالار لویه جرگه برگزار گردیده بود، اشتراک و سخنرانی کرد. رئیس جمهور به خاطر تدویر این سمپوزیم از مراجع مربوط خصوصاً وزارت ارشاد، حج و اوقاف تشکری نموده به مهمانان از کشور های عربستان سعودی، ترکیه، عراق، هند، مصر، چین، استرالیا، مالیزیا، ازبکستان، پاکستان، بنگله دیش، تاجکستان و قزاقستان خوش آمدید گفت و علاوه نمود که بنیاد گذشته و حال ما را امام اعظم رحمته الله گذاشته است و در قرن سوم هجری تمام اصول، قواعد فقه، کلام و مذاهب شکل گرفت. وی گفت: پایه گذاری اجتهاد جمعی به جای اجتهاد فردی که در هیچ مذهب دیگر سراغ نشده و ابتکار منحصر به فرد امام اعظم بود. ایشان افزودند: در آینده نیز سمپوزیم های مشابه برای سایر علمای متبحر مانند فخر رازی، امام ابو یوسف، ابن حبان بستی و غیره برگزار گردد. در اخیر رئیس جمهور گفت: در همین همایش بزرگ اعلام می دارم که (۱۵۰) محراب مسجد در ولسوالی های کشور عنقریب اعمار خواهد شد. و همچنان مرکز تحقیقاتی امام ابو حنیفه رحمته الله در مرکز پروان تأسیس می گردد. سخنرانی محترم سرور دانش پیرامون شخصیت امام ابو حنیفه رحمته الله

استاد دانش در نخستین سمپوزیم بین المللی امام اعظم ابوحنیفه / فرمود: امام ابو حنیفه در افغانستان یک الگوی خوب و فاق دینی و همزیستی مسالمت آمیز میان شیعه و سنی است ۲۹ جوزا ۱۳۹۸ نخستین سمپوزیم بین المللی امام اعظم ابوحنیفه باحضور وزیر ارشاد، حج و اوقاف، اعضای کابینه، اعضای شورای ملی، اعضای ستره محکمه، استادان پوهنتونها، علمای کرام و مهمانانی از پانزده کشور اسلامی با سخنرانی استاد سرور دانش معاون دوم رئیس جمهور افتتاح شد.

استاد سرور دانش در سمپوزیم بین المللی امام ابو حنیفه تأکید کرد که افراطیتی که امروز به نام داعش و همفکران آن ظهور کرده است، دشمن سرسخت افکار و سیره امام ابوحنیفه و فقه حنفی است. وی گفت که امام ابوحنیفه رحمته الله از افراطیت پرهیز می کرد و هیچ یک از اهل قبله را تکفیر نمی کرد ولی تندروان امروز نه تنها غیر از خود را تکفیر که مهدورالدم و واجب القتل می دانند و به همین دلیل به کشتار و ترور فقها و مردم می پردازند. وی تأکید کرد که وظیفه همه مسلمانان و مخصوصاً علمای حنفی است که با این موج دین برانداز و ضد مذاهب فقهی مبارزه کنند.

استاد دانش گفت که گروه طالبان که خود را پیرو امام ابوحنیفه رحمته الله می خوانند باید جواب بدهند که در کجای آموزه های امام ابوحنیفه جنگ و کشتن و تخریب اموال عمومی اجازه داده شده است؟ معاون رئیس جمهور گفت که امروز برای همگان به اثبات رسیده است که هم در سطح بین الملل و هم در



سطح منطقه ای و ملی برای تحقق صلح اتفاق نظر وجود دارند و دولت افغانستان تاکنون در کمال حسن نیت از هر اقدام اعتماد سازی کار گرفته است و تنها گروه طالبان است که حتی حاضر به گفتگوی مستقیم نیست و به کشتن مردم بی گناه اصرار می ورزند. معاون رئیس جمهور گفت که در چنین حالتی حکومت افغانستان و نهادهای امنیتی و دفاعی مکلف هستند که از حاکمیت ملی و جان و اموال مردم دفاع کنند.

معاون رئیس جمهور با اشاره به موجودیت مذاهب مختلف اسلامی بیان داشت که تعدد مذاهب فقهی در ذات خود نه تنها منفی نیست بلکه این تعددها و تفاوت ها در حقیقت یک نوع سهولت را برای مردم و سرمایه بزرگ حقوقی و علمی برای مسلمانان است.

وی تأکید کرد که نباید اجازه بدهیم که عناصر مغرض از بهانه های واهی استفاده کنند و با رخنه در میان ما فاصله ایجاد کنند. وی گفت که خوشبختانه کشور افغانستان یک الگوی خوب وفاق دینی و همزیستی میان شیعه و سنی است و در طول سال ها پیروان مذهب جعفری و حنفی برادرانه در کنار هم زندگی کرده اند. استاد دانش یکی از ویژه گی های مهم دین و فرهنگ اسلام را جهانی بودن آن و خارج شدن آن از مرزهای تنگ نژادی، زبانی و جغرافیایی عنوان کرد. وی گفت که یکی از دست آورد های نهضت بزرگ اسلام این بود که با نژاد ها و زبان های متعدد، دین و شریعت واحد را با فرقه های گوناگون فقهی و کلامی بنیاد نهاد.

استاد دانش با اشاره به زندگی پر بار امام ابوحنیفه رحمته الله علیه غنا و گستردگی فقه حنفی، تسامح و رواداری، آزادی اراده فردی، عدل گرایی و خردگرایی را از ویژگی های اساسی فقه و کلام حنفی عنوان کرد.

وی افزود که: " فقه امام ابوحنیفه رحمته الله علیه نسبت به اکثر مذاهب فقهی موجود از غنا و گستردگی خاصی برخوردار است." به گفته استاد دانش امام ابوحنیفه رحمته الله علیه در فقه خود براساس شرایط زمان، مکان و مقتضیات عرف و نیازهای مسلمانان به تئوری سازی و فرضیه سازی پرداخت و به همین جهت است که فقه حنفی مانند فقه امامیه در همه ابواب فقهی دارای فروعات گسترده و مسایل بسیار زیاد و متنوع است و نوآوری های زیادی دارد.

استاد دانش گفت که امام ابوحنیفه رحمته الله علیه معتقد به بحث آزاد و پابند به آزادی بیان و در عمل یک شخص کثرت گرا بود و به نظر مخالف احترام می گذاشت.

معاون رئیس جمهور در ادامه افزود که امام ابوحنیفه از افراط گرایی اجتناب داشت و می گفت که: " این سخن ما یک رأی است و بهترین سخنی است که به آن دست یافته ایم، پس هرکس که بهتر از سخن ما آورد او از ما به صواب نزدیک تر است." وی در خصوص عنصر آزادی گرایی و جایگاه اراده فردی در فقه حنفی گفت که فقه حنفی در بخش معاملات، روابط اجتماعی و حقوق فردی به اراده انسان بها و ارزش فراوان داده است که به عنوان یک دکترین مهم حقوقی بسیار اهمیت دارد.

استاد دانش خردگرایی را یکی از ویژگی های مهم فقه حنفی عنوان کرد و گفت که: "در نظام فقهی اهل سنت، فقه حنفی خردگراترین آن تلقی شده تا آن جا که این مکتب به مکتب "رأی" هم معروف شده است. وی افزود که امام ابوحنیفه رحمته الله علیه را در کنار عقل گرایی می توان در هردو بخش کلامی و فقهی مکتب عدل گرا نیز نامید. به بیان تاریخ، امام ابوحنیفه رحمته الله علیه از گرایش افراطی اجتناب داشته و به دنبال پیشگیری از گسیختگی های اجتماعی و دینی بوده و از اختلافات مذهبی بین مسلمانان بسیار نگران بوده و مردم را از تقلید های کورکورانه و جاهلانه بر حذر می داشته است.

به گفته استاد دانش امام ابوحنیفه رحمته الله علیه یکی از مبارزان بزرگ راه عدالت و آزادی است و در این راه حتی به زندان افتاد. استاد دانش دوستی و احترام امام ابوحنیفه به اهل بیت پیامبر اسلام را یکی از ویژگی های خاص شخصیتی و فکری وی عنوان کرد و گفت که او حتی در برابر حکومت عباسیان همیشه از علویان و شیعیان حمایت می کرد.

در جریان این سمپوزیم نمایندگان کشورهای عراق، ترکیه، هند و مصر نیز صحبت کردند و هرکدام به بیان توانایی ها و ویژگی های اخلاقی و شخصیتی امام ابوحنیفه و مکتب فکری و فقهی او پرداختند. برنامه این سمپوزیم دو روز پیهم ادامه یافت و با سخنرانی اختتامیه رئیس جمهور به پایان رسید.



مخدره توکی که دژوند ته به کړونکی؟

مولوی عبدالملک حمیدی

چې په ډیرو حالاتو کې دمرګ لامل هم کېږي. دا ډول په حقیقت کې یو تدریجي مرګ دي چې په شروع کې ډیر ښه او ظاهراً ښکلی ښکاري، خود ډیر لږ وخت نه وروسته یې دتخریب او رنګولو فعالیت شروع کېږي او په ډیرو حالاتو کې معتاد شخص دخپل بدن دکمزوری او ارادې او عزم دضعف له وجې نشي کولی چې هغه پریږدي چې په واقعیت کې یې مرګ له همدغه ځایه پیل کېږي.

۳- اختراع شوي مخدره توکي:

دمخدره توکو ډول ډېورتنيو دوو ډولونو چې دنباتاتو او یا یې دشیري نه لاسته راځي، څه تړاو نلري، بلکه دخینو کیمیاوي موادو څخه ترکیب شوي دي، خو منفی اغیزې یې دطبیعی او مصنوعي مخدره توکو په څیر دي، لکه خوب راوړونکی، دخوب ضد، تسکین ورکوونکی او بې هوشه کوونکی مواد.

ددې نوعې نه ډیر خطرناکه هغه توکي دي چې استعمالوونکي شخص روږدي کوي، لکه هیروئین، کوکائین، مورفین، افیون.

دمخدره توکو ضررونه:

الف: روغتیايي تاوانونه

• **ترياک (افیون)**



دا بدمرغه ماده د انسان د اعصابو مرکزي دستگاه له منځه وړي او یایې هم کمزوری کوي، له انسان نه غبی او ناپوهه، بی عقل جوړوي، همدارنګه سرګرځیدل او کنګستیا، نفس تنګی، برانشیت وړېسي سل(نری رنځ) راوړي.

دزړه ډول ډول ناروغی، دزړه ټکانونه، دسامعی په حس بده اغیزه کول او دجګړ فعالیت ختمول رامنځته کوي.

انسان په بدن کې لیدل کېږي، هغه که دا مواد یا جامد استعمالوي او یا هم دمایع په ډول سره.

پ: دمخدره توکو اصطلاحي تعریف:

دمخدره توکو نه ډول ډول تعریفونه شوي دي چې ترټولو نه غوره یې دا دی:

«چې خام یا جوړ شوي مواد چې تحریک کوونکي یا تسکین کوونکي عناصر له ځان سره لري او دهغو کارول د روږدي کیدو او یا دمغز داختلال لامل شي، لکه بیځایه خوند اخیستل یا خوب راوړل او سستی او زیانونه یې په افرادو او ټولنو باندې په جسمي یا روحي یا ټولنیزډول سره ښکاره شي، ورته مخدره توکي ویل کېږي».

دمخدراتو او مسکراتو ترمنځ توپیر:

مسکرات دمخدراتو په نسبت عام او شامل مفهوم لري چې ټول نشه راوړونکي شیان که هغه دمایعاتو او یا هم دجامداتو په بڼه سره وي پکې شامل دي، خو مخدرات دقهاؤ له انده یوازې جامدو مسکراتو ته ویل کېږي، لکه چرس، افیون، نسوار، سګرت او نورو باندې یې اطلاق کېږي.

دمخدره توکو ډولونه:

مخدره توکي په دری ډوله دي، طبیعي، مصنوعي او جوړشوي(اختراع شوي).

۱- **طبیعی مخدره توکي:** دا توکي دنباتاتو څخه لاسته راځي، لکه: چرس، افیون (کوکنار)، تنباکو او نور.

۲- **مصنوعي مخدره توکي:** لکه مورفین، هیروئین، کډین چې دترياکو او خشخاشو له مشتقاتو څخه دي او منفی اغیزې یې دنورو مخدره توکو په څیر ډیرې زیاتې دي او دبدن پرتولو غړو یې بدې او منفی اغیزې پریوزي

نن سبا انساني ټولنه د اتومي قدرتونو دېزکشي لویو ترڅنګ دیوه بل نړیوال لوی ناورین سره لاس او گریوان ده چې هره ورځ په زرګونه انسانان په ډیر مرموز تدریجي، وحشتناک او بې پته مرګونو سره وژني او دالړي ورځ په ورځ مخ په پراخیدو ده او په ډیر تأسف سره یې ډیرې قربانیان مسلمانان او اسلامي هیوادونه دي.

دا هغه بدمرغه مرګ دي چې دسړک پرغاړه، پردیران او دکثافاتو په چاپیریال کې ورته رسیږي.

دا هغه داعیتاد او مخدره توکو دکارولو ناعلاجیه او ناسوره ناروغه ده چې دا دیوویشتمی پېړۍ چې دساینس تکنالوژي عصر بلل کېږي هک پک حیران کړي او په رڼو سترګو ورته گوري د څنګه یې یو بیرسري، څېړي گریوانه، تک ژیر او خیرن انسان ټوخیږي، تود او چټلی خوري او بیا په تدریجي توګه مري.

دتعجب وړ خو ډیره دا خبره ده چې ددغه توکو دکار و بار بازار دنړۍ ځینو استعماري قوتونو او نړیوالو مافیایي کړیو گرم کړي او پخپل لاس او په رڼا ورځ یې بشریت ته اورلګیت او پطرو ل نیولی او اور ور اچوی!!

غواړم دغه بدمرغۍ پدیدې ته څغلنده کتنه وکړم.

دمخدره توکو تعریف:

الف: لغتاً: مخدر یوه عربي کلمه ده چې د(خدر) کلمې څخه اخیستل شوي، دضعف، سستی، نرمۍ، ناتواني په معنا ده همدارنګه دپځي په معنا سره هم راغلی ده.

په عمومي توګه د ډار، سستی، حیرانۍ، تردد، تنبلی، بې غیرتۍ او بې همتۍ معناګانې له ځان سره لري، چې دا ټول صفتونه دیوه معتاد

دجسمی زیانونو ترڅنگ، روحی بدی اغیزی له ځان سره لری او هرڅومره چې دا داعیتاد موده اوږده شی نو عواطف او احساسات کمزوری کیږی او دانسان حافظه، څیرکتیا او نور خدای ورکړی ممدوحه صفتونه له منځه وړی.

• حشیش، بنگ، چرس

دا شیان هم دانسان په مغز او اعصابو باندی بدی اغیزی کوی، د اوریدو حس، دهاضمی سیستم، زړه او دویني جریان او تنفسی جهازی کمزوری کوی، په روح او روان باندی هم بده اغیزه اچوی، جنسی قوه کاملاً کمزوری کوی. امام ابن تیمیه ددغو موادو ځینو ضررونو ته اشاره کړي، هغه وایی:

«چرس کارول روږدی سړی نشه کوی، مست او بی هوشه کوی یی، نامردی، دیوثی او بی غیرتی روږدی انسان ته راوړی.

دا توکی ان دانسان په مزاج باندی بده اغیزه کوی او له یوه لوی قوی الهیکل انسان نه اسفنج ډوله کمزوری، ضعیف او ناتوانه شخص جوړوی، دانسان دلیونتوب لامل ګرځی او لوړه فیصدی ددغو موادو باندی دروږدو انسانانو لیونتوب تشکیلی.»

سیګرېټ:

دسیګرېټو په اړه اوسنیو څیړنو دا ثابته کړی چې دسرطان ناروغی اصلی عامل دسیګرېټو استعمال دي.

همدا رنگه سګرټ ځکول دانسان دبدن رګونه دننه طرف نه تنګوی چې بیا دزړه ناروغی راپیدا کوی او ځینی وختونه بیا دزړه د سکتی لامل شی.

• نسوار:

دا ماده هم بدی اغیزی له ځان سره لری که څه ظاهراً دومره خطرناکه نه ښکاری مګر طبی علمی څیړنو ثابته کړی چې پدغه ماده روږدی کسان خو په لومړی ځل دسردردی، گنګسیت او سستی سبب شی خوکه نسوار په دوامداره توګه وکارول شی نو درفتاری او حرکتی تعامل دلاسه وتلو، دویني فشار ګدویدل، دزړه ضرباتو زیاتیدل، په خوب کې اختلال، دخولی، ستونی، حنجری، مری، معدی او غټو کلمو دسرطانونو سبب ګرزی.

ب- دمخدره توکو عقلی او روانی زیانونه:

نه یوازی د اسلام مقدس دین، بلکه آسمانی ټول ادیان په دی هڅه کې ؤ او دا یی ارشادات وړاندی کول چې د

انسانانو پنځه عمده شیان چې ورته پنځه ګونی مقاصد ویل کیږی، وساتی، دا پنځه مقاصد عبارت دی له: ددین، عقل، ناموس او آبرو، مال او خان ساتل، ددغوپنځه ګونو عناصرو څخه چې په مشخصه توګه زیات متضرر کیږی، هغه د انسان عقل دی چې دمخدراتو له امله له منځه ځی عقل هغه الهی ورکړه ده چې انسان یی دنورو موجوداتو نه پری نازولی او پدغه عقل سره یی (اشرف مخلوقات) ورته مقام ورکړی دښو او بدو تمیز ورباندی کوی او دنورو موجوداتو سره یی ورباندی توپیر کیږی.

نو دا په څنګه انصاف وی چې یو بی عقل انسان پخپل لاس سره دغه الهی نعمت له منځه وړی، مخدره توکو او شرابو ته مخه کوی او پخپل لاس ځانته قبریاسی؟!

ج- دمخدره توکو دینی ضررونه:

مخدره توکی دشرابو په څیر مردار او د شیطان له کړنو څخه ګڼل کیږی، الله پاک ﷺ په قرآن کریم کې فرمایي:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنصَابُ وَالْأَزْكَامُ رَجَسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَاصْبِرْ لَهُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْهَوُونَ﴾
المائدة: ۹۰-۹۱

ژباړه: ای مؤمنانو! شراب، قمار، دعبادت لپاره نصب شوی تیری او دنیزو بواسطه بخت معلومول او آزمایش، پلیت شیان او دشیطان له کړنو څخه دی نوځانونه تری وسات، ترڅو پرتاسی باندی رحم وکړل شی، شیطان غواړی چې دشرابو او قمار په کارولو سره ستاسی ترمنځ دښمنی را پیدا او تاسی دالله تعالی له ذکر او لمناځه څخه لیری وساتی، نو آیا تاسی دا شیان نه پریږدی؟!

مخدره توکی او شراب انسان دلمانځه او دخدای ﷻ له ذکره باسی، نوهرشی چې دعبادت کولو مانع شی، حکم یی دشرابو دی او حرام دی لکه چرس، بنگ، هیروئین او نور.

په شرابو او مخدره توکو روږدی انسان کله دخدای ذکر، پاکي، نظافت اودس، لمونځ، او نور عبادات ترسره کولای شی، ځکه هغه فاقد عقل او هوش دی نو یوزایل العقله انسان به کله نیک کارونه وکولای شی، ځکه هغه دپاکي او چټلی په کیفیت اصلاً نه پوهیږی. له همدی امله الهی حکمت دا تقاضا وکړه چې پاک او ښه شیان یی حلال، ناپاکي او چټلی یی حرام وګرځول.

د- اقتصادی زیانونه:

مخدره توکی که په هره بڼی سره وی، افیون، چرس، هیروئین، سګرټ او نور ټول دمال او شتمنی لپاره تباهی عوامل دی، پداسی حال کې چې قرآن کریم مال دانسانانو دژوند ددوام او ښکلا وسیله بللی او دمال اسراف، ضایع کول او بیځایه مصرفول یی حرام بللی. الله تعالی فرمایي:

﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾
النساء: ۵

ژباړه: او خپل مالونه چې الله پاک تاسی ته دژوند ددوام او پیاوړتیا لامل ګرځولی، سفهانو او بی عقلانو ته مه ورکوی.

نو هغه څوک چې په مخدره توکو باندی روږدی وی، دټولونه ناپوهه او بی عقله انسان ګڼل کیږی، ځکه هغه خپل مال او پیسی پداسی لاره کې لګوی چې ټاوان او ضرر یی په مستقیم توګه دده بدن او عقل ته ورګرزی او دا یی پداسی دوامداره توګه لګوی ترڅو له هرڅه نه خلاص او مفلس شی نو پداسی یوه لاره کې دمال لګول داسراف په معنا دی چې دلاندی آیت په اساس اسراف ناروا دی، الله تعالی فرمایي:

﴿يَبْنَیْ ءَادَمُ خُدُوًا زَيْنَتًاۙ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا۟ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾
الأعراف: ۳۱

ژباړه: ای دآدم اولاده! خپلی جامی د هر لمناځه پرمهال ولری، او وخورئ او وڅښئ، (خو) اسراف مکوی، ځکه الله تعالی اسراف کوونکی نه خوشوی.

په یوه بل آیت کې الله تعالی فرمایي:

﴿وَمَاتَ ذَا الْقَرْيَةِ حَقًّاۙ وَالْيَسْكِينَۙ وَابْنَ السَّبِيلِۙ وَلَا يَبْزُرْ يُبْزِرُۙ إِنَّ الْمُنْذِرِينَ كَانُوا إِخْرَنَ الشَّيْطَانِۙ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِۙ كَفُورًا﴾
الاسراء: ۲۶-۲۷

ژباړه: او خپلوانو، مسکینانو او مسافرو ته یی خپل حق ورکړی او اسراف مکوی په اسراف کولو سره، په یقین سره اسراف کوونکی دشیطان وروڼه دی او شیطان تل دخپل رب نه ناشکره دی.

که موږ داسی یوڅوک وویو چې هره ورځ دخپلو پیسو یوڅه په اور وسوځوی نو دا به ورته ورنه وایو چې نوموړی لیونی شویدی؟ او آیا هغه له خپل دغه جاهلانه کار څخه نه منع کوو؟ نو هغه څوک چې پخپل مال سره خپل عقل او بدن ته اور اچوی نو وی به ورته لیونی ونه ویل شی. په مخدره توکو روږدی انسان هرډول



سپکاوی او خطر په غاړه اخلي، ستونزی او خطرونه تحمل کوی ترڅو مخدره توکي لاسته راوړي او که چیرې ددغه موادو لاسته راوړلو کی بریالی نشو، نو په هرقیمت سره چې وی لاسته یی راوړی که څه هم په غلا، چور، وژلو او تالان سره وی.

حکم شرعي مواد مخدر:

الف: دقرآن کریم په رڼا کی دمخدره توکو حرمت:

خداوند متعال می فرماید:

﴿وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبِيثَاتِ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾^{۱۵۷} الاعراف:

ژباړه: او پیغمبر ﷺ ورته پاک شيان حلال ګرځوي او مردار او پليټ شيان ورته حرام او له دوی څخه درانه بارونه او هغه طوقونه چی ددوی په غاړه کی ؤ، لیری کړل.

له «طیب» څخه هر پاک څیز چې دانسان صحت، بدن او دین لپاره مفید دی، همدا رنگه له (خبیث) څخه ټول ناپاک چټل او هغه چې زیانونه یی دانسان د بدن جسمی او صحی ناروغی باندی تمامیری، مراد دی.

همدارنگه الله پاک په بل مبارک آیت کی فرمایي:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَلْأَلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنتُمْ مُنْتَهُونَ﴾^{۹۰-۹۱} المائدة:

ژباړه: ای مؤمنانو! یقیناً شراب، قمار، دعبادت لپاره غشی پليټ او دبیخت آزمویلو لپاره غشی پليټ او دشیطان له کړنو څخه دی، شیطان غواړی چې دشرابو په څښلو او قمار سره تاسی دالله له ذکره او لمانځه څخه منعه او ستاسی ترمنځ دښمنی او کرکی را پیدا کړی نو آیا تاسی ورڅخه لاس نه اخلی؟

پورتنی مبارک آیت دشرابو حرمت ثابتوی او هغه ضررونو ته اشاره کوی چې دغو پلیټو کارونو په کولو سره رامنځته کیږی او دغه حرمت ټولو نورو مخدره توکو ته شامل دی، ځکه د«خمر» کلمه هر هغه څه ته وایی چې نشه راوړونکی وی که څه هم نوموړی څیز جامد وی او یا هم مایع.

په مخدراتو روړدی کیدل خپل خان په هلاکت کې غورځول دی، او دخپل خان وژل یو ناروا عمل دی، الله تعالی فرمایي:

﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾^{۱۹۵} البقرة:

ژباړه: خپل ځانونه مه وژنی، یقیناً الله تعالی پرتاسو باندی مهربان دی.

ب: دمخدره توکو حرمت دنبوی حدیثو په رڼا کې:

عن عائشه قال رسول الله-صلى الله عليه وسلم- (كل مسكر حرام، ما سكر الغرق منه فعل الكف منه حرام)^{ترمذی}

ژباړه: هر نشه راوړونکی څیز حرام دی، هغه چې ډیر مقدار یی نشه راوړونکی دی نو کم مقدار یی هم حرام دی.

شیخ الاسلام امام ابن تمیه وایی:

(وقول النبي صلى الله عليه وسلم: « كل مسكر خمر وكل خمر حرام » يتناولها يسكر، ولا فرق بين أن يكون المسكر مأكولاً أو مشهوداً، أو جامداً أو مائعا).

ژباړه: د رسول الله دا مبارک قول چې فرمایلی دی: هر مسکر شراب دی او هر نوعه شراب حرام دی، ټولو مسکرات ته شامل دی او دا توپیر یی نشته چې هغه به د ماکولاتو او یا مشروباتو یعنی دخوړونکو یا څښونکو توکونه دی او یا جامد وی او یا هم مایع، ټول حرام دی.

اسلام د فطرت او انسانی کرامت ساتلو دین دی، دغه دین دي چې بشریت ته یی حقیقی او معنوی وزن او وجاهت ورکړی، دغه دین کله چې دمخدراتو او شرابو اضرار دانسان پر بدن باندی لیدل، نو الهی حکمت داسی ؤ چې په تدریجی او حکیمانه توګه سره یی حرام کړی، لومړی یی خلکو ته ضررونه په عقلی بڼه سره بیان کړل:

﴿وَأَشْهُمُوا أَكْثَرُ مِنْ نَفْسِهِمَا﴾^{البقرة: ۲۱۹}

یعنی دشرابو او قمار زیانونه تر ګټو نه زیات وی، نو بشری عقل نی پکار و اچاوه، ترڅو دخپل عقل او منطق په تقاضا هغه کار ونکړی چې تر ګټی یی تاوان زیات دی، هغه ؤ چې خلک ورته متوجه شول چې رښتیا هم ددغو ناوړه کارونو تاوانونه خو تر ګټو نه یی ډیر دی، نو ورڅخه یی کرکه کرار کرار را پیدا او زیاتیده او ددی به انتظار ؤ چې الله تعالی یی ورباندی په قاطعیت سره حرام کړی.

بله مرحله یی هغه وه چې ځینو صحابه کرامو به چې لمونځ کاوه نو دسستی او بهیونی په حالت کې ورڅخه لمنځونه ګډوډ او خرابیدل نو هغه ؤ مبارک آیت رانازل شو:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ...﴾^{البساة: ۴۳}

ژباړه: ای مؤمنانو! کله چې مست اوبی هوشه وی، لمانځه ته اقدام مکوی ترڅو پوه شی په

هغه څه چې تاسې یی په لمانځه کې وایی... خو دا الهی حکم هم ډیر قاطع او جدی نه ؤ، ځکه روړدی کسان زیات او دا دوه څیزونه درته ډیر محترم ؤ نو باید په تدریجی ډول سره ددغه نامیمونه څیزونو په اړوند قاطع الهی حکم را نازل شی چې بیخی یی حرام وګرزی، هغه ؤ چې ورپسې آخیرینی مبارک آیت الله تعالی را نازل کړ او پدی ډول سره یی دبشریت ژوند ددغه ناسورو توکو څخه دتل لپاره وژغوره، الله تعالی وفرمایل:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ...﴾^{المائدة: ۹۰}

کله چې دغه مبارک آیت را نازل شو، نو دهماغه وخت روړدی مسلمانانو ټول شراب پرخمکه تش کړل چې کوڅی او لاری ورڅخه رنگ شوی او دا کلمه به یی تکراروله، (انتهینا انتهینا یارب) ای ربه پری موبسودل او تری نه خلاص شوو!

همدارنگه یی قمار او نور ټول اخلاقی او دانسانی کرامت ضد شيان پرېښودل او بیا دژوند تر آخره پوری ورته بیرته راونه ګرځیدل او نه یی تر شا ورته وکتل.

دا دالهی حکمت مقتضا وه چې ددعوت اصول او طریقې مسلمانانو او دعوتګرانو ته وینی چې دمنکراتو په له منځه وړلو او دالله لاری ته په را بللو کې دخومره لوړ حکمت څخه کارواخلي ترڅو دعوت بریالی شی.

دین ورځی ولې دصدر اسلام مسلمانانو په څپر په یوه آواز سره نه وایی: مخدرات او شراب مردار دی او ور څخه ییزاره یو!!

مسلمانان چې دمخدراتو او شرابو دحرمت او بدو پایلو په پیژندلو کې څه ستونزه نلری، هرڅه ورته معلوم دی، ولی ورڅخه خان نه ساتی، ولی ځینی اسلامی ملکونه دمخدره توکو ډیر تولیدونکی هیوادونه بلل کیږی،

روړدی انسانان نور روړدی خلک وینی چې څومره په تدریجی مرګونو سره هره ورځ مری، ولی بیا هم پند او عبرت نه اخلی، راځی ددغه بدمرغه پدیدې په ضد نه ستړی کیدونکی مبارزه وکړو او بشريت دتدریجی مرګ سور بښامارنه را خلاص کړو.

﴿فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ﴾^{الحشر: ۲}

ای دبصیرت خاوندانو آیا عبرت نه اخلی.



پس زمینه های اصلاحات

ناصرالدین "دریز"

با پیمانه های متفاوت حاصل می گردد. احتمال دارد در یکی از مراحل به ویژه در دوره های اولیه، فیصدی پیشرفت کارها ناچیز بوده و نتواند حتی تا گراف ۱۰ درصد تصاعد نماید؛ اما علی الرغم چالش های بسیار، می توان گفت که بازهم پیشرفت هایی صورت گرفته است.

چنانچه در آغاز کار تیم های تکنیکی تطبیق اصلاحات اداری نسبت به تجارب کم و دانش ناچیز در عرصه اصلاحات اداری، با معضلات گوناگونی دست و پنجه نرم می کردند؛ ولی طوری که دیده می شود روز تا روز در این عرصه سرنوشت ساز، پیشرفت ها و تجاربی حاصل گردیده است.

این پیروزی ها و بهروزی های کم و بیش در عرصه اصلاح اداره خدمات ملکی جهت تقویت حکومت داری خوب، مآربه آینده های فروزان و درخشان امیدوار می سازد. پس نباید دامن امید نتیجه بخش را از دست داد.

فقط بانیات خالص، اراده استوار و تیم های کاری متعهد و متخصص ضرورت است تا کشتی اصلاحات را به سرمنزل مقصود برسانند.

گیر و طولانی است که به آسانی نمی توان به آن دست یازید. برنامه اصلاحات اداری کشور اکنون جوان است. در راستای اصلاح اداره عامه، کمتر از دو دهه می شود که نظر به امانات مالی، تکنیکی و ظرفیت منابع بشری، صرف برنامه اصلاحات اداری در بخشی از اداره های خدمات ملکی تطبیق گردیده است. اما در قدم های بعدی، نخست اداره خدمات ملکی و سپس تمام اداره عامه کشور ضرورت به اصلاحات گسترده و بنیادین دارند.

ما در آغاز کار قرار داریم. روند اصلاحات هم چنان ادامه دارد. هنوز راه درازی در پیش است. ممکن است که تطبیق برنامه اصلاحات اداری سالیان زیادی را در بر گیرد تا اداره خدمات ملکی افغانستان توان همطرازی و همنوایی را با اداره های خدمات ملکی سایر کشورهای جهان حاصل نماید؛ پس نباید شکیبایی هدفمند را از کف داد.

اصلاحات روند است مستمر و فرآیندی است پیوسته. در هر دوره تطبیق برنامه های اصلاحی در اداره خدمات ملکی کشور، پیشرفت ها و تجارب گوناگون

دانشمندی در یاد داشت هایش مینویسد: در کودکی می خواستم، دنیا را اصلاح نمایم. در هنگام نوجوانی خواستار اصلاح کشورم بودم و در جوانی علاقمند اصلاح شهرم شدم. در سالخورده گی دوست داشتم، خانواده ام را متحول سازم؛ اما اصلاح و تغییر هر کدام اینها، کار مشکلی بود. اینک که آخرین نفس ها را می کشم، درک می کنم که اگر روز اول خودم را اصلاح می نمودم، ممکن بود که امروز دنیا را هم تغییر دهم! پس اصلاحات و تغییر از خود انسان آغاز می گردد.

شکی نیست که هدف اصلی اصلاحات و تغییر، توجه و تمرکز به منابع بشری و ظرفیت انسانی سازمان است که در این میان اصلاح امیال خودی در اولویت همه برنامه های اصلاحی قرار می گیرد. همزمان با آن اصلاح سایر عناصر سازنده سازمان نیز از ارجحیت خاصی در روند اصلاحات اداری برخوردار است.

اصلاحات پروسه وسیع، وقت



پیش زمینه های مورد نیاز برای تحقق بهتر اصلاحات اداری

در مبحث زیر به مواردی اشاره می گردد که می تواند زمینه های تطبیق اصلاحات اداری را در کشور تسهیل و تقویت بخشد. گرچه نکات زیادی در راستای حمایت و تسریع از روند اصلاحات اداری وجود دارند که از حوصله این بحث بیرون هستند، اما در چند بند محدود می توان به آن بسنده کرد.

- حمایت قوی و پایدار سیاسی از سوی ریاست جمهوری، شورای وزیران، مسوولان اداره های مستقل خدمات ملکی و والی ها برای تحقق هدف های اصلاحات اداری

- حمایت پیوسته مجلسین نمایندگان از تطبیق برنامه های اصلاحات اداری
- حمایت واقعی و مسوولانه هیات رهبری وزارت ها و اداره های مستقل حکومت از روند تطبیق اصلاحات اداری

- عدم مداخله وزراً، معینان، رؤسای اداره های مستقل، والیان، وکلا و سایر مسوولان دولت در تقرر و تبدیل کارکنان خدمات ملکی و تطبیق اصلاحات اداری

- فراهم آوری تسهیلات لازم و مداوم تخنیکی توسط کمیسیون اصلاحات اداری و تمویل کنندگان در راستای تطبیق برنامه های اصلاحات اداری

- شریک ساختن نظریه های مردم و جامعه مدنی برای تسریع و تطبیق بهتر برنامه اصلاحات اداری

- مراقبت و نظارت مداوم از مدیریت تطبیق اصلاحات اداری توسط کمیسیون اصلاحات اداری و اداره های مستقل خدمات ملکی

- آگاهی دهی و تنویر پیوسته از روند پیشرفت کار اصلاحات اداری برای

شرکا، مردم و رسانه های غرض جلوگیری از مداخله مقامات دولتی در امور کاری کمیسیون مستقل اصلاحات اداری

- آگاهی دهی مشترک توسط کمیسیون اصلاحات اداری و اداره های خدمات ملکی برای مردم، کارکنان خدمات ملکی، رسانه ها و سایر شرکای داخلی و خارجی از ویژگی ها و مزایای اصلاحات اداری

- هماهنگی در کمپاین های تبلیغاتی و آگاهی دهی با مدیریت کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و همکاری اداره های خدمات ملکی در مرکز و ولایات
- همکاری کمیسیون مستقل اصلاحات اداری برای کسب مالکیت تطبیق اصلاحات اداری توسط اداره های خدمات ملکی

- گرفتن مسوولیت آگاهی دهی کارکنان اداره های ذیربط از چگونگی روند اصلاحات اداری توسط خود اداره های خدمات ملکی با همکاری کمیسیون مستقل اصلاحات اداری.

پیامدهای اصلاحات اداری

اصول و دانش مدیریتی به سرعت قدیمی می شوند. سرعت تحولات در محیط اطراف به گونه ای شکل می گیرند که باید همواره گوش به زنگ این تغییرات بود و سازمان را برای رویارویی با چالش های فردا آماده ساخت.

آنچه که سازمان را توان و تحمل رویایی با هر گونه تهدیدات احتمالی آینده می بخشد، بهره بری از هنر مدیریتی و برنامه اصلاحات سازمانی است. راهکارهای اصلاحی، سازمان را با سرعت تغییرات محیط هماهنگ و همنا ساخته و کارکنان را برای کسب نتایج مثبت، ابتکارات و عرضه خدمات بهتر با معاش مناسب، تشویق می نماید و نظام پایدار و مصوون اداری را بنیان

گذاری می کند.

یک سازمانی که در آن اصلاحات به میان آید، معاش مناسب برای کارکنان در برابر لیاقت و کار انجام شده پرداخته می شود و ارتقا به قدم و مزد بالاتر به اساس ارزیابی و اجراآت سالانه صورت گیرد، نه معاش و ارتقا به اساس رابطه و ضابطه شخصی، حزبی و قومی، و نه ارزیابی به عنوان نقطه فشار و تیغ بران برای بریدن ریشه رقبای سازمانی.

ارزیابی اجراآت به معنی واقعی کلمه و با شاخص های روشن، میزان مسوولیت پذیری و تعهد کاری کارکنان را پیمایش نموده، و مدیریت ارشد سازمان را در تصمیم گیری های واقع بینانه نسبت به برنامه ها و کارکنان کمک می کند.

تطبیق اصلاحات اداری در افغانستان به اساس ماده پنجم فرمان شماره ۳۲ و ضمیمه شماره سوم قانون کارکنان خدمات ملکی در هماهنگی با ماده ۵۰ قانون اساسی و سایر قوانین و مقرره های مربوط صورت می گیرد.

حقوق و امتیازاتی را که قوانین نافذ کشور به کارکنان اداره عامه قایل گردیده، باید کارکنان اداره عامه از

آن آگاهی کامل حاصل

نمایند. گرچه چندین سال از طرح و تطبیق این قوانین می گذرد و اکنون نظر به شرایط جدید اقتصادی و اجتماعی

باید در شماری از بندهای آن تجدید نظر صورت گیرد. ولی با آنهم برای یادآوری در آتیه

مبحث به پاره ای از این موارد به گونه جسته و گریخته اشاره به عمل می آید و در



مباحث بعدی بیشتر به آنها پرداخته خواهد شد.

مقرر حقوق و امتیازات تقاعد کارکنان مطابق ماده ۲۹ قانون کارکنان خدمات ملکی و اسناد تقنینی اجرا می گردد. در صورتی که اجراءات سالانه کارکن بالاتر از معیارهای مندرج لایحه وظایف (مطابق ماده بیست و پنجم قانون کارکنان خدمات ملکی) صورت گرفته باشد، کارکن مورد مکافات مادی و معنوی قرار می گیرد.

کارکنانی که خارج از وقت رسمی مطابق به هدایت آمر ذیصلاح اجرای وظیفه می نمایند، مطابق ماده بیستم قانون کارکنان خدمات ملکی، مستحق اضافه کاری می گردند. کارکنان می توانند مطابق ماده ۲۹ - ۵۸ قانون کار از رخصتی های قانونی استفاده نمایند. کارکن مطابق ماده ۱۸ قانون کارکنان خدمات ملکی، حق استعفا از وظیفه را دارد.

کارکن در جریان وظیفه مطابق ماده ۱۹ قانون کارکنان خدمات ملکی از مصوونیت کاری برخوردار است. در صورت تخلف، مطابق ماده ۳۰ قانون کارکنان خدمات ملکی و رعایت مواد ۹۵ - ۱۰۱ قانون کار، کارکن خدمات ملکی مورد تادیب قرار می گیرد.

ارتقا به بست بالا نیازمند بست خالی و داشتن مواصفات و شرایط بست مورد نظر، از طریق رقابت آزاد میسر می شود. عرضه خدمات مفید، استخدام افراد ورزیده، رعایت معیارهای شفاف، ساختار وظایف واضح و مناسب - اهداف اولیه اصلاحات بوده که می خواهد ساختار اداره عامه را ریخت مجدد نماید.



از جمله مزیت های برنامه اخیر اصلاحات اداری افغانستان (رتب و معاش) اینست که یکی از روش های ساده و قبول شده جهانی بوده، با بست ها، کارکنان و مصارف کمتر و القاب محدودتر که در صورت تطبیق درست و واقعینانه آن، اداره ملکی کشور نفس تازه و تحرک بیشتری خواهد یافت.

هر چند این برنامه دارای برخی کاستی ها بوده و در جریان تطبیق این نقاط ضعیف بهتر درک و بیشتر دریافت گردیدند. اما با بازنگری می تواند از توانمندی بهتری برخوردار گردد. ولی جان کلام در این است که در صورت عدم مداخله وزراء و معینان و تطبیق منصفانه قوانین و مقررات در اداره خدمات عامه، با گذشت هر روز ظرفیت کاری و مسلکی اداره عامه بهتر از گذشته خواهد شد.

برنامه اصلاحات با کنار گذاشتن فعالیت های بیهوده، تکراری، بیکاری مخفی، رفع تداخل کاری میان ادارات و وظایف، مشخص ساختن حوزه صلاحیت ها و مسؤولیت ها، ساختن وظایف مطابق شرایط ایجابی جدید جهانی و داخلی و جلوگیری از بی نظمی اداری سنگ بنای یک سازمان سالم را در کشور به زمین می نهد.

اصلاحات اداری با انکشاف سازمانی و تشویق روحیه جدید همکاری، مسؤولیت پذیری، خدمت گزاری، نظارت و جوابگویی از اجراءات کاری، شفافیت اداری، و بهبود وضعیت معیشتی کارکنان می خواهد افراد را با انگیزه های بهتر و نوین وارد بازار رقابتی تولیدی و کار سازد.

دور نمای مقایسوی میان اداره اصلاح شده و غیر اصلاح شده

در مبحث زیر میان دو اداره ای که در آن اصلاحات تطبیق شده و اداره ای که در آن اصلاحات مورد تطبیق قرار نگرفته مقایسه کلی و فشرده صورت گرفته است. با توجه به متون ذیل تفاوت های این دو اداره را به خوبی درک و دریافت می گردد.

اداره غیر اصلاح شده

۱. معاش کم و تفاوت ناچیز میان معاش هر یک از بست ها
۲. ستون معاش های طولانی و تفاوت کم میان معاش های بست ها و وظایف مختلف
۳. آمر محوری تا سیستم محوری
۴. ترفیع با تکمیل زمان معین و معیارهای غیرقابل پیمایش برای ارزیابی به ذوق آمر اعطا بدون توجه به پلان کار و فیصله بدون رضایت کارکن به طور غائبانه
۵. عرضه خدمات کم با مصارف بلند و مفیدیت ناچیز
۶. بیکاری مخفی و تظاهر به مصروفیت تا انجام کار و بازدهی موثر
۷. انگیزه ناچیز و تشویق ناقابل برای رشد و انکشاف استعدادها به خصوص رشد ظرفیت کاری
۸. تعداد کارکنان زیاد با ظرفیت مسلکی پایین کاری
۹. نبود مصوونیت شغلی و حقوقی
۱۰. طرزالعمل های پیچیده و زمان گیر برای عرضه خدمات
۱۱. استخدام بدون در نظر داشت اصل شایستگی و لیاقت به وسیله شناخت و ارتباطات
۱۲. نبود ارزیابی اجراءات کاری به اساس دستاوردها
۱۳. مفیدیت کم و عرضه خدمات غیرمعیاری
۱۴. مدیریت محدود از اجراءات به صورت ذهنی و تخمینی

۱۵. نبود مشوق برای جلب و جذب مامورین با استعداد و توانا

۱۶. زمینه های فراوان برای فساد و بروکراسی مزمن اداری

۱۷. نگرش نسبت به مردم به حیث رعیت، نه منحيث مشتری و مالک

۱۸. فرسودگی و سیاسی شدن اداره عامه، عدم پاسخ گویی به نیازها و نبود همگامی با اداره های ملکی جوامع انکشاف یافته جهان.

اداره اصلاح شده

۱. معاش نسبت خوبتر و تفاوت آشکار میان معاش هر یک از بست ها

۲. ستون مختصر معاش متناسب به حجم و ارزش کار و بازدهی

۳. سیستم محوری تا آمر محوری

۴. ارتقا به قدم و مزد بالاتر به اساس دستاوردها و ارزیابی موفقانه اجراآت سالانه مطابق پلان کار و لایحه وظایف در حضور کارکن

۵. عرضه خدمات بهتر با حداقل مصارف

۶. کاهش زمینه های بیکاری مخفی و بازپرس از بازدهی

۷. جهت تشویق و ایجاد انگیزه، زمینه سازی برای فرصت های رقابتی، بلند بردن معاش، و فراهم آوری امکانات برای ارتقای ظرفیت کاری

۸. تناسب کارکنان مطابق نیاز اداره (کارکنان با ظرفیت به وسیله آموزش و برنامه های نیازسنجی)

۹. وجود مصوونیت حقوقی کارکن مطابق زمینه های حمایتی قوانین جدید و حیطة نظارتی مورد رسیدگی به شکایات

۱۰. آوردن تسهیلات در طرزالعمل ها

۱۱. استخدام بر اساس شایستگی،

لیاقت و اهلیت

۱۲. ارزیابی اجراآت سالانه به اساس دستاوردها

۱۳. موثریت و مفیدیت بیشتر کاری در نتیجه عرضه خدمات بهتر و معیاری

۱۴. مدیریت پیوسته از اجراآت کاری به صورت عینی و مستند

۱۵. نگهداری و جلب مامورین شایسته برای خدمات ملکی با مشوق ها و معاش بهتر

۱۶. کاهش فساد و بروکراسی مزمن اداری از طریق بهبود پروسه های شفاف اداری

۱۷. تقویت روحیه خدمت به ملت و ملت مالک دولت و مراجعان مشتریان اداره ها

۱۸. توجه به تجدید دوامدار سیستم و غیرسیاسی ساختن اداره عامه در هماهنگی با اداره های ملکی جهان پیشرفته و پاسخگوی به نیازهای ضروری شهروندان.

انتظارها از تطبیق اصلاحات اداری

اقتضای مختلف جامعه از برنامه اصلاحات انتظارات متفاوتی دارند. اصلاحات برنامه جامع است که می تواند به انتظارات منطقی آنان پاسخ دهد. در بحث زیر اصناف مختلف جامعه در سه گتگوری (مردم عامه، اداره های خدمات ملکی و مسوولان دولتی) دسته بندی می شوند که هر صنف خواست ها و انتظارات ویژه و متفاوتی نظر به نیازهای و ضروریات شان از تحقق این برنامه دارند.

مردم عامه

• دریافت خدمات همگانی بدون تبعیض، ارزان، با کیفیت، در وقت کم، به آسانی و قابل دسترس

• فرصت و سهولت مساوی برای همه شهروندان بدون تبعیض

• سپردن کار به اهل کار

• تحقق اصل شایسته سالاری و لیاقت مداری

• رعایت عدالت اجتماعی.

کارکنان اداره خدمات ملکی

• مزد برابر به کار

• مزد متناسب با شرایط معیشتی

• صلاحیت متناسب به مسوولیت

• مصوونیت شغلی

• رفاه اجتماعی موازی با شرایط معیشتی

• محیط کار، متناسب به نیاز کاری

• رعایت سلسله مراتب بر اساس ساختار تشکیلاتی و مرجعیت تخصصی تا سیاسی.

مسوولان دولت

• عرضه خدمات با کیفیت در وقت کم، در مقابل مصرف کم

• تشکیلات اداری متناسب به نیاز عرضه خدمات در اداره ها از طریق تامین سطح عواید و منابع داخلی دولت

• مزد برابر با شرایط بازار یا مارکیست کار و عواید داخلی

• نظام اداری متکی بر حکومت داری خوب

• رعایت اصول شفافیت، حسابدهی، مشارکت، متمریت و موثریت در ساختار نظام اداری جهت جلب رضایت هموطنان

• کاهش فقر اقتصادی و فساد اداری



نقش امست غذایی

در سلامتی انسان از دیدگاه اسلام

قسمت پنجم

محمد شریف ریاضی

الگوهای قرآنی در تغذیه ی انسانی

وقتی به تعبیر قرآن کریم در باره ی غذا و الگوهای مناسب تغذیه می نگریم به این واقعیت مهم دست خواهیم یافت که آیات قرآن کریم با دقت و ریز بینی معجزه آمیز به غذا و تغذیه ی مردم پرداخته است به گونه ای که جامعه ی بشری با الهام گیری از این آموزه می تواند به راهکارهای مناسب و مفیدی در باب تغذیه و مشکلات آن در جهان بپردازد به دیگر سخن، غذا در تعبیر قرآنی وسیله است نه هدف، وسیله ای ضروری برای تداوم زندگی انسان، آن جاکه مردم را به آن فرا می خواند ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ﴾ البقرة: ۱۶۸ و حلال و پاکیزه است بخورید.

خداوند، در سرشت انسان میل به غذا را قرار داد و حکمت الهی بر آن رفت که این میل توام با لذت باشد تا از خوردن آن احساس نشاط کند و ترشحات دستگاه گوارش و عمل گوارش تحریک گردد

پس نتیجه می گیریم کامجویی هدف غایی غریزه ی میل به غذا نیست؛ زیرا قصد و تمرکز بر لذت و کامجویی در خوردن و نوشیدن انسان را به سطح حیوانی تنزل می بخشد (در تعبیر قرآن) این ویژگی (فقط کامجوی) از خصایل کافران ملحدی است که خداوند در وصفشان می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَسْتَمِعُونَ وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى فِيهَا﴾ محمد: ۱۲

در حالی که کافران بهره و لذت می برند و همچون چهارپایان می چرند و می خورند و آتش دوزخ جایگاه ایشان است. اعجاز علمی قرآن

از ابوهریره روایت شده است که گفت: رسول خدا فرمود:

(ان الله طيب لا يقبل الا طيبا و ان الله امر المؤمنين بما امر به المرسلين فقال تعالى: يا ايها الرسول كلوا من الطيبات واعملوا صالحا و قال تعالى: يا ايها الذين آمنوا كلوا من طيبات ما رزقناكم ثم ذكر الرجل يطيل السفر أشعث أغبر يمد يديه الى السماء يا رب! يا رب! و مطعمه حرام، و مشربه حرام، و ملبسه حرام، و غذی بالحرام، فاني يستجاب له؟) رواه مسلم

خداوند پاک است و از هرگونه عیب و نقصی بری است (ازین رو) چیزی غیر از

اعمال و اموال پاک (و دور از مفسده) را نمی پذیرد و خداوند به مومنین همان دستوری را داده که به پیامبران و فرستادگان خود داده است و فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ المؤمنون: ۵۱

یعنی: "ای پیامبران! از پاکیزه ها بخورید و کارهای شایسته بکنید... و نیز فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ البقرة: ۱۷۲

یعنی: "ای مومنان! از پاکیزه های آنچه روزیتان کرده ایم، بخورید...

سپس (پیامبر) مردی را مثال زد که سفر طولانی داشته و دارای موی مجعد بوده است که به خاطر طول سفری که (در راه طاعات و عباداتی نظیر حج و جهاد و...) داشت، رنگ آن عوض شده است (و با این حال) یا رب! یا رب گویان، دستش را به سوی آسمان بلند می کند. حال آنکه خوراک، نوشیدنی و پوشاک او حرام است و از حرام تغذیه شده است. چگونه دعای چنین فردی مستجاب می شود؟

در پرتو سفارش

در این حدیث توصیه ی مبارکی وجود



دارد که به ما امر میکند در جستجوی آن باشیم. ما را تشویق می کند که از حلال استفاده نماییم و در جست و جوی آن باشیم.

در این روزگار استفاده از حرام و بهره برداری و تغذیه از آن به گونه ای افزایش یافته است که هشدار هلاک و خطر را در بر دارد.

عامل شیوع این امر نیز غیاب درون (و باطن پاک)، ضعف ایمان، و غیاب حدود اسلام است.

باید دانست که حرام، راه (رفتن به درون) آتش (جهنم) و مایه ی بدبختی و شقاوت دنیوی و اخروی انسان است. همچنین باید دانست که معده، حوض بدن است و رگ ها به آن وارد می شوند. لذا اگر معده سالم باشد، رگ ها، تندرستی و سلامتی را صادر می کنند و اگر معده بیمار باشد، رگها بیماری را صادر می نماید. « خداوند پاک است و جز پاک را نمی پذیرد»، یعنی خداوند تنها صدقات پاک و حلال را قبول می کند.

پیام این سفارش:

اینکه از هر چیزی که در آن حرام وجود داشته باشد، پرهیز کنیم، زیرا اگر انسان، از حرام بهره برداری کند، چه بخواهد چه نخواهد، اعضا و اندام های وی آگاهانه یا نا آگاهانه معصیت می کنند. هر کس نیز که لقمه اش حلال باشد، اعضا و اندام هایش از وی فرمان برداری می کنند و توفیق انجام دادن کارهای خیر را پیدا می کند. «۳»

عقاید امتها در مورد خوردن گوشت:

در این معنا هیچ شکی نیست که انسان مانند سایر حیوانات و گیاهان مجهز به جهاز گوارش است، یعنی دستگاهی دارد که اجزایی از مواد عالم را به خود جذب می کند، به آن مقداری که بتواند در آن عمل کند، و آن را جزء بدن خود سازد، و به این وسیله بقای خود را حفظ نماید، پس

بنابر این برای اینگونه موجودات هیچ مانعی طبیعی وجود ندارد از اینکه هر غذایی که برای او قابل هضم و مفید باشد بخورد.

در سنت بودا خوردن تمامی گوشت ها تحریم شده، و پیروان این سنت هیچ حیوانی را حلال گوشت نمی دانند، و این طرف تفریط در مسأله خوردن گوشت است، و طرف افراط آن را وحشی های آفریقا (و بعضی متمدنین اروپا و غرب) پیش گرفته اند، که از خوردن هیچ گوشتی حتی گوشت انسان امتناع ندارند.

اما عرب در دوران جاهلیت گوشت چهارپایان و سایر حیوانات از قبیل موش و قورباغه را می خورد، چهارپایان را هم به هر نحوی که کشته می شد می خورد، چه اینکه سرش را بریده باشند، و چه اینکه خفه اش کرده باشند، و چه طوری دیگر مرده باشد، که در صفحات بعدی به عنوانهای "منخنقه" و "موقوده" و "متردیه" و "نطیحه" و نیم خورده درندگان از آنها یاد میشود، و وقتی مورد اعتراض واقع می شدند می گفتند: چطور شد که آنچه خود شما می کشید حلال است، و آنچه خدا می کشد حرام است، هم چنان که امروز نیز همین جواب از پاره های اشخاص شنیده می شود، که مگر گوشت با گوشت فرق دارد، همین که گوشتی سالم باشد و به بدن انسان صدمه وارد نیاورد آن گوشت خوردنی است، هر چند که بی ضرر بودنش به وسیله علاجهای طبی صورت گرفته باشد و خلاصه گوشت حرام آن گوشتی است که دستگاه گوارش آن را نپذیرد، از آن گذشته همه گوشتها برای این دستگاه گوشت است، و هیچ فرقی بین آنها نیست.

و نیز در عرب رسم بود که خون را می خوردند، و آن را در روده حیوان ریخته با آن روده کباب می کردند، و

می خوردند، و برای مهمانان می دادند و نیز رسمشان چنین بود که هر گاه دچار قحطی می شدند، بدن شتر خود را با آلتی برنده سوراخ می کردند، و هر چه خون بیرون می آمد می خوردند، امروز نیز خوردن خون در بسیاری از امت های غیر مسلمان رائج است.

و این سنت در بت پرستان چین رواج بیشتری دارد، و بطوری که شنیده می شود- از خوردن هیچ حیوانی حتی سگ و گربه و حتی کرمها و صدفها و سایر حشرات امتناع ندارند.

و اما اسلام در بین آن سنت تفریطی و این روش افراطی راهی میانه را رفته، از بین گوشتها هر گوشتی که طبیعت انسانهای معتدل و یا به عبارتی طبیعت معتدل انسانها آن را پاکیزه و مطبوع می داند، در تحت عنوان کلی طیبات حلال کرده، و سپس این عنوان کلی را به چهار پایان یعنی بهایم که عبارتند از گوسفند و بز و گاو و شتر- و در بعضی از چهار پایان چون اسب و الاغ به کراهت- و در میان پرندگان به هر مرغی که گوشت خوار نباشد- که علامتش داشتن سنگدان و پرواز به طریق بال زدن و نداشتن چنگال است- و در آبیها به ماهیانی که فلس دارند، به آن تفصیلی که در کتب فقه آمده تفسیر کرده



است. و از این حیوانات حلال گوشت خون و مردار و آنچه برای غیر خدا ذبح شده را تحریم کرده، و غرض در این تحریم این بوده که بشر بر طبق سنت فطرت زندگی

کند، چون بشر در اصل فطرت به خوردن گوشت علاقمند است، و نیز فطرتاً

برای فکر صحیح و طبع مستقیم که از تجویز هر چیزی که نوعاً ضرر دارد، و یا مورد نفرت طبع است امتناع می‌ورزد، احترام قایل است. «۴»

اعتدال در خوردن گوشت

آنچه از مجموع بحث‌های فوق و سایر منابع اسلامی استفاده می‌شود این است که روش اسلام در مورد بهره برداری از گوشتها - همانند سایر دستورهائیش یک روش کاملاً اعتدالی است؛ یعنی نه همانند مردم زمان جاهلیت که از گوشت سوسمار و مردار و خون و امثال آن می‌خوردند، و یا همانند بسیاری از غربی‌های امروز، که حتی از خوردن گوشت خرچنگ و کرم‌ها چشم‌پوشی نمی‌کنند، و نه مانند هندوها، که مطلقاً خوردن گوشت را ممنوع می‌دانند؛ بلکه گوشت حیواناتی که دارای تغذیه پاک بوده و مورد تنفر نباشند حلال و روی روش‌های افراطی و تفریطی خطاً بطلان کشیده و برای استفاده از گوشت‌ها شرایطی مقرر داشته است؛ به این ترتیب که:

۱- حیواناتی که از گوشت آنها استفاده می‌شود باید از حیوانات علف‌خوار باشند؛ زیرا گوشت حیوانات گوشت‌خوار بر اثر خوردن گوشت‌های مردار و آلوده، غالباً ناسالم و مایه انواع بیماری‌ها است، به خلاف چهارپایان علف‌خوار که معمولاً از غذاهای سالم و پاک استفاده می‌کنند.

هر حیوانی صفات خویش را از طریق گوشت خود به کسانی که از آن می‌خورند منتقل می‌کند، بنابراین تغذیه از گوشت حیوانات درنده صفت، قساوت درندگی را در انسان تقویت می‌نماید. و نیز به همین دلیل است که در اسلام حیوانات حلال-سرگین خوار-؛

یعنی حیواناتی که از نجاست تغذیه می‌کنند، تحریم شده است.

۲- حیواناتی که از گوشتشان استفاده می‌شود باید مورد تنفر نبوده باشند.

۳- نیز باید زبانی برای جسم یا روح انسان تولید نکنند.

۴- حیواناتی که در مسیر شرک و بت پرستی قربانی می‌شوند و مانند آنها؛ چون از نظر معنوی ناپاک اند تحریم شده اند.

۵- یک سلسله دستورها در اسلام برای طرز ذبح حیوانات وارد شده که هر کدام به نوبه خود، دارای اثر بهداشتی یا اخلاقی می‌باشد. «۵»

اسلام تمام چیزهایی را که پاکیزه و بی‌زبان است حلال کرده است:

وقتی اسلام آمد، مردم در مصرف خوراکی‌های حیوانی حالت افراط و تفریط داشتند، عده‌ای حتی گوشت مردار و خون حیوانات را هم می‌خوردند و عده‌ای به کلی از خوردن گوشت پرهیز می‌نمودند، قرآن کریم همه مردم را دعوت کرد و فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾^{البقرة: ۱۶۸}

یعنی: "ای مردم از آنچه که بر روی زمین پاکیزه و بی‌زبان است بخورید (و استفاده کنید و برای شما حلال می‌باشند)، از نقشه‌های شیطان پیروی نکنید چون شیطان آشکارا دشمن شما است."

در این آیه شریفه، خداوند متعال آنان را به کلمه "ناس" یعنی "مردم" مورد خطاب قرار داده است - که شامل هر قوم و طایفه و نژادی می‌باشد - تا از نعمتهای پاکیزه و بی‌زبان که بر روی سفره وسیع و گسترده زمین برای آنان چیده شده است بخورند و استفاده نمایند، از شیطان تبعیت نکنند چون او می‌خواهد با دسیسه و نقشه‌های شوم خود بعضی

از اشخاص را فریب دهد تا چیزهایی را که خداوند آنها را حلال کرده بر خود حرام نمایند و در نتیجه، این گونه اشخاص فریب خورده را از نعمتهای پاکیزه محروم ساخته و در گمراهی قرار دهد. پس از این اعلان عمومی خداوند مخصوصاً مسلمانان را دعوت می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ كُنتُم لَشَاكِرِينَ﴾^{البقرة: ۱۷۲ - ۱۷۳} یعنی: "ای کسانی که (به خدا و دین اسلام) ایمان دارید، از نعمتهای پاکیزه و بی‌ضرری که آنها را روزی و طعام شما قرار داده ایم بخورید و استفاده نمایید. اگر واقعاً به خدا ایمان دارید (در مقابل این کرم و بخششی که در حق شما انجام داده است) او را سپاس و ستایش کنید." «۶» ادامه دارد

مآخذ:

- ۱- این حلال است و آن حرام است، تألیف عبدالقادر أحمد عطا، مترجم دکتر سالم افسری استاد یار دانشگاه کردستان، ویراستار عثمان نقشبندی، انتشارات کردستان ۱۳۹۱.
- ۲- نقش ارزشها و اخلاق در ارتباط با اقتصاد اسلامی ص ۹۷
- نقش ارزشها و اخلاق در ارتباط با اقتصاد اسلامی در عرصه‌های تولید، تجارت، توزیع، مبادله و مصرف، تألیف دکتر یوسف قرضاوی، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، چاپ مهارت، نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵، ناشر: نشر احسان.
- ۳- سفارش‌های رسول خدا ص به مردان، تألیف: محمد خلیل عیثانی، ترجمه: زاهد ویسی، ناشر: حافظ ابرو، سال انتشار: ۱۳۹۵.
- ۴- تفسیر المیزان ج ۵ ص ۲۹۴.
- ۵- تفسیر نمونه ج ۴ ص ۲۶۱.
- ۶- حلال و حرام ص ۶۱.



جایگاه امانت در تفویض کار

مولوی عبدالعظیم جهیر

سپاس بی پایان خدای بزرگی را سزااست که پدید آورندهٔ جهان و یار و یاور ستم دیدگان است، فرمانروای بی همتا و دانای توانا که مواهب بیشماری را توأم با هدایت به ما ارزانی نموده و برای ادای امانت به اهل، آن امر فرمود.

دروود بر ناجی بشریت، حضرت محمد مصطفی ﷺ و درود بر خاندان عزیز و یاران پاک نهادش که همه تاب و توان خود ها را در بستر اخلاص بر فرا خوان دعوت اسلامی نثار نمودند.

انسان نیازمند به اجتماع است، اجتماع ضرورت به تعامل دارد و تعامل محتاج قواعد است و فواید قواعد بستگی به تطبیق دارد که تطبیق کننده آن حکومت است و حکومت به عناصر کارکن ضرورت دارد و کارمند و کارکن، آمرین و مامورین حکومت باید اهلیت داشته باشند تا این همه انتظارات بسر رسد.

تصدی سالم امور حکومت به عناصر کارکن و کار فرما ضرورت داشته و اهلیت منحیت جانمایه و شیرازة اصلی پا در میان می آورد، اگر در مدیریت و اشراف نظام افراد نا اهل گماشته شدند، حکومت تعریف و مفهوم خود را واقعاً از دست خواهد داد.

با این تحلیل بخوبی میتوان تبیین داشت که جهت قوام یک زندگی شرافتمند به حکومت نیاز است و برای داشتن یک حکومت مطلوب و پاسخگو، کارمند با

اهلیت مطرح است و اهلیت در حکومت نماد و ماهیت آن است و نبود آن در دولت بمعنای نبود دولت و نظام است. فلهذا اگر اهلیت معدوم یا مهمل شود برای انسانیت هیچ نوع خوبی و مزیت در هیچ عرصه و قالبی باقی نخواهد ماند.

سپردن امانت به اهل آن ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...﴾ النساء: ۵۸

ترجمه: بیگمان خداوند به شما (مؤمنان) دستور می دهد که امانتها را (اعم از آنچه خدا شما را در آن امین شمرده، و چه چیزهائی که مردم آنها را به دست شما سپرده و شما را در آنها امین دانسته اند) به صاحبان امانت برسانید.

خطاب الهی در این آیه شامل تمام مردم در تمام امانتها می شود، پس این خطاب، هم ادای فرایض و تکالیف را که امانت حق تعالی بر دوش انسان است و هم امانت عادی در میان مردم را در بر می گیرد اما زمامداران از نخستین مخاطبان آیه کریمه و در پیشاپیش آنان قرار دارند.^۱

و عن زید بن اسلم و اختاره الجبائی و غیره ان هذا الخطاب لولاية الامران يقوموا برعاية الرعية و حملهم على موجب الدين والشرعة و عدوا من ذلک تولية المناصب مستحقها.^۲

یعنی این خطابی که در آیه است متوجه ارباب امور است تا در امر رعایت رعیت خود اقامه نمایند و آنها را به عمل کردن مطابق ایجاب دین و شریعت وا دارند و همچنان سپردن مناصب و پستها را به

مستحقین آن از همین فحوا دانسته اند. [عن ابی هريرة ؓ قال بینما النبی ﷺ فی مجلس یحدث القوم، جاءه اعرابی فقال: متى الساعة؟ فمضى رسول الله ﷺ یحدث، فقال بعض القوم: سمع ما قال: فکره ما قال. و قال بعضهم: بل لم یسمع. حتی اذا قضی حدیثه قال: این، اراه السائل عن الساعة قال: ها انا یارسول الله ﷺ قال فیذا ضیعت الأمانة فانتظر الساعة قال کیف إضاعتها؟ قال إذا وُسد الأمر إلى غیر أهله فانتظر الساعة] «۳»

ترجمه: ابوهریره ؓ گفته است: درحالی که پیامبر ﷺ در مجلسی با مردم صحبت می کرد بادیه نشینی آمد و پرسید: قیامت چه وقت است؟ رسول الله ﷺ همچنان به صحبت خود ادامه داد. برخی از مردم گفتند: که آن حضرت سؤال بادیه نشین را شنیده، لیکن از سؤال او خوشش نیامده است و برخی دیگر گفتند که آن حضرت سؤال او را نشنیده است. آنگاه که آن

حضرت به سخنان خویش پایان داد فرمود: آن کسی که از قیامت می پرسید کجاست؟ وی گفت: منم اینجا یارسول الله. آن حضرت فرمود: وقتی که امانت ضایع شد منتظر قیامت باش. بادیه نشین گفت: ضایع شدن امانت چگونه می باشد؟ آن حضرت فرمود: آنگاه که کار به نااهلان سپرده شود منتظر قیامت باش.

مراعات این امانت بالای اولیای امور واجب است تا به جستجوی



مستحقین حقیقی منصب و ماموریت شوند و مامورین نائب الحکومه ها و سایر منصبداران و قوماندانان خورد و بزرگ عسکری و قضات محاکم، وزراء، منشی ها و استادان و موظفین مالی را از اشخاص با اهلیت و باکفایت که صلاحیت شان نسبت به همگان خوبتر باشد تعیین و مقرر نمایند.^۴

آگاهی و کاردانی

داکتر محمد مصطفی محمد که فهرست موضوعی آیات قرآن عظیم الشان را گردآوری و ترتیب نموده است تحت عنوان (کسی که عهده دار پست و مسئولیتی میشود باید نسبت به آن آگاه و کاردان باشد) آیات مبارکه ذیل را آورده است:

- ۱- ﴿قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي أَوْلِيهِ وَالْجِسْرِ...﴾ البقرة: ۲۴۷
- ۲- ﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ يوسف: ۲۲
- ۳- ﴿قَالَ أَجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْهَا﴾ يوسف: ۵۵
- ۴- ﴿وَلَوْطًا ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا...﴾ الأنبياء: ۷۴
- ۵- ﴿فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكَلَّمَا ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا...﴾ الأنبياء: ۷۹
- ۶- ﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ القصاص: ۱۴

ترجمه آیات شگانه فوق برگرفته از تفسیر نور، قرار ذیل است:

- ۱- گفت: خدا او را بر شما برگزیده است و دانش و (قدرت) جسم او را وسعت بخشیده است.
- ۲- و هنگامی که یوسف به رشد و کمال خود رسید (و به نهایت قوت جسمانی و عقلانی دست یافت، نیروی) داوری و دانائی به او دادیم، و ما این چنین (که) پاداش یوسف را دادیم (پاداش همه) نیکوکاران را می دهیم.

- ۳- یوسف گفت: مرا سرپرست اموال و محصولات زمین کن، چرا که من بسیار حافظ و نگهدار (خزائن و مستغلات، و) بس آگاه (از مسائل اقتصادی و کشاورزی) می باشم.
- ۴- و به لوط شناخت (اسرار اشیاء) و دانش (سودمند) عطاء کردیم.

- ۵- (هر کدام از این دوره پیشنهادی، داد گرانه بود، ولی ما بهترین راه حل در مسأله) قضاوت را به سلیمان

فهمانندیم، و به هریک از آن دو، داوری و دانش آموختیم.

۶- و زمانی که موسی به نهایت قدرت و رشد (جسمانی) خود رسید، و خرد و اندیشه اش کامل گردید، به او فرزندی و دانش دادیم، و ما این گونه به نیکوکاران پاداش می دهیم (و خوبی و نیکی ایشان را با خوبی و نیکی پاسخ داده و آنان را در هر دو جهان یاری می کنیم و خوشبخت می گردانیم)

قوت و امانت، شرط اهلیت ﴿وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا سَقَىٰ حَتَّىٰ يَصِيرَ الرِّجْلُ خَلَاً وَأَبُوكَا شَيْخٌ كَبِيرٌ فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ فَجَاءَهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِغْيَالٍ قَالَتْ إِنَّكَ أَبَىٰ يَدْعُوكَ لِجِزْيِكَ أَجْرٌ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَبَوْتُ مِنَ الْقَوَمِ الظَّالِمِينَ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَبَاطُيَ اسْتَجِرْهُ إِنَّكِ خَيْرٌ مِّنَ الظَّالِمِينَ﴾ القصاص: ۲۳ - ۲۶

ترجمه: و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، مردمان زیادی را دید که بر آن گرد آمده اند و چهارپایان خود را سیراب می کنند، و آن طرف تر دو زنی را دید که گوسفندان خویش را می پابند (ونمی گذارند به چاه نزدیک شوند و با دیگر گوسفندان بیامیزند) گفت: شما دو نفر چه کاری کنید؟ (چرا گوسفندان خود را دورا دور نگاه داشته اید و آب شان نمی دهید؟) گفتند: پدر ما پیرمرد کهنسالی است و ما گوسفندانمان را آب نمی دهیم تا چوپانان (همگی، گوسفندان خود را) برمی گردانند (و چاه آب خلوت می شود) (موسی دلش به حال آنان سوخت، و) گوسفندان ایشان را سیراب کرد. سپس (از فرط خستگی) به زیر سایه (درختی) رفت و عرضه داشت: پروردگارا! من نیازمند هر آن چیزی هستم که برایم حواله و روانه فرمائی. یکی از آن دو (دختر) که با نهایت حیاء گام برمی داشت (و پیدا بود که از سخن گفتن با یک جوان بیگانه شرم دارد) به پیش او آمد و گفت: پدرم از تو دعوت می کند تا پاداش این که (لطف فرموده و آب از چاه بیرون کشیده ای و بدان گوسفندان) ما را آب داده ای، به تو بدهد. هنگامی که موسی به پیش پدر او آمد و سرگذشت خود را

برای وی بیان کرد، گفت: نترس که از مردمان ستمگر رهائی یافته ای (و اینجا از قلمرو آنان بیرون است و دسترسی به تو ندارند) یکی از آن دو (دختر) گفت: ای پدر من! او را استخدام کن. چرا که بهترین کسی را که باید استخدام کنی شخصی است که نیرومند و درستکار باشد. یعنی موسی عليه السلام شایسته آن است که او را با دستمزد بکار گیری زیرا او جمع کننده دو خصلت بزرگ یعنی توانایی و امانتداری است و این دو وصف چون در انسانی جمع شوند آن انسان را سزاوارترین مردم به انجام خدمت می گردانند اعم از اینکه آن انسان اجیر باشد یا وکیل، کارمند و مامور باشد یا ناظر و باز رس یا هم شغل دیگری داشته باشد.^۵

﴿إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾ یعنی یکی از دختران شعیب عليه السلام به پدرش عرض کرد: شما برای کارهای خانه به خدمتگزاری نیاز دارید، لذا او را استخدام کنید، زیرا در مستخدم وجود دو صفت ضروری است، یکی توانایی و شایستگی برای کار، دوم امانتداری، و ما با برداشتن او سنگ را از دهن چاه و عقب قراردادن او زن را، در راه، به قدرت و امانت او تجربه حاصل کردیم.^۶

برای استخدام و سپردن مقام دو شرط اهمیت دارد، خداوند متعال بر زبان دختر حضرت شعیب عليه السلام حکمت بزرگی جاری ساخت، امروز برای مقامات دولتی و استخدام، شایستگی کار و تصدیق بررسی میشود، ولی به سوی دیانت و امانت کوچکترین توجهی مبذول نمی گردد و در اثر آن است که به جای پیروزی کامل در کار روایی، عموم دفاتر و مقامات، به خاطر رشوه خواری و اقربا پروری قوانین، بیکار می ماند. کاش مردم از این رهنمائی قدردانی می کردند تا که کل نظام درست می شد.^۷

قرآن مجید در بحث حضرت یوسف عليه السلام میفرماید: ﴿وَقَالَ الْمَلِكُ أَتَأْتِنِي بِهَذِهِ اسْتَنْصَحُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ قَالَ أَجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْهَا﴾



ترجمه: (هنگامی که پاکی یوسف درپیش شاه مسلّم گردید) شاه گفت: او را به نزد من بیاورید تا وی را (از افراد مقرب و) خاصّ خود کنم. وقتی که (یوسف را آوردند و شاه) با او صحبت نمود (بر محبتش افزود و بدو) گفت: از امروز تو در پیش ما بزرگوار و مورد اطمینان و اعتمادی. یوسف گفت: مرا سرپرست اموال و محصولات زمین کن، چرا که من بسیار حافظ و نگهدار (خزائن و مستغلات، و) بس آگاه (از مسائل اقتصادی و کشاورزی) می باشم. حفیظ مفهوم امین و علیم معنای آگاهی را میرساند. (یعنی من با داشتن سواد، نوشتن و حساب دانی و مانند آن از راهکارهای حفظ و نگهداری، نگهدار این خزانه ها و ذخایر هستم و آنرا در غیر مصارف آن صرف نمی کنم و به وجه جمع و تفریق و درآمد و برآمد آنها بخوبی دانایم) ^۸

﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي أَوَّلِهِ وَالْأَخْسِرَ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ ^{البقرة: ۲۴۷}

ترجمه: و پیغمبرشان به آنان گفت: خداوند طالوت را برای زمامداری شما روانه کرده است. بزرگان قوم گفتند: چگونه او بر ما حکومت داشته باشد با این که ما از او برای زمامداری سزاوارتریم و او که مال و دارائی زیادی ندارد؟ گفت: خدا او را بر شما برگزیده است و دانش و (قدرت) جسم او را وسعت بخشیده است و خداوند ملک خود را به هر کس که بخواهد می بخشد. و (احسان و تصرف و قدرت) خداوند فراخ، و آگاه (از لیاقت افراد برای منصبها) است.

﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي أَوَّلِهِ وَالْأَخْسِرَ﴾ خدا او را بر شما برگزیده است و دانش و (قدرت) جسم او را وسعت بخشیده است.

او مردی است که خداوند او را برگزیده است این یکی از نشانه های شایستگی اوست و در دانش و جسم بدو فزونی بخشیده و این هم نشانه لیاقت و استحقاق او است. ^۹

دو شرط اساسی برای مدیریت صحیح و سالم قدرت و امانت است، مراد از قدرت هم قوت جسمانی و هم قوت انجام بر مسئولیت است، چنانچه واژه ها و جملات { قَوِيٌّ أَلَمِينٌ }، { حَفِيزٌ عَلِيمٌ } و { بَسْطَةٌ فِي أَوَّلِهِ وَالْأَخْسِرُ } که در آیه های مبارکه آمده است به تعبیر و تفسیر علما، همین مفهوم را میرساند.

با آنهمه عظمت و جلالتی که امانت دارد، رسول اکرم ﷺ در یکی از احادیث شریفه در مورد وظیفه هم فرموده است [و آنها امانه...] ^{۱۰} و یقیناً آن یک امانت است.

با چشم انداز در جوانب و فراخای امانت، وظیفه و کار که در متن امانت جاداده شده به سنگینی عهده داری و مأموریت دلالت میکند و بتأسی از امر قرآن کریم امانت باید به اهل آن سپرده شود.

امانت تنها این نیست که مال کسی پیش دیگری به طور امانت گذاشته شود بلکه امانت دارای اقسام زیادی است که شغل های دولتی هم در آن داخل اند. ^{۱۱}

وظیفه امانت است باید به اهل آن داده شود و اهل آن کسیست که تقوا و درایت داشته باشد هم پرهیزگار باشد، از خدا بترسد و هم کار را بفهمد. حالا این مسئولیت خطیر و سترگ مربوط به ارباب امور میشود که آیا وظیفه را بادرک و رعایت امانت به اصحاب اهلیت مفوض میدارند یا روابط را بر ضوابط ترجیح میدهند.

اولویت به بهترین ها در گزینش

کمبودی که امروز در حکومت ها مشهود است نتیجه متروک ساختن تعالیم قرآنی است که امانتها و پست ها به افراد مستحق داده نمی شود وظایف و بست های کاری روی پیوندها و ارتباطات گوناگون تقسیم میشود و نا اهلان و عناصر ناقابل به مناصب منصوب گردیده و به دلیل نبود استعداد های لازم، مردم و رعیت سرگردان و نظم و ارائه خدمات همه و همه در معرض سقوط و زوال واقع میشود. هیچ یک از علمای اسلام این اجازه را نداده اند که افراد نا آگاه و بدون دانش به ویژه دانش دینی که اساس حکومت در میان مردم است، ریاست حکومت یا قضاوت را بردوش گیرند، زیرا آنگونه انسانها یا بر اساس کششهای ناروای

نفسانی یا جهالت و نا آگاهی فرمانروایی می کنند که هردوی آنها زمینه ساز ذلت و عقب ماندگی و نابسامانی در این دنیا و خفت و خواری در دنیای دیگر است. ^{۱۲}

حکم اسلام، روح تقوا، تقاضای ایمان، بن مایه خدمت گزاری به مردم و ایجاب تسریع روند ترقی، این است تا کسانی که دیانت، تعهد، پرهیزگاری و تخصص، درایت، مهارت، وجدان و توان دارند در گزینش اولویت داده شوند و بایک کمپاین وسیع تبلیغاتی و فرهنگی بهمگان تفهیم شود که برای احراز بست، مواصفات ویژه در چهارچوب اهلیت اسلامی ضرورت است. مع هذا اگر کدام اهمال نمود و مناصب را به عناصر بی اهلیت مفوض نمود، مردم پاک و کارآموده را به وظایف اساسی لازم ندید، خیانت بزرگی را مرتکب شده و به سطحی سقوط کرده که مستحق لعنت گردیده است. حدیثی از رسول کریم ﷺ آمده و فرموده اند: کسیکه مسئولیتی از طرف مسلمانان به او سپرده میشود و او پستی را به کسی در صله دوستی و تعلق بدون اینکه اهلیت او را دریابد، بدهد، لعنت خدا بر او باد و نه فرض او مقبول و نه نفل او، تا اینکه وارد جهنم میشود. ^{۱۳}

گرچه این صدا بر گنبد برخی ادارات نامأنوس واقع می شود لکن اگر بخواهیم یا نخواهیم، اظهار یا کتمان نمایشی عامل کلیه نابسامانیها و مزاحم سنگین در برابر برنامه های عمرانی و متری دولت و عامل عمده تمدید چتر سیاه فساد اداری،

گزینش های خود محوری و ترک اصول اسلامی است. زیرا مقرری های گروه گرایانه و انتصاب تملق مآبان، برخاسته از دیدگاههای تنگ و اسلوب ناخوان بر عدالت اجتماعی، بازی با سرنوشت ملت و اسباب تنش ها و واکنش های سهمگینی است که پس لرزه های آن بسیار سنگین و غیر قابل جبران خواهد بود.

فراست رسول خدا در انتخاب افراد

رسول خدا در گزینش افراد و



شناخت صلاحیتها و استعدادها از فراست بسیار والایی برخوردار بود وی برای اجرای هرامری به انتخاب افراد شایسته اقدام مینمود. «۱۴»

جلد دوم، کتاب الگوی هدایت نوشته است که محمد شیت خطاب در کتاب سفراء النبی، نامه های پیامبر اکرم ﷺ را گرد آوری و نکات مهمی را راجع به ویژگیهای سفیران آن حضرت تذکر داده و از خلال آن، شرایط و خصوصیات یک دیپلمات مسلمان را استنباط نموده است. که از برجسته ترین این ویژگیها، اسلام و دعوت به آن، فصاحت بیان و شفافیت، حسن اخلاق، علم، صبر و استقامت، شجاعت، حکمت، زرنگی و چاره سازی و ظاهر زیبا جلب توجه میکند. «۱۵»

واقعاً این صفات که ویژه سفیران رسول اکرم ﷺ بوده هریکی از آنها می تواند در امر تبلیغ و گسترش روز افزون دعوت اسلامی و نفوذ سریع در میان مردم دایر بر تحقق اهداف والای اسلامی تأثیر پر رنگ و قابل ملاحظه ای داشته باشد.

دعوت بسوی اسلام که تمرکز تلاش ها بر آن است نقش کلی و چشمگیر دارد، فصاحت بیان، صراحت لهجه و شفافیت مسئله، روی تسریع رسوخ مبادی اسلام و ابلاغ حقایق و رفع ابهام از اندیشه ها، حسن اخلاق بحیث وصف فراگیر، علم و فراست و آگاهی بمنزله سازمان بخش و سامان دهنده سیر و مصیر، صبر و استقامت بحیث سنگر شکست ناپذیر و تقویت گر جهت برداشتن گامهای متین و استوار در طی طریق، شجاعت و جرأت غرض طرد هراس و بیم از خوب و بد گفتن ها و این و آن های مردم زمان، حکمت و بصیرت بخاطر رشد و ارتقا کیفیت و کمیت پروگرام ها، زرنگی به این منظور که کارمند و سفیر وضعیت محل کار و نبض بوم و بر را بدرستی تحلیل و ارزیابی نموده بتواند و به پیشبرد آرمانهای اصیل امت و دریافت مجالات مفید و ارزان و ارزنده تاب طرح و ارائه استراتیژی و توان اجرای امر و تعمیل برنامه ها را داشته باشد.

این نکات برجسته و پرابعاد که فرآیند ها و نتایج بسیار ثمربخش را

داشته میتواند و ما اندکی توانستیم شارح آن شویم، بایسته و شایسته است که در تقرر سرفرا و مسئولین نقطه ترکیز و محور باشد.

اصل کفایت در کار

برویت مطلبی که الگوی هدایت آورده مفهوم می شود که در یکی از جنگ ها بعد از شهادت عبدالله بن رواحه ثابت بن اقرم عجلاتی پرچم را بدست گرفت و از افتیدن آن که معنی شکست لشکر را می داد جلوگیری نمود بعداً به مردم جهت انتخاب امیر، خطاب کرد و همچنان آمده که پرچم را گرفت و نزد خالد آمد لکن خالد قبول نکرد و گفت خودت به این امر سزاوارتری. هر دو روایت بیانگر تفکر وسیع ثابت در آن شرایط حساس نسبت به سرنوشت لشکر اسلام می باشد ایشان پیشنهاد برخی را که گفتند تو امیر ما هستی نپذیرفت چرا که او بر این عقیده بود که در لشکر افرادی مانند خالد بن ولید وجود دارند که از او برای احراز این مقام شایستگی بهتری دارند و نیزمی دانست که اگر امور لشکر به کسانی که شایستگی آن را ندارند سپرده شود بجای اصلاح و بهبود وضعیت، می بایست فساد و خرابکاری را انتظار داشت و هرگاه امور برای رضایت خداوند انجام پذیرد نفس و حب شهرت در آن اثری نخواهد گذاشت. ثابت برای فرماندهی لشکر بی کفایت نبود اما او خالد را برخویشتن ترجیح داد زیرا اگرچه هنوز از مسلمان شدن خالد سه ماه نگذشته بود اما او در وجود خالد شایستگیهای را می دید که در خود سراغ نداشت. «۱۶»

این رأی و روایت به ما درس می دهد که به منظور در صدر قرار دادن اهلیت های عالی، اشخاصی را که به پیشبرد کار شایستگی بیشتر در آنها دیده می شود بالای دیگران چه که حتی بالای خود ترجیح دهیم. امانت حکم می کند که ما برای تصدی کارها با کفایت ترین اشخاص را که قدرت و کفایت اداره و تصدی آن ها را دارند انتخاب نموده و بگماریم. «۱۷»

در هر زمان و مکان و جغرافیایی که مسلمانان ازین اصل اسلامی عدول نمایند و گزینش افراد را برای احراز کرسی ها از منظر دیگری بنگرند و این مسئله را از

زاویه دیگری بررسی نمایند در آن صورت همه ارزشهای بنیادین و ظرفیت های اصیل را از دست داده و در پهلوی اینکه در روند کاری خود ناکام و رو به انحطاط می روند تحت استفسار الهی قرار می گیرند و ازین مدرک به مجازات و عقوبت سختی مواجه می شوند.

مآخذ:

- ۱- تفسیرانوارالقرآن جلد اول صفحه ۶۰۷ ترتیب و ترجمه، عبدالرؤف مخلص چاپ دوم سال ۱۳۸۳ هـ - ش ناشر: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام
- ۲- تفسیر روح المعانی، جلد ۵ صفحه ۸۴ للعلامة ابی الفضل شهاب الدین السید محمود الالوسی البغدادی چاپ اول ۱۴۲۳ هـ ق - ۲۰۰۳ م دارالفکر بیروت - لبنان
- ۳- صحیح البخاری حدیث شماره - ۵۹ کتاب العلم، باب: من سئل علماً و هو مشغول فی حدیثه فاتم الحدیث ثم اجاب السائل وحدیث شماره - ۶۴۹۶ کتاب الرقاق، باب: رفع الامانة
- ۴- سیاست شرعیه صفحه ۳۴ مؤلف شیخ الاسلام تقی الدین ابن تیمیة رحمه الله، مترجم مرحوم شاه محمد رشاد، نوبت چاپ، دوم با تحقیق و تخریج احادیث، ناشر، مرکز تحقیقات علوم اسلامی امام قتیبه بغلانی، سال چاپ، تجدید چاپ زمستان ۱۳۸۷ هـ - ش
- ۵- تفسیرانوارالقرآن، جلد ۴ صفحه ۴۴۲
- ۶- تفسیر معارف القرآن، جلد ۱۰ صفحه ۲۷۹ مؤلف مفتی محمد شفیع عثمانی، مترجم، محمد یوسف حسین پور، چاپ هفتم تابستان ۱۳۹۲ ناشر: شیخ الاسلام احمد جام
- ۷- تفسیر معارف القرآن، جلد ۱۰ صفحه ۲۷۹
- ۸- تفسیرانوارالقرآن، جلد ۳ صفحات ۱۲۶ - ۱۲۷
- ۹- تفسیر فی ظلال القرآن، جلد ۱ صفحه ۴۰۹ تألیف سید قطب، ترجمه دکتر مصطفی خرمدل نشر احسان چاپ سوم ۱۳۸۹
- ۱۰- صحیح المسلم، حدیث شماره - ۱۸۲۵ کتاب الامارة، باب کراهية الامارة بغیر ضرورة
- ۱۱- تفسیر معارف القرآن، جلد ۴ صفحه ۲۸
- ۱۲- دانش ودینداری، صفحه ۳۶ مؤلف دوکتور یوسف قرضاوی، مترجم عبدالعزیز سلیمی، نشر احسان، چاپخانه مهارت، نوبت چاپ سال ۱۳۹۰
- ۱۳- تفسیر معارف القرآن، جلد ۴ صفحه ۲۸
- ۱۴- الگوی هدایت، تحلیل وقایع زندگانی پیامبر اکرم ﷺ جلد دوم، صفحه ۲۵۲ تألیف دکتر علی محمد صلابی، مترجم، هیئت علمی انتشارات حرمین، ناشر: انتشارات احمد، سال چاپ ۱۳۹۲ هـ ش مطبوعه صنعتی احمد کابل
- ۱۵- الگوی هدایت، تحلیل وقایع زندگی پیامبر اکرم ﷺ جلد دوم، صفحه ۵۷۰
- ۱۶- الگوی هدایت، تحلیل وقایع زندگی پیامبر اکرم ﷺ جلد دوم، صفحات ۶۰۸ - ۶۰۹
- ۱۷- تکامل اخلاقی صفحه ۱۵۹ مؤلف محمد رضا رخشانی چاپ، اول ۱۳۹۴ ناشر: مؤسسه انتشاراتی حسینی اصل.



گونه‌هایی از فساد اداری

وراهکارهای مبارزه با آن

قسمت دوم:

استاد زین العابدین کوشان

تسلط و نفوذ شرکتهای تجارتي و توليدي: یکی دیگر از گونه‌های فساد اداری که امروز احاد افراد جامعه ما را متضرر نموده و از آن به شدت رنج می برد، سوء استفاده از مناصب دولتی و امکانات ملی و سیطره و نفوذ شرکت های تجارتي و توليدي در دستگاه های حکومتی می باشد، به شکلی که بعد از قرار گرفتن در مناصب حکومتی و در رأس قدرت، قوانینی را به نفع خود و زیان مردم و کشور وضع نموده، تمام مردم را تحت فشار قرار میدهد. مثلاً برخی از اعضای پارلمان در تباری با وزیر سکتور مربوط و یا شرکاء تجارتي، قوانینی برای کنترل صادرات و واردات وضع می کنند که به نفع شرکای تجاری شان باشد و شاید اصلاً شریک نباشند و با اخذ رشوت دست به چنین کاری بزنند و یا به خاطر مصلحتها و ارتباطات دیگری، به هرگونه ای که باشد این عمل ناروا بوده و کشور و مردم را به تباهی محتوم می کشاند.

گاهی چنین هم شده است که حکومت در نتیجه فشار بعضی از افراد و شرکتهای توليدي به بهانه حمایت از توليدات داخلی، وارد نمودن اجناس معینی را از خارج ممنوع قرار میدهد، در نتیجه ممنوعیت، قیمت جنس وطنی بلند می رود درحالیکه بخاطر نبودن رقابت در بازار، کیفیت آن روز بروز خراب می شود و مردم مجبور اند که

از آن استفاده نمایند. که در اینصورت خساره متوجه مردم بوده و فایده آنرا تعداد انگشت شماری بر میدارد. البته خود کفائی کشور را در هر بخش زندگی، یکی از فرایض خویش میدانیم، ولی اینکه همه افراد جامعه بخاطر یکتعداد اندکی متضرر شوند، هرگز منصفانه نبوده و مورد تأیید نیست یکی از مظاهر سوء استفاده از مناصب حکومتی و کسب اموال حرام این است که فردی بخاطر مقام حکومتی که دارد از امتیازات خاصی برخوردار گردد که منافع مالی را دربر داشته باشد زیرا در عهد خلافت راشد سنت چنین بود که قبل از تقرر فردی به یکی از پستهای حکومتی دارایی های وی حساب می شد و اگر بعد از تقرر در اموال وی ازدیادی رخ میداد که امکان سوء استفاده را نشان میداد، مورد محاسبه شدید قرار می گرفت. از سوابق قانونی وزیر بنای عهد خلافت راشد که می توان قاعده فوق را از آن استنباط کرد مورد ذیل را بعنوان مثال ذکر می کنیم: «زمانی که عمر فاروق رضی الله عنه شتر پسرش را دید که خیلی فربه شده و در بازار بمعرض فروش گذاشته شده است و دانست که به علت چرانیدن همراه با شتران بیت المال فربه شده است بدلیل اینکه شتر امیر است، آنرا در چراگاههای بهتر چرانیده اند. ایشان این کار را سوء استفاده از مقام پدرتلقی کرده و پسرش را امر کرد که شتر را بفروشد و مفاد آنرا به بیت المال مسلمانان تحویل دهد»

(عمر فاروق، ص ۲۲۲ صلابی)

تسلط و نفوذ باند های مافیای تجارتي در کشور:

یکی از موارد فساد اداری در افغانستان این خواهد بود که افراد و اشخاص مقامات بلند رتبه دولتی بیشتر قرار داد ها را در انحصار خود دارند، و بجای پرداختن به اجرای وظایف محوله شان در ادارات، مصروف، تجارت و معامله گریهای سود جویانه با باند های جنایتکار و مافیای ملی و بین المللی می باشند و این چیز است که در مکتب نجات بخش اسلام مشروعیت نداشته و از آن به شدت نهی شده است، طوریکه عمر بن عبد العزیز (رحمة الله علیه) برای تمام والیان خود چنین فرمان صادر نمود: «لازم میدانم که هیچ عاملی و امیری، نباید در ساحة حکومت شان به تجارت بپردازد. زیرا امیر وقتی که در منطقه تحت قدرت خود تجارت می کند، کار های را بخود اختصاص میدهد و مرتکب اموری می شود که در آن بیعدالتی است. اگرچه بسیار بکوشد که چنین نشود» (اسلام دین فطرت، ج ۲ ص ۱۲۲)

حاکم بخشی های غیرقانونی زمین های عامه:

گونه دیگری از فساد گسترده در کشور ما این است که یک تعداد قلیل و انگشت شمار از مردم برملکیت عامه، بدون هیچ مدرکی مسلط می شوند و جالب هم اینکه حاضر به پاسخگویی نیستند.

عیینه ابن حصن و اقرع بن حابس نزد ابوبکر رضی الله عنه آمدند و



گفتند: نزد ما زمین شوره زار است که فعلاً قابل استفاده نمی باشد، اگر آنرا برای ما ببخشید، شاید بتوانیم آنرا آباد نماییم، ابوبکر رضی الله عنه پس از مشورت با اهل مجلس، زمین مورد نظر را به آنها بخشید و برای این منظور نامه نوشت و گفت: این را نزد عمر رضی الله عنه ببرید و او را شاهد بگیرید. آنها نزد عمر رضی الله عنه رفتند، ملاحظه نمودند که شترش را روغن میمالد، گفتند: خلیفه نامه فرستاده است تا به شما قرائت نمایم و شما را بر آن شاهد قرار دهیم، بعد از اینکه نامه را خواندند. عمر رضی الله عنه نامه را از نزد آنها گرفت و آنچه را در آن بود محو نمود. آنها ناراحت شدند و به او بد و بیراه گفتند. عمر رضی الله عنه گفت: رسول خدا اگر برای شما می بخشید، بخاطر تألیف قلب تان بود، چرا که اسلام هنوز ضعیف بود، اما اکنون که خداوند جل جلاله اسلام را همه جا نیرومند و غالب نموده است، نیازی به تألیف قلب شما وجود ندارد. بروید و کار و کوشش کنید. آنها به ابو بکر رضی الله عنه مراجعه نمودند و گفتند ما نمی دانیم که تو خلیفه هستی و یا عمر؟ ابوبکر رضی الله عنه گفت: اگر عمر بخواهد او خلیفه است سپس عمر نزد ابوبکر رضی الله عنه آمد و گفت: زمینی که به اینها بخشیده ای زمین شخص شماسست و یا متعلق به همه مسلمانان؟ ابوبکر رضی الله عنه (رضی الله تعالی عنه) گفت: متعلق به همه مسلمانان است. عمر رضی الله عنه گفت: پس چرا آنرا به این دو نفر بخشیده ای؟ ابوبکر رضی الله عنه گفت: این کار با مشورت مسلمانان حاضر در جلسه صورت گرفته است. عمر رضی الله عنه گفت: مگر آنان نماینده تک تک مسلمانان هستند؟ ابوبکر رضی الله عنه گفت: من به شما گفته بودم که تو از من در امر خلافت قوی تری ولی تو نپذیرفتی و آنرا به گردن من انداختی»

(عمر فاروق، ص ۱۴۷ از صلابی)

از همه فرمایشات که اسلام در رابطه دارد میرساند که هرنوع دستبرد به اموال بیت المال و

اخاذی های نامشروع اموال مردم حرام بوده و مجازات سختی را از منظر دین در قبال دارد. چنانچه رسول معظم اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «لایحل مال امرئ إلا بطیب نفس منه» (نبیل الاوطار، ج ۳ ص ۶۴۹)

"حلال نیست گرفتن مال مسلمان مگر به رضایت و خوشی او"

بدیهی است که هرانسان ضروریاتی دارد که بدون آن زندگی برایش ناممکن خواهد بود. چون طعام، آب، مسکن، لباس و اشیای همانند اینها که در زندگی انسان از اهمیت ویژه برخوردار اند، آماده نمودن اشیای مذکور تا حد کفایت و زندگی آبرو مندانه برای هر انسان ضروری پنداشته می شود و نظام اقتصادی اسلام یگانه نظامی است که در این رابطه توجه خاص و قابل قبول برای انسان و بشریت داشته و برآورده نمودن این ضروریات را در جامعه برای هرفرد امر لازمی دانسته و راهکارها و پلانهای تهیه آن رانساندهی نموده است.

مسئولیت دولت برای ایجاد فرصتهای کاری:

حقیقت این است که هر فرد مکلف به تهیهی ما یتحاج خویش از طریق کسب و کار حلال و مشروع می باشد و باید خود سعی و تلاش نماید تا احتیاجات و ضروریات خود را مرفوع نماید. به همین دلیل است که خداوند جل جلاله مردم را به کارکردن و کسب حلال تشویق و ترغیب می نماید و آنانی که از طریق دستمزد خویش استفاده می نمایند مورد تمجید و تقدیر قرار داده می فرماید:

﴿إِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَبِيرًا الْعَلِيمَ﴾
نفلحون ﴿الجمعة: ۱۰﴾

"و چون نماز پایان گیرد، در زمین پراگنده شوید و از فضل و رزق الله جویا شوید و الله را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید"

مؤلف فی ظلال القرآن در تفسیر آیه فوق می نویسد: «به یاد خدا بودن قطعاً باید در لابلای تلاش در پی معاش باشد. خدا را در نظر داشتن در ضمن کار و کوشش است که کار و کوشش را به عبادت تبدیل می کند. و لیکن با

وجود در نظر داشتن خداوند جل جلاله در امور زندگی و به یاد او بودن در همه حال و در همه آن، لازم است مدتی خالصانه و در بست به یاد خدا بودن، و بطور کامل برای ذکر او گسیختن، و تنها و تنها به عبادتش پرداختن.

عراک پسر مالک رضی الله عنه وقتی که نماز جمعه راد می خواند، می رفت و دم دروازه مسجد می ایستاد و می گفت: «خداوندا! من دعوت ترا پذیرفتم، و نماز واجب ترا خواندم، و همانگونه که به من دستور فرمودی پراگنده و متفرق شدم، پس از فضل و لطف خود به من عطاء فرما، و رزق و روزی خود را نصیب من نما، تو بهترین روزی دهندگانی» این را ابن ابی حاتم روایت کرده است... این تصویر به ما نشان میدهد که کار چگونه سهل و ساده جدی می شد. این فرمان، دستوری است که باید به محض شنیدن، دقیق و بدون کم و کاست آنرا اجراء کرد و حقیقت آنرا نیز تحقق بخشید و بعنوان سرمه به چشم کشید!» (فی ظلال القرآن، ج ۶ ص ۳۲۵)

و در حدیثی آمده است: «سئل النبی صلی الله علیه و آله عن افضل الکسب، فقال: بیع مرور و عمل الرجل بیده» (مسند احمد عن ابی برده بن نیاز)

"پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد بهترین کسب سوال کرده شد، فرمود: بیع مرور (خرید و فروشی که در آن دروغ و قسم وجود نداشته باشد و عمل دست انسان". لذا دولت و حکومت مکلف اند تا زمینه های کار و فعالیت مشروع را برای آنانی که توان و استعداد کار را دارند، مهیا سازد. بر ثروتمندان و افراد با استعداد مملکت نیز واجب است تا به مردمان بی بضاعت شهرها و دهات کشور توجه داشته و ضرورت های شان را تهیه و احتیاجات شان را مرفوع نمایند، در صورت امتناع و خود داری ایشان، اولیای امور حق دارند تا آنها را به این کار مجبور نمایند، زیرا تنها زکات یگانه حق فقراء در اموال سرمایه داران نمی باشد، بلکه حقوق دیگری نیز دارند که باید به آن پرداخته شود، زیرا رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «إن فی أموالکم



حقاً سوى الزكاة» (سنن الترمذی، ج ۱ حدیث ۶۶۰)

"یقیناً در اموال شما حق دیگری غیر از زکات وجود دارد"

و خداوند متعال می فرماید: ﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ...﴾ البقرة: ۱۷۷

"نیکی این نیست که روی خود را بسوی مشرق و مغرب کنید، بلکه نیکی (واقعی و کامل، که شایسته است در همه امور شما ملاک و میزان قرار گیرد، منش و رفتار و حرکات) کسانی است که به الله و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده اند، و مال و ثروت شان را با آنکه دوست دارند به خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و در راه ماندگان و سائلان و (در راه آزادی) بردگان میدهند"

امام قرطبی و امام فخر الرازی در تفسیر این آیه شریفه می نویسند: «آنچه میدهند غیر از زکات بوده و از جمله واجبات است نه از جمله تطوعات نفلی. و امام رازی طعام دادن به بیچارگان را ضمن مثال های این وجیبه ذکر می کند و امام قرطبی می گوید: تمام علماء اتفاق نظر دارند که اگر بالای مسلمانان مشکلی نازل شد که زکات برای رفع آن کافی نبود، صرف اموال از جانب ثروتمندان به اندازه کفایت واجب می باشد. چنانچه امام مالک (رحمة الله علیه) می گوید: آزاد ساختن اسیر مسلمان بالای تمام مسلمانان واجب است اگرچه این کار با مصرف نمودن تمام اموال مسلمانان ممکن و میسر باشد».

(قرطبی، ج ۲ ص ۲۴۱ و تفسیر رازی ج ۵ ص ۲۴)

و در حدیثی از حضرت عبد الله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: «كلکم راع، و كلکم مسؤول عن رعيته، والرجل راع في اهله و مسؤول عن رعيته، والمرأة راعية في بيت زوجها ومسؤولة عن

رعيتها، والخادم راع في مال سيده و مسؤول عن رعيته، وكلکم راع ومسؤول عن رعيته» (نزهة المتقين شرح رياض الصالحين، ج ۱ ص ۵۴۳)

مسؤولیت صاحبان سرمایه در قبال مردم:

واقعیت این است که در صورت کمبود و قلت مواد بیت المال، ثروتمندان و صاحبان سرمایه باید در انفاق بر بیچارگان و ضرورت‌مندان بریکدیگر سبقت نموده و حکومت را با اموال خود همکاری و مساعدت نمایند و این امکان را برای متولیان امور کشور میسر سازند که اسباب و ابزار دفاع از مملکت را تهیه نماید، زیرا خداوند متعال در آیات متعددی انفاق کنندگان را مورد تمجید و ستایش قرار داده و بخل و بخیلان را به شدت نکوهش می کند، که این خود بهترین مشوق هر مسلمان در امر انفاق و سخاوت می باشد. همچنان در سنت نبوی صلی الله علیه و آله احادیث زیادی وجود دارد که بر انفاق و ایثار در راه خداوند صلی الله علیه و آله ترغیب و تشویق مینماید، چنانچه می خوانیم: «عن ابي سعيد الخدري قال: بينما نحن في سفر مع النبي صلی الله علیه و آله إذ جاء رجل على راحلة له قال فاجعل يصره يميناً وشمالاً فقال رسول الله صلی الله علیه و آله من كان معه فضل ظهر فليعد به على من لا ظهر له ومن كان له فضل من زاد فليعد به على من لا زاد له قال فذكر من أصناف المال ما ذكر حتى رأينا أنه لا حق لأحد منا في فضل» (صحيح مسلم بشرح النووي، ج ۱۲ ص ۳۳)

"از ابو سعید الخدری رضی الله عنه روایت است که گفت: در حالیکه ما در سفری با رسول الله صلی الله علیه و آله روان بودیم، ناگهان مردی که سوار بر شتر بود سر رسید و بطرف راست و چپ می نگریست (ضرورت به چیزی داشت و میخواست که رسول الله صلی الله علیه و آله متوجه حالش گردد) رسول الله صلی الله علیه و آله با دیدن او گفت: کسی که سواری اضافی دارد، به برادر خود بدهد و کسی که توشه و خوراکه اضافی دارد باید به برادر خود بدهد. راوی گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله انواع مختلف اشیاء را نام گرفت، تا آنکه گمان کردیم که در آنچه اضافه از ضرورت

نزد ما است، هیچ حقی نداریم" پس برای هر مسلمان متعهد و هدفمند، آنانی که اهداف کلان و بزرگ انسانی و اسلامی را دنبال می کنند و در پی سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت اند، باید بکوشند تا در مطابقت به ارشادات دین نجات بخش اسلام زندگی خود و خانواده خویش را عیار نمایند و چیزی را که بخود می پسندند به هموعان مسلمان و هموطن خویش نیز بپسندند و از مقامات محترم بلند پایه دولتی طالب آنیم تا روش خلیفه دوم اسلام را به نام قانون از کجا کردی؟ سرمشق خویش قرار داده برای ثبت دارایی قوانین وضع و به مرحله اجراء بیاورند، زیرا برخی از مسئولین دولت و کارمندان حکومتی بعد از اشغال وظایف شان بسیار غنی و سرمایه دار شده اند و برای اثبات آن نمی توانند منبع مشروعی نشان دهی نمایند، بنا برین روش خلیفه دوم اسلام منبع و مصدر خوبی برای این قوانین شده می تواند.

فهرست منابع:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- تفسیر نمونه.
- ۳- نیل الاوطار للشوکانی.
- ۴- صحیح البخاری.
- ۵- صحیح مسلم بشرح النووي.
- ۶- سنن ابو داؤد.
- ۷- جامع الترمذی.
- ۸- شرح نود و نه قاعدة فقهی مذهب حنفی، مصطفی زرقاء.
- ۹- سیرت عمر فاروق، محمد علی صلابی.
- ۱۰- اسلام دین فطرت، سعید حوی.
- ۱۱- تفسیر فی ظلال القرآن.
- ۱۲- مسند احمد بن حنبل.
- ۱۳- تفسیر قرطبی.
- ۱۴- تفسیر کبیر، فخر الدین رازی.
- ۱۵- نزهة المتقين شرح رياض الصالحين.



حقوق و جایگاه کودک

در حوزه تفکر دینی و کنوانسیون بین المللی

(مصوب سال ۱۳۸۹)

سیدمسلم شاه اسدی

قسمت دوم و آخر: به مناسبت گرامیداشت از روز بین المللی کودک

پیمان نامه حقوق کودک

این کنوانسیون در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ (سی روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق) لازم الاجرا شده است. تاکنون ۱۹۳ کشور این سند را امضا کرده اند و در ۱۴۰ کشور اجرا می شود. و به این ترتیب مقبول ترین سند حقوق بشر در تاریخ می باشد.

کودک بر اساس ماده یک این پیمان به هر انسان کمتر از ۱۸ سال گفته می شود. مگر آن که قانون قابل اعمال در مورد کودک سن قانونی کمتری را تعیین کرده باشد.

این کنوانسیون شامل ۵۴ ماده و دو پروتوکول اختیاری بوده که چهار اصول پایه ای آنرا جهت می دهد:

✓ هیچ کودکی نباید از تبعیض رنج ببرد.

✓ زمانی که در رابطه با کودکان تصمیم گیری می شود، باید منافع عالیه آنان در راس

قرار گیرد.

✓ کودکان حق حیات داشته و باید رشد کنند.

✓ کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و این نظرات در تمامی اموری که به آنها مربوط می شود، باید مورد توجه قرار گیرد.

کمیته حقوق کودک ملل متحد

کمیته حقوق کودک ملل متحد نهادی برای بررسی پیشرفت کشورهای عضو در دستیابی به تحقق تعهدات ناشی از پیمان است که به موجب ماده ۴۳ کنوانسیون تأسیس شده و از ده کارشناس تشکیل می شود که از اتباع کشورهای عضو با توجه به پراکندگی جغرافیایی و نظام های حقوقی اصلی انتخاب می شوند. وظیفه اصلی این کمیته بررسی گزارش های رسیده از کشورهای عضو کنوانسیون، ارائه پیشنهادهای یا توصیه های کلی بر اساس بررسی گزارش ها درخواست مشاوره و مساعدت فنی از صندوق کودکان ملل متحد، سازمان های تخصصی ملل متحد و دیگر نهادهای دارای صلاحیت است. گزارش کشورهای عضو به کمیته باید

تا دو سال پس از تصویب یا الحاق و پس از آن هر پنج سال یک بار صورت پذیرد. کمیته نیز باید گزارش فعالیت های خود را هر دو سال یک بار به مجمع عمومی تسلیم کند. جالب اینکه این حمایت ها از حقوق کودکان، زمانی مطرح شده که قبل از آن هیچ نهاد، سازمان یا کنوانسیون بین المللی برای دفاع از حقوق کودکان وجود نداشته است. اما اسلام با در نظر گرفتن همه نیازهای اولیه جسمی، روحی و روانی کودکان و دفاع از آن، زمینه را برای رشد و پیشرفت آنان در همه ادوار و همه جنبه ها فراهم آورده است.

۱- برخی از حقوق کودکان

انتخاب نام نیکو بنابر بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک: «تولد کودک، بلافاصله پس از تولد باید ثبت شود و از حقوقی مانند داشتن نام، کسب تابعیت و در صورت امکان، شناسایی والدین بهره مند باشد.» در حالیکه ۱۴۰۰ سال قبل اسلام یکی از نخستین وظایفی که بر عهده والدین، پس از تولد نوزاد نهاده شد، انتخاب



نام نیکو و مناسب برای کودک است. در منابع دینی است که:

نخستین امری که پدر از آن راه به فرزندش احسان و نیکی می کند، انتخاب نام نیکوست. و تاکید شده است هر یک از شما برای فرزند خود نام نیکو قرار دهید. (بحارالانوار ج ۲)

همچنین رسول گرامی اسلام ﷺ می فرماید: «حق فرزند بر والدین، آن است که نام او را نیکو انتخاب کند.» در واقع، انتخاب نام نیکو برای فرزند، در اسلام نوعی احسان و نیکی خوانده می شود که والدین به او روا می دارند، زیرا هم بخشی از نیازهای روحی و روانی کودک برآورده می شود و به او شخصیت و اعتبار می بخشد و هم او را از توهین و استهزای دیگران در حق وی دور می کند. از نگاه اسلام، نام زیبا و نیک حتی می تواند، برای کودک امنیت و آسایش روانی پدید آورد. چنان که در روایت است: وقتی امام صادق شنید کسی نام فرزندش را (محمد) گذاشته است، به احترام این اسم شریف و گرامی فرمود: «به کودک خود دشنام مده، او را اذیت نکن!» پس با انتخاب نام نیک برای فرزندان، گامی به سوی شکل دهی شخصیت متعالی در کودک برداریم.

۲- تأمین خوراک و تغذیه مناسب برای کودک

بهره مندی از تغذیه و خوراک مناسب، از حقوق مسلم کودک و برطرف کننده نیاز جسمی اوست. براساس بند «ج» ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک، کشورهای طرف کنوانسیون متعهد شده اند: «مبارزه با بیماری ها و سوء تغذیه را از راه فراهم کردن مواد غذایی مقوی و آب آشامیدنی سالم دنبال کنند.» در اسلام، بنا به فرموده رسول گرامی

اسلام ﷺ: «هیچ کاری بهتر از سیر کردن شکم گرسنه نیست» و اگر این شکم گرسنه از آن فرزندان و کودکان او باشد، از وظایف و حقوق اوست، چنان که رسول خدا می فرماید: «از حقوق فرزند بر پدر، آن است که جز غذای پاک و خوب به او ندهد».

البته اگر والدین توانایی تأمین مواد غذایی مناسب را نداشته باشند، این وظیفه دینی افراد جامعه است که نیازهای غذایی آنان را تأمین کنند، چنان که رسول خدا می فرماید:

«هر کس سیر بخوابد و همسایه او در کنارش گرسنه باشد و او بداند، به من ایمان ندارد».

جسم سالم بر سلامت روح تأثیرگذار است و تغذیه مناسب بر سلامت جسم. بنابراین، رسیدگی به وضع تغذیه کودکان، به شکل غیرمستقیم، سامان دادن به روح و روان او نیز به شمار می رود.

۳. حق تحصیل

در اسلام، فراگیری دانش یک فریضه است، به گونه ای که سفارش شده است: (اطلبوا العلم من المهد الی اللحد) «از گهواره تا گور دانش بجویند» قرآن کریم صراحتاً می فرماید: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (الزمر: ۹)

بگو آیا برابر اند آنانی که میدانند و کسانی که نمی دانند؟ در حدیث شریف تصریح شده است (طلب العلم فریضة علی کل مسلم) آموختن علم برای هر مرد و زن مسلمان فرض است. و آموختن دانش (خواندن و نوشتن) را از جمله حقوق فرزندان بر والدین می داند و می فرماید: «از جمله حقوق فرزند بر پدر، آموختن نوشتن است».

در واقع، پدر و مادر زمانی فرزند خود را احترام می کنند که به او سواد خواندن و نوشتن و آداب معاشرت بیاموزند و از

آنجا که شخصیت کودک در مراحل نخستین زندگی، در خانواده شکل می گیرد، آموختن دانش (خواندن و نوشتن) به کودکان، بر عهده والدین نهاده شده است تا در ابتدای زندگی، به وسیله آن بر مشکلات آینده چیره شوند و این، کوچک ترین وظیفه ای است که از والدین انتظار می رود تا در حق فرزند و پاره تن خود روا دارند. امروزه در جهان توسعه یافته، مراحل نخستین سوادآموزی، امری اجباری است و در این راه، گام های مؤثری نیز برداشته شده است و در کنوانسیون حقوق کودک، بر اساس بند ماده ۲۸، کشورهای طرف کنوانسیون متعهد شده اند: «حق کودک را در قبال آموزش و پرورش به رسمیت بشناسند و برای دست یابی تدریجی به این حق و بر اساس ایجاد فرصت های برابر اقدام هایی مانند: اجباری و رایگان کردن تحصیلات ابتدایی برای همگان، تشویق شکل های گوناگون آموزشی متوسطه و در دست رس قرار دادن آموزش عالی برای همگان براساس توانایی ها و به شیوه مناسب را معمول می دارد.

پروتوکول های اختیاری

در ۲۵ می ۲۰۰۰ الحاق دو پروتکل اختیاری به کنوانسیون مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت. یکی «پروتوکول الحاقی درباره خرید و فروش کودکان، خودفروشی کودکان و هرزه نگاری کودکان» که این اقدامات را در کشورهای عضو ممنوع می سازد.

و دیگری «پروتوکول الحاقی درباره بکارگیری کودکان در



مناقشات مسلحانه» که خدمت سربازی اجباری افراد زیر ۱۸ سال را ممنوع می کند و اعضا تعهد می کنند از هراقدام ممکن برای جلوگیری از ورود کودکان به گروه های مسلح استفاده کنند. موضوعاتی که تا اینجا به آن اشاره شد تبیین گردید که کودکان آسیب پذیرترین گروه جامعه انسانی، نخستین کسانی هستند که در معرض هجوم مستقیم انواع ناگواری ها، فشارها و مشکلات ناشی از زندگی بزرگ ترها قرار می گیرند و آن را تحمل می کنند. امروزه میلیون ها کودک در سراسر جهان به خاطر بی سرپرستی، آواره گی های ناشی از جنگ و بلاهای طبیعی، تغذیه نامناسب، آلودگی به انواع بیماری های خطرناک، اعتیاد والدین و مشکلات ناشی از طلاق، یا در شرایط دشواری به سر می برند یا در پنگال افراد پلید به انواع سوءاستفاده های انسانی مانند توزیع مواد مخدر، خودفروشی و کار اجباری تن می دهند و به تعبیری واضح تر، حقوق آنها نقض می شود.

البته چگونگی نقض حقوق کودکان، در نقاط مختلف جهان متفاوت است. در کشورهای در حال توسعه، کودکان بیشتر با فقر و پی آمدهای ناشی از آن مانند سوءتغذیه، کمبود امکانات صحی، درمانی و تحصیلی درگیر اند. در حالی که در کشورهای توسعه یافته، مشکلات اخلاقی و ضعف بنیاد معنوی و خانواده گریبان گیر کودکان است.

خوشبختانه در کشورهای اسلامی، به سبب وجود استحکام در بنیاد خانواده و گرایش های دینی و اعتقادی و آشنایی بیشتر با احکام اسلامی، وضعیت حقوقی کودکان جایگاه

نسبی مناسب تری دارد. بنابراین، بهتر است دیدگاه دین اسلام درباره حقوق کودک را بررسی کنیم و دساتیرمتین آن را در این زمینه در نظر بگیریم و البته هیچ مکتب و آیینی به اندازه دین مقدس اسلام، به حقوق کودکان توجه نکرده و سفارش های لازم را نداده است.

اسلام، بیش از مکتب های دیگر، برای کودکان این گروه آسیب پذیر جامعه حقوق قائل شده است، زیرا با رعایت این حقوق، آینده کشور با وجود انسان های شایسته، تضمین خواهد شد.

والدین، مسؤول اصلی رعایت حقوق کودک
در کنوانسیون حقوق کودک، بیشترین مسئولیت در رعایت حقوق کودک بر دوش والدین نهاده شده است، چنان که در ماده ۱۸ کشورهای طرف کنوانسیون متعهد شده اند: «بیشترین تلاش خود را برای تضمین به رسمیت شناختن این اصل که پدر و مادر کودک، مسئولیت مشترکی در زمینه رشد و پیشرفت کودک دارند، به عمل آورند. والدین یا قیم قانونی، مسئولیت عمده را در رشد و پیشرفت کودک به عهده دارند و اساسی ترین مسئله آنان، (حفظ) منافع عالیه کودک است». در آموزه های آسمانی اسلام مزید بر رسالت اسلامی و اجتماع انسانی و ماحول کودک در زمینه های مختلف بیشترین مسئولیت در قبال کودک، بر دوش والدین است که به آن «حق الوکد علی الوالد» می گویند؛ زیرا کودک، برکت خانه و نعمت و حسنه ای است که خداوند به پدر و مادر ارزانی کرده است. از این رو، قدر و جایگاه آن را باید بدانیم و به وظایف خود در برخورد با این نعمت الهی عمل کنیم در غیر این صورت، عاق فرزندان خواهیم بود. از دیدگاه این مکتب سزاوارترین افراد

به رعایت حقوق کودک، پدر و مادر هستند؛ زیرا آنها دل سوزترین افراد در حق می باشند.

علاوئاً در آموزه های آسمانی اسلام، همه کودکان از دختر و پسر، حقوق و مزایای معینی دارند و وکلید افراد اجتماع از اعمال هرگونه خشونت و بی رحمی در حق آنان باز داشته شده اند. این در حالی است که پیش از اسلام، میان اعراب و دیگر اقوام، کودکان در وضع نامناسبی قرار داشتند و از کمترین حقوق عادی نیز بهره مند نبودند. آنان با هر بهانه کوچکی از جمله رهایی از فقر و هزینه زندگی، ضایع می شدند. در این میان، شرایط دختران بسیار دردناک تر بود. بزرگان عرب و افراد سرشناس، داشتن دختر را برای خود ننگ و عار می دانستند. آنها را زنده به گور می کردند، چنان که خداوند در قرآن کریم می فرماید:

و هرگاه یکی از آنان را به دختر مژده دهند، چهره اش سیاه می شود، در حالی که خشم او اندوه خود را فرو می خورد و از آنچه به او بشارت داده شده، از قبيله [خود] روی می پوشانند که آیا او را با خواری نگاه دارد، یا در خاک پنهانش کند؟ و چه بد داوری می کنند. (نحل: ۵۸ و ۵۹)

اسلام با آمدن خود، در قالب تعبیرهای زیبا در این باره، نه تنها مردم را از آن عادت های زشت باز داشت، ارزش کودکان را در جامعه افزایش داد و از پدران و مادران خواست که به بهانه های واهی فرزندان خود را نکشند و با آنها دل سوز باشند، آنچنانکه در قرآن کریم به آن اشاره شده است:

۴. حق تفریح و بازی

یک ضرب المثل انگلیسی می گوید:



«اگر کودکی را همیشه به کار و داری و از بازی و ورزش محروم کنی، عاقبت احمق می شود».

اگرچه این مثل اغراق آمیز به نظر می رسد، واقعیت این است که حرکت و جنبش، اساس هر عمل غریزی و پایه وظایف زندگی است. به خصوص در دوران خردسالی و کودکی که زیربنای بنیه جسمی انسان را پی ریزی می کند. از این رو، امام صادق می فرماید: «مزیّد بر آموزش مقدماتی و ساده احکام باید هفت سال نخست زندگی کودک، آزادانه به بازی و جنبش بدنی مصروف شود».

در واقع، در مراحل نخستین زندگی، نباید از کودکان انتظار داشت که دنیای سرشار از شادی و نشاط خود را با دنیای بزرگ ترها جا به جا کنند، بلکه باید آنها را در بازی و تفریح آزاد گذاشت تا به تندرستی و سلامتی آنها آسیب وارد نشود. حتی بنا به سفارش رسول گرامی اسلام ﷺ باید در بازی های کودکانه نیز آنها را یاری داد، چنان که می فرماید: «کسی که کودکی نزد اوست، باید رفتار کودکانه را در پیش گیرد». الکافی

اسلام، حتی آموزش بازی ها و ورزش هایی مانند سوارکاری، شنا و تیراندازی به فرزندان را از وظایف والدین می داند. در این زمینه، از دساتیر اسلام است که: «حق فرزند بر پدر آن است که نوشتن، شنا کردن و تیراندازی را به او بیاموزد آموزش و تعلیم مقدم به همه چیز قرار گرفته است».

در بند ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق کودک نیز آمده است: «کشورهای طرف کنوانسیون، حق کودک را

برای تفریح، آرامش، بازی، فعالیت های خلاق مناسب سن خود و شرکت آزادانه در حیات فرهنگی و هنری به رسمیت می شناسند».

زیرا میان بازی و تفریح به اندازه سن و سال کودک و بهداشت روانی او، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد.

پرهیز از اعمال خشونت جسمی و روحی به کودک

خشونت جسمی و روحی، یکی از عوامل تخریب شخصیت کودکان است. به همین سبب، بنا بر بند ۱ ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک، کشورهای طرف کمیسیون متعهد شده اند: «اقدام های قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر همه شکل های خشونت جسمی و روحی، آسیب رسانی و سوءاستفاده به عمل آورند».

زمانی که مردی در حضور امام علی از فرزند خود شکایت کرد، فرمود: «او را زن، بلکه از او دوری کن (قهر کن)، ولی نه طولانی».

در واقع، این بیان می رساند که اگر تنبیه برای تربیت کودک انجام می گیرد، بهتر آن است که این تنبیه، تنبیه بدنی نباشد، بلکه از عواطف کودک استفاده شود، زیرا تنبیه بدنی، زمینه ساز مشکلات روحی و عاطفی فراوانی همچون انزوای فردی و تخریب شخصیت کودکان می شود، ولی وقتی از کودک تحت شرایطی دوری شود، او خود، کم کم به اشتباه خود پی می برد. البته این دوری نباید طولانی شود؛ زیرا ممکن است از یک سو روی عواطف کودک اثر عمیق بگذارد و زمینه ساز مشکلات روحی او شود و از سوی دیگر، بر اثر طولانی بودن، از تأثیر این ابزار تربیتی کاسته شود. بنابراین، آنحضرت پس از دستور دادن به دوری، بی درنگ سفارش می کند که این فاصله گرفتن والدین، طولانی نشود.

رسول خدا می فرماید: «خداوند به هیچ چیز خشم نمی گیرد، آن چنان که به خاطر زنان و کودکان خشم می گیرد». بحار الانوار ج ۲

خشونت نسبت به کودک با عزتمندی او ناسازگار است، به همین دلیل، در اسلام - تا حد ممکن و جز از سر ناچاری، از تنبیه جسمانی کودک پرهیز داده شده است.

احترام به مقام کودک

کودکان مانند هر انسان دیگری دوست دارند، محبوب واقع شوند و به شخصیت آنها احترام گذارده شود. از این رو، رسول خدا صلی الله علیه و آله سفارش می کند: «دوست بدارید کودکان خود را و به آنها ترحم و به وعده خود به آنان وفا کنید». همچنین می فرمایند: «وقتی نام فرزندان را می برید، او را گرمی دارید و جای نشستن را برای وی باز کنید و با او ترش رو نباشید». باز می فرماید: «اگر کسی فرزند خود را ببوسد، حسنه ای برای او نوشته می شود».

در واقع، همه این موارد، از نشانه های احترام گذاری درست و کامل به کودکان است که والدین می توانند، با رعایت کردن آن، به مقام کودک خود ارزش قائل شوند و نیازهای روانی او را برآورده کنند. در این بیان

شریف و آموزه تأمین تمام آنچه جلسات و کنوانسیون ها بشری طی نمایند، گنجاینده شده است و کلیه مراحل رشد و کمال کودک شخصیت و حیات او لحاظ گردیده است که شخص مسلمان و در کل جامعه دینی مکلف به اعمال آن شده اند.



دعاء و نقش آن در زندگی

استاد غلام الدین کلاتتری

مقدمه

دعاء و نیایش همزاد با زندگی انسان آغاز و استمرار یافته است، دعاء در سراسر تاریخ بشری وسیله نیرومندی برای رهایی از سختی‌ها، درماندگی‌ها، گرفتاری‌ها، زبونی‌ها و ناتوانی‌ها، نیل به آرزوهای بلند و درمان همه نداشته‌های مادی و روانی انسان بوده است. دعاء یقیناً نوع نگاه انسان را نسبت به قضایا جهت تازه می‌بخشد، چشمه-سار زلال امید و رستن را در دل و روانش به فوران می‌آورد و خواست‌ها و مطالبات انسان ناتوانی را با آفریدگار هستی پیوند می‌دهد و آنگاه در انتظار ملتهب پاسخ، لحظه شماری می‌کند.

دعاء و نیایش هیچگاه جایگزین کار، تلاش و فعالیت نمی‌شود، طوری که شخصی دامن تلاش را رها نماید، از حرکت و تکاپو باز ایستد، در گوشه‌ای ساکن شود و با یارب یارب به دامن دعاء چنگ زند و در انتظار تحقق آرزوهای بلند و شیرین خویش دل خوش نماید.

مسلمان مامور است که حرکت، تلاش و فعالیت‌هایش را برای نیل به مقصود تا بالاترین سطح ممکن انجام دهد، همه وسایل ممکن را به کار گمارد و همه مهارت‌های لازم را به کمک

گیرد، اگر تیر همه این تلاش‌ها به هدف اصابت نکرد و تلاش‌های انجام‌شده به بن‌بست رسید؛ آنگاه به سراغ دعاء و نیایش می‌رود. به قدرت مطلق پناه می‌برد و از آفریدگار هستی کمک و نصرت می‌طلبد. یعنی بعد از نارسایی‌ها و بن‌بست‌ها، نوبت دعاء فرامی‌رسد. فراموش نشود که دعاء هرگز جانشین سعی، تلاش، کوشش و حرکت نمی‌گردد. باتوجه به سیرت پیامبر ﷺ آشکار می‌شود که آنها از مدینه منوره برای مبارزه با مشرکین به سوی منطقه بدر-شتافتند، همه وسایل و سازوبرگ جنگ را آماده ساختند، آنگاه دستان مبارکش را به سوی آسمان بلند می‌کند، به دعاء و نیایش می‌پردازد از خدای قادر پیروزی و نصرت مسئلت می‌نماید.

بنابراین؛ دعاء عبادت بوده، بلکه اصل عبادت است. باید چیستی دعاء، هنگام، چگونگی و مرزهای نازک دعاء و تلاش و حرکت را بشناسیم. شروط دعا، موانع، آداب، قلمرو دعاء و گستره انتظارات مان از نتایج و آثار دعاء را در پرتو رهنمودهای نصوص دینی مدنظر قرار دهیم، تا اگر اجابت در نتیجه‌ی سوی نگاه و کاستی شناخت‌مان از دعاء، از راه نرسید، نوعی احساس پوچی، تنفر و ناامیدی نسبت به دعا و نیایش، بر اندیشه، روان و دیدگاه ما مستولی

نگردد.

باید این امر آفریدگار هستی: ادعونی استجب لکم... بر تارک لوح زندگی-مان نقش بندد تا نقشه راه حیات و رهنمود تلاش، حرکت و تکاپو در همه ابعاد و تا آخرین لحظات زندگی انسانی قرار گیرد.

بحث زیر به مسایل یادشده و امثال آنها پاسخ ارایه می‌نماید.

تعریف دعاء

دعاء در لغت: کلمه دعاء مصدر بوده مانند: دعوت الشيء أدعوه دعاء، و از واژه (د ع و) گرفته شده که به معنای ابتهال و زاری به سوی خدای متعال با سوال و طلب است. یا کلام انشائی دال بر طلب، همراه با خضوع می‌باشد «۱». اگر دعاء برای خدای متعال باشد، با استکانت و خضوع همراه است. و اگر برای غیر خدا باشد، جایز است که با خضوع همراه باشد یا با خضوع همراه نباشد. این نوع دعا در حالت اولی با «الی» و در حالت دومی با حرف «با» متعدی می‌گردد «۲».

حقیقت دعاء به معنای «ندا» است و ندا برای طلب یک امر مهم نیز اطلاق می‌گردد، مجازاً در عبادت استعمال می‌شود به جهت این‌که دعا و طلب به قول یا زبان حال را شامل می‌شود،



همان گونه که در رکوع و سجود همراه با مقارنه آن با اقوال است. و اینگونه بیشترین اطلاق دعاء در قرآن کریم است»^۳.

معنای دعاء برای خدای متعال بر سه طریق آمده است: یک نوع آن توحید خدای یکتا و ستایش اوست؛ مانند: رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، يَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، با این جمله؛ دعا، ستایش و توحید یکجا گفته شده است. نوع دوم آن، سوال و طلب کردن عفو، رحمت و تقرب خدای متعال است، مانند: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا، که در این دعا مغفرت و آمرزش خدای سبحان مسئلت شده است. و نوع سوم آن، سوال و طلب کردن نصیب و بهره‌ای از دنیا است، مانند: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مَالًا وَوَلَدًا، که با این دعا رزق، مال و اولاد طلب و سوال شده است. و همه این حالات دعاء نامیده شده اند^۴.

دعاء در لغت به معانی زیر آمده است:

۱- عبادت: دعاء در این آیه کریمه به معنای عبادت آمده است:

﴿وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنْ الظَّالِمِينَ﴾^۵ بونس: ۱۰۶ «۵»

۲- استغاثه: در اینجا واژه دعاء به معنای استغاثه یا استمداد و فریادخواهی آمده است: ﴿وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^۶ البقرة: ۲۳ «۶»

۳- توحید: کلمه دعاء در این آیه به معنای توحید و یگانگی وارد شده است: ﴿وَأَنْتَ، لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا﴾^۷ الجن: ۱۹ «۷»

۴- ندا: کلمه دعاء در این آیه مبارکه به معنای نداء آمده است:

﴿فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ﴾^۸ القمر: ۱۰ «۸»

۵- قول: واژه دعاء در اینجا به معنای قول و سخن آمده است: ﴿دَعْوَتُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ﴾^۹ بونس: ۱۰ «۹»

۶- سوال و طلب: در این آیه کریمه واژه دعاء به معنای سوال و طلب و درخواست وارد شده است:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ﴾

أَجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾^{۱۰} البقرة: ۱۸۶ «۱۰»

۷- ثناء: در اینجا کلمه دعاء معنای ثناء و ستایش را افاده می کند:

﴿قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾^{۱۱} الإسراء: ۱۱۰ «۱۱»

تعریف دعاء در اصطلاح: علما از کلمه دعاء تعریف های متعددی ارائه داده اند که در اینجا یکی دو تعریف ذکر می گردد:

دعاء: عبارت از طلب چیزی است که برای دعاکننده سود و منفعتی داشته باشد، یا طلب از بین رفتن یا دفع شدن آنچه برایش زیان می رساند^{۱۲}.

دعاء: عبارت از روی آوردن به خداوند متعال و درخواست از او با حالت خضوع و کرنش است^{۱۳}.

دعاء: عبارت از عجز و زاری برای خدای متعال با سوال و رغبت به خیری که در نزد اوست و تضرع برای او در تحقق مطلوب و نجات از امور ترسنده است.

انواع دعاء

دعاء دو نوع است؛ و آن دعای مسألت و دعای عبادت است، هر دعایی که در قرآن و سنت وارد شده است، هر دو نوع دعا را احتوا می نماید.

دعای مسألت: عبارت از دعایی است که در آن دعاکننده چیزی را طلب می کند که برایش سود داشته باشد و یا زیانش را دور سازد.

دعای عبادت: این دعا شامل تمامی قربات ظاهری و باطنی است، چون عبادت کننده خدای متعال، طلب کننده و دعاکننده به زبان گفتار و زبان حال خویش است که خدای متعال عبادتش را بپذیرد و برایش پاداش عطا فرماید.

و هر دونوع دعای مذکور با یکدیگر تلازم دارند. زیرا خدای متعال برای جلب منفعت و دفع ضرر دعای مسألت می شود و از روی خوف و رجاء دعای عبادت. لذا هر دعای عبادت مستلزم دعای مسألت بوده و هر دعای مسألت مستلزم دعای عبادت است.

آیه زیر مشتمل بر هردو نوع دعای عبادت و دعای مسألت است، چون در قرآن کریم باری یک نوع آن مراد بوده و باری نوع دیگر آن و باری هردونوع آن مراد است.

﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾^{۱۴} الأعراف: ۵۵ - ۵۶ «۱۴»

بنابر این؛ هر دعای مسألت در عین زمان دعای عبادت نیز هست. چون دعاکننده در هر دعای خویش با خضوع و خشوع، همه نیازهای خویش را از خدای واحد و یکتا عاجزانه می طلبد که عبادت و مسألت را احتوا می نماید.

مآخذ:

- ۱- کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم (۱/ ۷۸۵)
- ۲- معجم الفروق اللغویة (ص: ۴۹۴)
- ۳- التحریر والتنبیر (۸/ ۱۷۱)
- ۴- لسان العرب (۱۴/ ۲۵۷)
- ۵- و جز خدا، چیزی را که نه سودی به تو می رساند و نه زبانی، بخوان! که اگر چنین کنی، از ستمکاران خواهی بود.
- ۶- و گواهان خود را - غیر خدا - برای این کار، فرا خوانید اگر راست می گوئید.
- ۷- و اینکه هنگامی که بنده خدا [= محمد] به عبادت برمی خاست و او را می خواند، گروهی پیرامون او بشدت از حدام می کردند»
- ۸- سپس پروردگارش را به دعا خواند که من درمانده ام [یاری کن و] انتقام [مرا] بگیر.
- ۹- گفتار (و دعای) آنها در بهشت این است که: «خداوند، منزه تو!» و تحت آنها در آنجا: سلام است.
- ۱۰- و هنگامی که بندگان من، از تو در باره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم.
- ۱- بگو: «اللَّهُ» را بخوانید یا «رحمان» را، هر کدام را بخوانید، (ذات پاکش یکی است؛ و) برای او بهترین نامه است»
- ۱۲- بدائع القوائد (۳/ ۵۱۳)
- ۱۳- پرتال جامع علوم انسانی، مجله راه تربیت، ص ۴۶.
- ۱۴- پروردگار خود را (آشکارا) از روی تضرع، و در پنهانی، بخوانید! (و از تجاوز، دست بردارید که) او متجاوزان را دوست نمی دارد، و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکند، و او را با بیم و امید بخوانید! (بیم از مسؤولیتها، و امید به رحمتش. و نیکی کنید) زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.



بررسی اکولوژی محیط زیست و سرفه خصوصیات آن

نسرین پیرزاده

جنگلات، علفچر و سایر منابع طبیعی است. که هر یک بنوبه خود سبب آلوده گی بیشتر صوتی، آلوده گی آب، آلوده گی خاک، آلوده گی هوا از طریق تولید بیشتر دود، زباله، فاضلاب و کثافات دیگر میگردد و نتیجه ی نهایی این همه آلودگی ها پیدایش انواع بیماریها، پدیده ی فقر، گرسنگی و بیکاری و بلاخره وابستگی کشور به کمک و امداد سایر ممالک خواهد بود. چیزی که بدبختانه امروز کشور زراعتی افغانستان به آن دست به گریبان شده است.

هنگامی که بشر به دلایل مختلف از شهرسازی، یکی از منابع طبیعی را از بین ببرد در زنجیره ی غذای و چرخه ی بیولوژیکی حیات، یک خلا و سکتگی ایجاد می نماید. که همین خلا و سکتگی اگر به زودترین فرصت جبران نشود. تخریب و نابودی منابع طبیعی و به تعقیب آن تخریب و آلوده گی محیط زیست را به دنبال خواهد داشت.

بعنوان نمونه اگر در یک نقطه از کشور (در یکی از اکوسیستم ها) به قصد تجارت یا به لحاظ امنیتی و یا تفریح و شکار یکی از انواع حیوانات مثلاً روباه را طور وسیع و گسترده شکار نمایند. تبعاً بعد از مدتی نسل آن منقرض میشود. همین روباه در زنجیره ی غذایی بیولوژیکی و چرخه ی حیاتی اکولوژیکی جزو گروه شکارچیان بوده و در رده ی حیوانات گوشتخوار طبقه بندی شده است. که بیشتر از حیوانات جوونده و کوچکتر از خودش تغذیه میکند. جوونده گان نیز در ردیف حیوانات علفخوار قرار دارند و شامل تعداد زیادی از گونه

موجودات زنده آن میباشد.) خشکه یا بری می باشد. اکوسیستم خشکه در درون خود اکوسیستم های کوچکتری دارد که جنگل، کوهستان، سواحل، دشت، جلگه و امثال آن بارزترین شان هستند. به عبارت دیگر شهر یا روستا که محل زندگی و محیط زیست اصلی انسان است در یکی از این اکوسیستم ها قرار دارد. در واقع این محیط زیست طبیعی است که بستر و گهواره ی محیط های مصنوعی و اجتماعی محیط زیست را مهیا میسازد. از طرف دیگر تعاملات داخل محیط های مصنوعی و اجتماعی و ارتباط آن با محیط طبیعی در تعاملات طبیعی بین عناصر طبیعت سکنه گی ایجاد نموده و به تخریب منابع طبیعی و محیط زیست می انجامد.

عوامل انسانی تخریب و آلوده گی محیط زیست متفاوت و متنوع است. ولی با همه گوناگونی اش از یک عامل اصلی و اساسی بیولوژیکی یعنی تولید مثل سرچشمه میگردد. که نتیجه ی آن رشد و افزایش نفوس بوده و همین تولید مثل سبب بوجود آمدن عوامل مهم تخریب و آلودگی محیط زیست میشود. چهار عامل مهم تخریب محیط زیست عبارتند از:

(افزایش دما، افزایش جمعیت، تخریب جنگلات، مصرف انرژی) (لواسانی، ۱۳۷۲) رشد نفوس بر آماده گی منابع و کیفیت محیط زیست در پدید آمدن فقر نقش دارد. نفوس بیشتر به معنی تقاضای بیشتر برای مواد غذایی، منازل رهایشی، خدمات صحتی، خاکهای زراعتی و زمینهای شهری بیشتر است. تقاضا برای زمینهای زراعتی و یا شهری و امثال آن به مفهوم کاهش

خلاصه: محیط زیست دانشی از محل یا محیطی است که به مطالعه روابط انسان با محیط اطرافش می پردازد، محیط زیست خود از سه محیط جداگانه ولی مرتبط با همدیگر پدید آمده است. و تعاملات بین هریک از این سه محیط با یکدیگر و نیز ارتباطات و تعاملات انسان در محیط های یاد شده بین خود انسان ها و بین انسان و محیط های نامبرده در مجموع محیط زیست را بوجود می آورد.

بنابراین اولین مفهوم محیط زیست از علوم طبیعی ناشی شده منابع طبیعی را در بر گرفته و محیط طبیعی را بوجود می آورد. دومین مفهوم محیط زیست از علوم انجینیری نشأت گرفته، ساختمان و ساخته های دست بشر را شامل بوده و محیط مصنوعی یا ساخته دست انسان را بوجود می آورد. سومین مفهوم محیط زیست از علوم اجتماعی بوجود می آید، تمام انسان هایی که در کنار و ماحول ما وجود دارند و با ما طور مستقیم و غیر مستقیم در ارتباط هستند مد نظر بوده و از اثر همین روابط محیط اجتماعی بوجود می آید. در این مقاله سعی شده که به شکل مختصر اما مفید به بررسی عوامل آلوده کننده محیط زیست ناشی از این سه بخش پرداخته شود.

مقدمه

پیش بردن پروسه حیات ذریعه انسان در محیط های مختلف اکولوژیکی (مطالعه روابط موجودات زنده با محیط زیست) صورت میگردد. که در مجموع شامل اکوسیستم (بررسی محیط و



مجله علمی پژوهشی

سال شانزدهم

شماره ۲۸

های نظیر مانند انواع موشها، موش خرماها، خرگوشها، سنجابها، دله خفک و امثال آنها میباشد.

هنگامی که دشمنان این جونده گان یعنی روباه، پیشوپلنگ، مرغان شکاری و امثال آنها ذریعه ی انسان یا حتی عوامل طبیعی و بیولوژیکی یعنی امراض و غیره از بین برود طبعاً تعداد نفوس جوندگان زیاد میشود. با ازدیاد روز افزون تعداد جوندگان علفخوار آنان از لحاظ منابع غذایی با مشکل مواجه خواهند شد. یعنی اگر در سابق بر اساس سلیقه صرف یک نوع از علفها یا فقط یک بخش از علفها را میخورد امروز به دلیل کمبود ماده غذایی انواع از علفها و یا بخشهایی دیگر غیر از برگ نباتات را مجبورند که تغذیه نمایند. یعنی در هنگام قحطی و کمبود مواد غذایی به شاخه، ساقه، حتی به پوست و ریشه نباتات هم متوسل شده تا ذریعه ی خوردن آن به پروسه حیات خویش ادامه دهند از همین جاست که اندک اندک با خشک شدن و نابودی پوشش نباتی در منطقه روبرو خواهیم شد.

طبعاً از این حادثه نه تنها خود جوندگان بلکه تمام حیوانات علفخوار خورد و بزرگ و حتی پرندگان و حشرات نیز متضرر میشوند. چرا که مواد غذایی برای آنها نیز کم میشود به ناچار یا از گرسنگی تلف میشوند و یا هم به مهاجرت و کوچ دسته جمعی به دیگر مناطق اقدام میکنند. که به تعقیب آنها حیوانات شکارچی و گوشتخوار نیز بر اثر نابودی و مهاجرت منابع غذایی شان متاثر و متضرر میشوند.

همین مهاجرت گروهی به سایر نقاط باز سبب بروز مسائل و مشکلاتی در مناطق سر راه و نهایتاً منطقه ی مقصود میگردد. که حمله و هجوم دسته جمعی موشها، ملخها، مورچه ها و انواع حشرات و امثال آن به باغها، مزارع و کشتزارها یکی از طبقات منفی آن است. حال آنکه رسیدن این سیل عظیم از تازه واردین مهاجر، به منطقه ی جدید چنانچه اضافه تر از ذخایر غذایی باشد آنجا را هم بعداز مدتی تبدیل به منطقه ی خشک و لم یزرع و فاقد پوشش نباتی ساخته و آثار حیات را در آنجا نیز از بین برده و بدین ترتیب با

نابودی منابع طبیعی تخریب محیط زیست هم اتفاق می افتد البته کار به همین جا ختم نمی شود. زیرا بعداز خشکیدن و از بین رفتن جنگلات و نابودی پوشش نباتی، سطح زمین، عریان شده و خاک بدون سپر و محافظ باقی می ماند.

> خاک خود اکوسیستم کامل است. یک هکتار خاک حاصلخیز در منطقه معتدله حاوی ۳۰۰ میلیون موجودات همانند بی مهرگان، حشرات، ذرات ریز، کرمها و موجودات ذره بینی است< (معمد، ۱۳۸۲) پوشش نباتی و خصوصاً جنگلات نه تنها برای موجودات زنده ی میکروسکوپی و ماکروسکوپی بلکه برای پدیده های غیر زنده مخصوصاً خاک نیز است. بطوری که بعنوان یک پوشش محافظ و عامل نگهدارنده و حتی عامل حاصلخیزی خاک قلمداد میشود. > پس از اینکه پوشش گیاهی از بین رفت، فرسایش سطحی آغاز شده در نتیجه ی بارندگی و جاری شدن آب در روی خط بزرگترین شیب دامنه در مسیری نامشخص شروع به حرکت میکند< (احمدی ۱۳۷۲) و به اصطلاح خاک از منطقه شسته میشود.

همچنین انواع مختلفی از بارشها خصوصاً دو نوع خطرناک آن یعنی ژاله و رگبار برای خاک بسیار مضر است. چرا که به دلیل بزرگی دانه ها و همچنین شدت ضربات شان وقتی که سطح خاک عریان و بدون پوشش نباتی برخورد نمایند از لحاظ فیزیکی خاک را خورد و شکسته نموده و سست میسازند.

خاک سست و سبک طبعاً ذریعه ی آبهای جاری و یا وزش باد از منطقه خارج میشود. در صورتی که اگر پوشش نباتی و درخت و بوته ها موجود باشند. ذریعه ی شاخ و برگ انبوه و برگهای مختلف النوع خود در مقابل قطرات بارش قرار گرفته و آنها را به قطرات خوردتر با قدرت کمتر تبدیل ساخته و با سرعت آرام به سطح زمین هدایت میکند. این قطرات کوچک دیگر قدرت تخریب کننده گی نداشته و یا حداقل چندان شدید نمی باشد چرا که باز همان پوشش نباتی این بار ذریعه ریشه های خویش که در اعماق مختلف خاک دویده است. ذرات خاک را هم از لحاظ فیزیکی ذریعه ی تارها

ریشه به هم پیوسته میسازد. و هم توسط مواد کیمیایی چسپناک مترشحه از خود ریشه و یا باکتریهای اطراف ریشه و ساقه این ذرات خاک به همدیگر چسپیده و قطرات کوچک و کم زور بارش و جریانات کم قوت آب و باد نمیتواند خاک را سست کرده و از دسترس دور بسازد.

اما در صورت فقدان پوشش گیاهی و به تبع آن نبود باکتریها و قارچهای وابسته به نباتات، خاک، عریان، سست و متلاشی شده و ذریعه جریانات آب و باد به راحتی فرسایش یافته و از دست میرود. با از دست رفتن خاک امکان رویش نبات هم از بین میرود. چرا که >> گیاهان جهت رشد و نمو موفقیت آمیز خویش به حدود ۱۶ عنصر شیمیایی نیاز دارند. و ازت، فسفر و پتاسیم مهمترین آنها میباشد<< (گریک ۱۳۸۲) هر سال میلیونها تن خاک در اثر فرسایش آبی و بادی نابود شده یا توسط آب به اقیانوس ها میریزد یا توسط باد به دیگر نقاط منتقل شده و از دسترس دهقان خارج میگردد.

بعبارت دقیقتر > هر ساله یازده میلیون هکتار خاک مورد فرسایش قرار می گیرد تا سال ۲۰۰۰ میلادی حدود ۲۷۵ میلیون هکتار زمین مورد فرسایش قرار گرفته که حدود ۱۸ درصد زمینها قابل استفاده را شامل است. تا سال ۲۰۲۵ میلادی این عدد ۲ برابر خواهد شد< معمدا ۱۳۸۲ یعنی به ۵۵۰ میلیون هکتار خواهد رسید. فرسایش خاک از گذشته ها تا امروز در همه جای دنیا وجود دارد منتها کمیت و کیفیت آن متفاوت است. بطوری که خیلی

از تمدن های کهن بر همین اساس از بین رفته اند. نمونه آن کشف آثار مدنیت از زیر ریگهای دشت سوزان " صحرای گبی " بین چین و مغولستان و اکثر مناطق خاورمیانه را باید نام برد. بطور مثال نواحی جنوب و جنوب غرب افغانستان که فعلاً در قلمرو دشتهای بی آب و علف قرار دارد.

هزاران سال قبل دارای پوشش جنگلی انبوه آب فراوان و نتیجتاً مدنیت بوده ولی به دلایل اقلیمی



آثار حیات نباتی و تعاملات بیولوژیکی آن از بین رفته و به دشتهای سوزان امروزی مبدل گشته است.

چنانکه پروفیسور "گوردن چایلد" مورخ و باستانشناس استرالیایی در کتاب "سیر تاریخ" خود مینویسد: > در هزاره آخر پیش از میلاد امپراطوری خاور نزدیک پس از آنکه از آشور به بابل انتقال یافت بدست پارسها افتاد و داریوش (هخامنشی) از سند تا نیل را به اختیار خویش در آورد..... و برای بنای کاخ خود در ایران دستور داد که از چوب سدر لبنان، بلوط کندهار، طلای سارد، عاج هند و حبشه، مس ایران و مصر استفاده شود...< (چایلد ۱۳۶۹)

این در حالی است که نه تنها از مدنیت گندهارا بلکه از پوشش گیاهی و جنگلات بلوط آن جز از نام هیچ نشان دیگری بر جای نمانده است. و همه آثار مدنیت و حیات فعلی نیز مثل گذشته های خود در معرض پیشروی صحرا و تبدیل شدن به بیابان های خشک و سوزان است. که اگر فکری به حال نابودی زراعت فرسایش خاک و پیشروی دشتهای نشود تا چند سال دیگر شاهد پیوستن نواحی هلمند، قندهار، زابل و غزنی به دشتهای سوزان، ریگی و بی آب و علف مارگو و بگواه خواهیم بود.

همچنان است اگر که منابع جدید انرژی و سوخت برای مردم تامین نشود از درختان و جنگلات خوست و پکتیا نیز جز نام در کتابها چیز دیگری باقی نخواهد ماند. و آن مناطق نیز به سرنوشت مناطق غرب و جنوب غرب دچار خواهد شد. و این برای افغانستان بلکه برای منطقه هم یک فاجعه خواهد بود. چرا که > برای تشکیل ۲/۵ سانتیمتر خاک حدود ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ سال وقت لازم است. <

معمد ۱۳۸۲

از طرف دیگر انهدام پوشش نباتی خصوصاً در مناطق مرتفع و حوزه های آب خیز باعث جاری شدن سیلابهای عظیم و خطرناک میشود. زیرا نباتات نه تنها ذریعه ی شاخ و برگ انبوه خود از سرعت و قدرت بارش کم میکند. بلکه شاخ و برگ درخت مقداری از بارندگی را گرفته و مانع از رسیدن



آن به سطح زمین میشود به آن بخش از باران که توسط پوشش گیاهی گرفته میشود "برگاب" یا انترسپشن گفته میشود. برگاب در آغاز بارندگی بسیار زیاد بوده و ممکن است در یک پوشش گیاهی متراکم تا ۱۰۰ درصد مقدار بارندگی را شامل شود. (یعنی همه بارش را به خود جذب نماید) اما بتدریج که شاخ و برگ از آب اشباع گردد. آب از نوک برگها به زمین چکیده و یا بصورت جریان کوچکی از روی ساقه گیاه به زمین ریخته میشود. (علیزاده ۱۳۷۹) این جریانات کوچک نیز به راحتی در خاک نفوذ کرده و ذریعه شکافها و منفذهای حاصل از فعالیت باکتریها و تونلهای ساخته شده ذریعه ریشه ی نباتات به اعماق زمین منتقل شده و ذخایر زیر زمینی آب را غنی ساخته و آن را برای سالهای خشکسالی ذخیره میسازد. اما در نبود پوشش نباتی نه تنها این عمل صورت نگرفته بلکه آبها در سطح زمین جاری شده و از به هم پیوستن جریانات کوچک سیل عظیم و خروشان به وقوع می پیوندد. که نه تنها خاک منطقه را بین میبرد. بلکه بر اثر شسته شدن خاک از بیخ سنگ ها و سخره ها تخته سنگهای عظیم الجثه را نیز از جا کنده و با خود به پائین انتقال میدهد که وجود همین تخته سنگها بر قدرت و تخریبگری سیل دو چند می افزاید. به همین دلیل است که امروزه در اکثر مناطق افغانستان به محض باریدن باران، جریانات عظیمی از سیلها سهمگین به راه می افتد. و با حرکت به سمت دشتهای تمام آثار حیات را زیر و رو کرده و از بین میبرد. که خسارتهای جانی و مالی ناشی از سیلهای ولایاتی چون تخار، بدخشان، ننگرهار، دایکندی و نقاط دیگر کشورمان در سال گذشته از آن جمله است. چرا که هم به دلیل سالها جنگ متمادی هم به دلیل فقر مطلق و نیز شیوه و سبک معیشت مردم تمام پوشش نباتی دشت و کوهستان همگی به منظور تهیه سوخت، علفچر، تجارت چوب، ساختن تعمیر و دلایل مختلف دیگر از بین برده شده و یا حال از بین بردن آن هستیم.

نتیجه گیری: بنابراین به این نتیجه میرسیم که نابودی پوشش نباتی در ارتفاعات سبب

جاری شدن سیلاب در دشتهای شده و تخریب پوشش نباتی در دشتهای باعث ایجاد طوفان های گرد و خاک در مناطق هموار می گردد. که نتیجه ی هردو عمل یعنی فرسایش آبی و فرسایش بادی به کلی خاک را از منطقه ی اصلی و از دسترس زارعین و دهاقین بیرون ساخته تا جایی که تکرار این عمل به نابودی کامل خاک منجر شده و به اصطلاح جیومرفولوژی، سنگ اصلی یا سنگ مادر در سطح زمین نمایان می گردد. سنگ همانطوریکه می دانید نه تنها قدرت رویاندن نبات را نداشته و باعث نابودی زراعت و پیدایش فقر می گردد. بلکه توان جذب و ذخیره ی آب را هم در درون خود ندارد. و به حرکت سیلهای روان کمک می نماید. و حتی سطح صاف و شفاف برخی از سنگها در انعکاس نور خورشید تاثیر کرده و باعث تغییرات اقلیمی و گرم و سوزان شدن آب و هوای یک منطقه می گردد. که طوفان گرد و خاک ۱۲۰ روزه نواحی هرات و فراه و آب و هوای تفتیده و تبتدار دشت بگواه نمونه بارز آن است.

همچنین به دلیل اینکه پوشش نباتی و خصوصاً درختان ذریعه ی عملیه فیتوسنتز، توسط برگهایشان دی اکساید کربن را جذب و آن را پس از تبدیل به آکسیجن دوباره آزاد می سازد. در تصفیه ی هوا و تولید و تامین آکسیجن مورد نیاز موجودات حیه بسیار رول مفید و ارزنده دارد. که با نابودی پوشش نباتی خصوصاً در مراکز انسانی به ویژه در شهرها با افزایش آلودگی هوا و کمبود آکسیجن مواجه گشته و زمینه تبارز انواع بیماری ها خصوصاً امراض تنفسی و قلبی را برای ساکنان شهرهای شلوغ و به ویژه افراد کهنسال بوجود می آورد.

مآخذ:

۱. احمدی، حسن. (۱۳۷۴). ژئومورفولوژی کاربردی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ص ۲۳۰
۲. چایلد، گوردن. (۱۳۶۹). سیر تاریخ. مترجم: دکتر احمد بهمنش. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ص هفت مقدمه و ص ۲۰
۳. علیزاده، امین. (۱۳۷۹). اصول هیدرولوژی کاربردی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی. ص ۲۴۹
۴. گرگیک، دیوید. (۱۳۸۲). جغرافیای کشاورزی. مترجم: دکتر عیضا کوچکی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی. ص ۵۵
۵. لواسانی، احمد. (۱۳۸۲). کنفرانس بین المللی محیط زیست در ریو. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه. ص ۱۱ مقدمه.
۶. معمده، احمد. (۱۳۸۲). تخریب محیط زیست جهانی و آینده جهان. تهران: انتشارات علوم کشاورزی. ص ۲.

لکاري فلسفه او دنده څخه ځان ژغورنه

مولوی فریدالله ازهری

او یا د رشوت خوړل د کبائرو کناهونو څخه دی په دې هکله گڼ آیاتونه او احادیث شتون لري چې په لاندې کرښو لیکل کېږي:

د رشوت بډې | گناه د آیاتونو په رڼا کې

الله ﷻ فرمایي:

﴿سَمْعُورَتُ الْكَذِبُ أَكَلُونَ لِلسُّخْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَكَنْ يَضُرُّكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾^{المائدة: ٤٢}

ژباړه: دوی د دروغو اورېدونکي او د حرام مال خوړونکي دي، نو که دوی تا ته [د خپلو دعوو په وړاندې کولو] راشي نو تا ته واک درکول کېږي که دې خوښه وي د هغو فیصله وکړه او که نه نو انکار وکړه. که انکار وکړې نو دوی تا ته هیڅ زیان نه شي رسولای، او که فیصله کوې نو د

عدالت په اساس یې وکړئ چې الله عدالت کوونکي خوښوي.

الله ﷻ په باطله لاره د مال خوړلو نه منع کړي او فرمایي:

﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَذَلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا

نبي ﷺ څخه روایت کوي چې فرمایلي دي: په خلکو په داسې زمانه راشي چې څوک په دې فکر نکوي چې له کوم ځای مال لاس ته راوړی د حلالو څخه یا د حرامو څخه.

رشوت په لغت کې: [ما یتوصل به إلى الماء] هغه څه دی چې د هغې په واسطه اوبه کوهی څخه راوستلی شي یعنې پری.

رشوت په اصطلاح کې: علماؤ د رشوت تعریف داسې کوي: [هي أخذ الأموال على ترك ما يجب على الآخذ فعله أو فعل ما يجب عليه تركه].^٢

ترجمه: یعنې چې کومه کړنه پر اخیستونکي لازم وی او د هغې په بدل کې څه څیز واخلي او یا کوم کړنه چې په د باندې پرېښودل لازم وي د هغې په عوض څه څیز واخلي دا رشوت یا بډه یادېږي.

او ځینو علماؤ یې داسې تعریف کوي: [هي ما يعطى لإبطال حق أو لإحقاق باطل] یعنې رشوت هغه څه دی چې د حق د باطلولو او باطلو د ثابتولو لپاره ورکولی شي.

د رشوت حکم: رشوت اخستل، ورکول

الحمد لله الذي قال في كتابه العربی المبين:

﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَذَلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^{البقرة: ١٨٨}

والصلاة والسلام على سيد الانبياء محمد الذي قال: (الراشي والمرتشي في النار)^٢، و على آله و أصحابه أجمعين و بعد!

یو د هغو ناوړه امورو څخه چې د موږ په ټولنه کې د دود په څیر تقریباً عملي کېږي هغه اداري فساد دی چې ډېر خلک په دې رنځ مبتلا دي ځیني یې غصب، بډې، د لاس لاندې افرادو څخه تحفې او ډالۍ، د دولت او بیت المال شتمنیونه ناوړه کټه اخستنه او داسې نور عاداتو او دودونو رواج شوي چې دا ټول د اداري فساد څخه شمېری کېږي چې د نن عصر ډېری وګړي هیڅ پاملرنه ورته نکوي چې خپل مالونه او شتمنۍ له کوم ځایه لاسته راوړي، پدې هکله رسول الله معجزه موږ ته وړاندې نه خبر را کړی:

«عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رضي الله عنه - عَنِ النَّبِيِّ - صلى الله عليه وسلم - قَالَ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُبَالِي الْمَرْءُ مَا أَخَذَ مِنْهُ مِنَ الْحَلَالِ أَمْ مِنَ الْحَرَامِ»^١.

ژباړه: د آبي هريره ﷺ روایت دی چې هغه د

فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٨٨﴾
= البقرة: ١٨٨

ژباړه: خپل مالونه په باطل او د ناحق لکه بېۍ، سود، غصب، او غلا... په خپل مينځ کې مه خورئ او هغه اميرانو او قاضيانو ته مه وړاندې کوي چې د گناه له مخې د خلکو ځينې مالونه وخورئ او تاسې پرې خبرياست [او پوه شئ چې تاسو ظالم ته مرسته ورکړئ او گناه موکړئ ده].

دارنگه قرآنکريم فرمايلي دي: ﴿وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ = المائدة: ٤٤
ژباړه: او زما آيتونه په نا څيزه بېا د دنيا، لکه رشوت، منزلت او مقام مه پلورئ! او پوه شئ چه هر څوک د هغه څيز په وړاندې حکم ونکړي چې ما نازل کړی [او الهی احکامو ته د سپکاوی قصد ولري] هغه او د هغه په څير کسان د شک پرته کافر دي .

علما فرمايلي دي: کوم کار چې پوره کول چې د چاپه غاړه واجب دی هغه د الله د ژمنی مسؤول دی په پوره کول يې د چانه عوض ياد عوض اخستلو پرته نه کول يې د الله دعهد ماتول دي، همداشان کوم کار چې ترسره کول يې په چا واجب ندی. ترسره کول يې د معاوضې په اخستلو سره هم د الله دعهد ماتول دي. د د ينه  **دولت چارواکي چې د اداري فساد ډېر**  **دولت چارواکي چې: وظيفې ترسره کول لپاره د دولت نه حقوق اخلي**  **نوهغه د الله سره عهد کړی چې د حقوقو په عوض خپله دنده ترسره کووم نوکه چېرې په ترسره کول کې يې د چانه معاوضه واخلي او د معاوضې پرته هغه نه کوی او یوی**

ورځی نه يې بلي ورځی ته غورځوی د الله عهد يې مات کړی، همداشان هغه کار چې د دولت لخوا دهغه به واک کې ورکول شوی نه وی رشوت اخلي او هغه کار کوی دا هم د الله عهد ماتول دي. بېۍ دومره بد اوناروا دی چې قرآنکريم هغه د يهودو د صفاتو په شمير کې راوړی او قرآن کريم فرمايي: ﴿سَتَكُونُ لِلْكَذِبِ أَكْثَرُونَ لِلْحَقِّ﴾ = المائدة: ٤٢
ترجمه: هغوی ډېر د روغ اوري اومني او ډېر حرام مال خوري. د علامه الوسي په وينا پدې ځای کې مراد د سحت نه په حکم کې رشوت دی. دارنگه حضرت ابراهيم نخعي، حسن بصري مجاهد، قتاده او ضحاک رحمهم الله اونور د تفسير امامانو هغه په رشوت تفسير کړی دی، رشوت اخستلو ته ځکه سحت ويل کېږي چې نه يوازې رشوت اخستونکی او رشوت ورکونکی تباہ کوی بلکې عمومي د امنيت، ملت او د ملک اساس او بنسټ هم بربادوی ځکه په کوم هيواد کې چې بېۍ خورل دود وی قانون نشی پلی کيدای، په پای کې د ملت او ملک امنيت چې د قانون په اساس دی نه راځی او کله چې د امنيت قانون د عمل پړاوته لاړنشی نود خلکو ځان مال حيثيت او پت نشی ساتل کيدای. همدا علت دی چې په اسلامي شريعت کې سحت ورته ويل شوی او حرام دی.

که موږ وگورئ چې بېۍ اخستنی څومره يو عام او خطري آفت دی او له لدې لارې لاسته راغلې پيسې د ډېرو خرابو او خبيثو پيسو په کتار کې واقع شوی د يورپينستی مومن وجدان، ايمان او افکار د دغه ناوړه او ناسم کارنه ډېر لری او تيښته کې وي، ځکه هر انسان چې دغه سپکې پيسې لاسته راوړی هغه انسان

هم سپک او ذليل کېږي.

د رشوت (بېۍ) گناه د احاديثو په رڼا کې:

د موږ مقدس دين په ظاهر و واضح ډول د رشوت اخستل په مسلمانانو حرام کړي دي له کعب بن عجره څخه روايت دی: « قال: قال النبي صلى الله عليه و سلم: (يا كعب بن عجره إنه لا يدخل الجنة لحم ودم نبتا على سحت النار أولى به. » «٣»

ژباړه: هغه وايي چې نبی ﷺ وفرمايل: أي کعب بن عجره! جنت ته به داخل نشی هغه غوښه او وينه چې په حرامو لويه شويوي بلکې اور هغو ته مناسب او لائق دی.

او همداشان مسؤولينو او چاراکو لپاره يې منل حرام کړی دی او رشوت ورکونکی او اخستونکی يې ملعون معرفي کړی دی: عن عبدالله بن عمر رضي الله عنها قال: «لعن رسول الله الراشي والمرشي». «٤»

ژباړه: د حضرت عبدالله بن عمر نه روايت دی چې رسول الله رشوت ورکونکی او اخستونکی باندې لعنت ويلي دي: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّاشِيَّ، وَالْمُرْتَشِيَّ، وَالرَّائِشَ». «٥»

ژباړه: د حضرت ثوبان نه روايت دی چې رسول الله رشوت ورکونکی او اخستونکی او هغه څوک چې د دوی دواړو ترمنځ واسطه کېږي، باندې لعنت ويلي.

ځيني خلک حاکمانو او مشرانو ته ډالی، تحفه، سوغات، تعارف حق، حق الزحمه او قلمانه انعام او شريفي په ترڅ کې ترسره کوي چې دا هم يو ډول رشوت دی خو جوته ده چی د نومونو بدلون هيڅکله په ماهيت کې بدلون نشی را وستی او په هر صورت کې کومه

پيسه چې د بډوله لارې را شي هرنوم چې پری کيښودل شي بياهم رشوت دی، ځيني خلک بايد پوه شي چې تحفه ډالی سوغات د آمرينو لپاره د رشوت په حکم کې دی پدې زمانو کې دود دادی چې ډالی د ځيني د مشرانو ډيپورانو، خانه سامانونو يا د نورو اشخاصو او شاوخوا خلکو ته ورکول کيږي او هغه يو عادي او روا څيز گڼي پداسې حال کې دپورتينو دلایلو په استناد په زغرده ویلی شو چې: هيڅ ډول نوم ايشودل ماهيت ته بدلون نشی ورکولای او هرڅه چې د رشورت له لارې راشی رشوت دی.

پېغمبر ﷺ فرمایلي دي:

«مَنْ اسْتَعْمَلَنَاهُ عَلَى عَمَلٍ فَرَزَقْنَاهُ رِزْقًا فَمَا أَخَذَ بَعْدَ ذَلِكَ فَهُوَ غُلُولٌ»^۶.

ژباړه: څوک چې مونږ په کوم کار وگمارو او څه حقوق هم په مقابل کې ورکو هرڅه چې د خپلو حقوقونه اضافه واخلی د غاړی طوق به یی شي.

په بل روایت کې دي: «من شفع لأحد شفاعة فأهدي له هدية عليها فقلبها فقد أتى بابا عظيما من أبواب الربا»^۷.

ژباړه: څوک چې دبل چا لپاره سپارښت وکړی [واسطه شی] او د هغه په مت ورته هدیه ورکول شي په رښتیا چې هغه د سود لوی دروازی ته ننوت.

عبدالله بن مسعود وايي: که چیرې څوک نورو ته کار وکړي او دهغه په واسطه ډالی ورته وړاندې شی هغه حرام دی.

د مسروق رضی الله عنه نه روایت دی چې هغه د ابن زیاد سره یوه قضیه رد کړی او د قضیې دڅښتن له لوری یو غلام ورته ډالی شو مسروق هغه ونه مانه او وی ویل:

اوریدلی می دی چې ابن مسعود رضی الله عنه به ویل: څوک چې د مسلمانانو کوم ظلم لری کړی او د ظلم څښتن هغه ته کوم څيز ډالی

کړی لږوی که ډیر هغه حرام دی.^۸

«وَقَالَ عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ كَانَتْ الْهَدِيَّةُ فِي زَمَنِ رَسُولِ اللَّهِ هَدِيَّةً وَالْيَوْمَ رِشْوَةً»^۹.

کله چې عمر بن عبدالعزیز خلیفه وو یوه ډالی ورته راوړی شوه خو هغه قبوله نکړه ورته وویل شول پېغمبر ﷺ هدیه قبولوله عمر ابن عبد العزيز وویل: پېغمبر ﷺ په نمانه کې ډالی وه خونن ورځ رشوت دی.

علمای کرامو ویلي: کله چې اسلام تردی کچې د رشوت په اړه سختی کوی نو پرقاضي او هغو کسانو چې د قاضي په مرتبه کې دي لازم دی چې هغه څيزونه چې د قاضي کیدو او یا حاکم کیدو وړاندې او په خپل کور کې ناست ول او د هدیه په توگه ورته راوړل کیده اجازه لري چې د قضاوت یا حکومت په وخت کې هم واخلی. او دهغو څيزونو اخستل چې پوهیږی د مقام په خاطر ورته ورکول کيږي حرام دی خو کوم چې نه پوهیږی دوستان یې د دوستی په خاطر یا د دوی د مقام په خاطر ورته راوړي دا شبه ده او باید ورته ډډه وکړي.^{۱۰}

د مذکور ارشاداتو او روایاتو په رڼا کې هرڅوک چې آمرینو ته تحفه او ډالی ورکوی چې بست او منصب پکې اغیز ولري رشوت دی پداسې حال کې چې ډېری خلک دغه څيز ډېر ساده گڼی سره لدې چې دا کار صریح رشوت دی ټول مسلمانان د دې کار نه ډډه وکړي او نورو ته دی هم ور ویی چې ندی تحفه ورکړي اوندی واخلی همداشان هغه تحفه چې درشوت په چوکات کې راځی دهغې تحفی سره چې رشوت پکې نفوذ نلری خلکو ته بیان شی ترڅو مطلق تحفه رشوت ونشمیرل شي.

نور اړخ د نورو خلکو او دولتي مالونو

څخه ځانونه وژغورو او مرگ څخه وړاندې خپلو ځانونو سره محاسبه وکړو او دمي فارغې کړو، د بیت المال او نورو اشخاصو مالونه مو چې په غلا، غصب، ډالی، ظلم او نورو لارو څخه لاس ته را وړي هغه خپل اصحابو ته ورکړو يعني رد مظلومه وکړو او د هغې ورځې څخه په ډار کې شو چې هلته مال او ځامن مو په درد نه راځي:

یوم لا ینفع مال ولا بنون الا من أتى الله بقلب سليم.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين و صلى الله تعالى على خير خلقه محمد و على آله وصحبه أجمعين

مؤخذونه:

۱- صحيح البخاري، بَابُ مَنْ لَمْ يُبَالِ مِنْ حَيْثُ كَسَبَ الْمَالُ، رقم الحديث: ۲۰۵۹.

۲- تفسير البحر المحیط، ټوک: ۳، مخ: ۵۱۶، تفسير روح المعاني، ټوک: ۱۴، مخ: ۲۲۴، المكتبة الشاملة.

۳- صحيح ابن حبان د حديث شميره: ۵۵۶۷.

۴- مشکوة المصابيح باب الاقضية والشهادات.

۵- شرح مشکل الآثار لأبي جعفر أحمد بن محمد المعروف بالطحاوي (المتوفى: ۳۲۱هـ)، بَابُ بَيَانِ مُشْكِلِ مَا رُوِيَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ لَغْنِهِ الرَّائِثِ، أَوْ الرَّائِثِ مَعَ لَغْنِهِ الرَّائِثِ وَالْمُرْتَثِي، د حديث شميره: ۵۶۵۵.

۶- سنن أبي داود، باب أرزاق العمال، حديث: ۲۹۴۵.

۷- مسند امام احمد، حديث: ۲۲۲۵۰.

۸- الحلال والحرام للدكتور قرضاوي، مخ: ۴۰۲.

۹- صحيح البخاري، بَابُ مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْهَدِيَّةَ لِغَلَّةٍ، د حديث شميره: ۲۵۹۵.

۱۰- الحلال والحرام للدكتور قرضاوي، مخ: ۴۰۲.



نقش مساجد در گسترش فرهنگ و ثقافت اسلامی

مقدمه:

ثنای بی‌پایان خداوند یکتای بی‌همتای توانایی را که قشر بشریت را از پرده و کتم عدم به صحرای زیبای وجود درآورده و ایشان را از سجده‌بندگان منع نموده به عبادت و بندگی خویش فراخواند. درود فراوان به روح و روان پیشوای بزرگ بشریت حضرت محمد مصطفی ﷺ که در گام‌های نخستین مبارزات خویش مسجد را بنا نهاده و آنرا من حیث مرکز ارتباط و خانه راز و نیاز انسان با خالقش قرار داد.

از آنجاکه ثابت و مبرهن است که هر موضوع مبانی تحقیق ویژه‌ای بخود را دارد، نویسنده هم می‌خواهد که درین مقاله مبانی نظری تحقیق موضوع مطرح شده را بحث نماید این تحقیق و یا پژوهش سیستم آموزشی و نقش مساجد را در گسترش فرهنگ و ثقافت

اسلامی تحت غور و بررسی قرار می‌دهد؛ نخست لازم می‌دانیم روی همه‌ی آن مبانی که برای یک گسترش فرهنگ و ثقافت اسلامی است که امروزه تدریس مضامین ثقافت اسلامی در مراکز آموزشی افغانستان باعث ترویج و تقویت افراطیت شده است می‌گویند بلکه این یک اشتباه است. بنابر این، اگر برخی‌ها این را رسانه‌یی می‌سازند و به آدرس



فرهنگ و ثقافت اسلامی می‌تازند یک ادعایی بی‌اساس است که حتی با گفته‌ها و نوشته‌های خودشان نیز سازگار نیست از اینرو لازم دانسته می‌شود در رابطه به مسجد و گسترش فرهنگ اسلامی روشنی بیاندازیم.

الف: معنی و مفهوم مسجد:

مسجد یگانه واژه‌ی است که در اسلام برای نخستین بار به عبادتگاه مسلمانان استعمال گردیده و این یک کلمه عربی بوده به معنای سجده‌گاه و یا جای سجده می‌باشد چنانچه عبادتگاه‌های غیر مسلمانان مانند یهودیت، مسیحیت و... نامهای به خصوص خود را دارند که قرآن کریم به اسامی برخی از آنها پرداخته است.

﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَفَلَدَتْ صُرُوعُ وَبِيعَ وَصَلَاةٌ ۚ مَسْجِدُ يَذْكُرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا﴾^{۴۰} الحج

ترجمه: «اگر خدا بعضی از مردم را بابت بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها، کلیساها، کنیسه‌ها و مساجد که نام خدا در آنها بسیار ذکر میشود سخت ویران می‌شد.»

ب: اهمیت مسجد در دین اسلام:

مسجد من حیث اولین بنا برای عبادت الهی در روی زمین مرکز توحید، محور تجمع خدا پرستان، محل پخش و نشر فرامین و دساتیر الهی میباشد که خداوند متعال در قرآن مقدس مکانت و



جایگاه مساجد را بلند داشته و به رسم تکریم و بزرگداشت آنرا به خود منسوب نموده می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾^{۱۸} الجن
ترجمه: «و اینک مساجد ویژه‌ی خداست، پس هیچ کس را با خداوند نخوانید.» و پیامبر اسلام در حدیثی مساجد را محبوب‌ترین آبادیهای زمین نزد خداوند خوانده می‌فرماید: (عن ابی هريرة ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال احب البلاد الى الله مساجدها)^{۱۹} رواه مسلم رقم الحديث ۱۵۶۰

روی این موضوع، وقتی که نبی مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی ﷺ به مدینه منوره هجرت نمودند در نخستین قدم‌های ورودی‌شان در منطقه قبا مسجدی را بنا نهادند که بنام مسجد قبا یاد می‌شود. و خداوند متعال در صفحات زرین قرآن مقدس از آن نام برده تقوا و طهارت اهالی آنرا ستوده می‌فرماید:

﴿لَمَسْجِدٍ أُسَسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحْذَرُونَ أَنَّهُ يَنْظُرُوا إِلَى اللَّهِ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾^{۲۰} التوبة

ترجمه: «مسجدی که از روز اول بر تقوا بنا نهاده شده شایسته‌تر است که در آن نماز گذاری! در آنجا مردانی هستند که دوست دارند خود را پاک سازند و خداوند کسانی را که خواهان پاک‌اند دوست می‌دارد.»

سیدنا حضرت محمد مصطفی ﷺ وقتی که وارد مدینه منوره می‌شوند قبل از هرکاری قطعه زمینی را از دو یتیم بچه خریداری نموده و مسجد نبوی را آنجا بنیان گذاشتند. به همین خاطر خداوند منان در قرآن کریم عمارت مسجد را دلیل و نشانه ایمان به خود و روز آخرت خوانده و معطل گذاشتن آنرا بزرگ‌ترین ظلم قرار داده و به عذاب دردناک دنیوی و رسوایی آخرت تهدید نموده است.

﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنَ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا لِلَّهِ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَن يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾^{۱۸} التوبة:

ترجمه: «مساجد خدا را تنها کسانی آباد میکنند که به خدا و روز آخرت ایمان داشته، نماز را برپا دارند، زکات بپردازند و جز خدا از کسی دیگر نترسند امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند.»

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾^{۱۱۴} البقرة:

ترجمه: «کیست ستمکارتر از آنکه نگذارد نام خداوند در مساجد یاد شود و در ویرانی آن بکوشد؟ آنان نباید که وارد این مکانها شوند جز باترس و هراس، برای آنها درین دنیا ذلت و خواری و در آخرت عذاب بزرگ است.»

در آیه قبلی خداوند کریم به عمران و آبادانی مادی و معنوی مساجد تأکید نموده عمران این بقاع و بنای مطهر را بدوش متعهدترین افراد جامعه گذاشته است. اما باید گفت: این عمران تنها در بعد مادی خلاصه نه شده بلکه عمران و آبادانی عقاید و افکار افراد را نیز شامل می‌گردد روی هم‌رفته آیه متبرکه تأکید دارد که متولیان و پاسداران مساجد نیز باید از میان پاک‌ترین افراد انتخاب شوند، نه اینکه افراد ناپاک و آلوده به

خاطر مال و ثروت، مقام و نفوذ اجتماعی‌شان این کار را به عهده گیرند. ولی امروز آنچه بیشتر اهمیت دارد عمران و آبادی معنوی مساجد است، و به تعبیر دیگر: بیش از آنچه به ساختن مسجد اهمیت می‌دهیم باید به ساختن افرادی که اهل مسجد، پاسداران مسجد و حافظان آن است اهمیت بدهیم.

۳- (عن انس (رضی الله عنه) عن النبی (صلی الله علیه وسلم) من بنی لله مسجداً بنی الله له بیتاً فی الجنة) از حضرت انس روایت است که پیامبر ﷺ فرمودند: کسیکه برای رضای الله مسجدی را اعمار نماید خداوند ﷻ در عوض این عمل خانه‌ای را در جنت برای او مهیا می‌سازد.

۴- (من بنی لله مسجداً ولو كمفحص قطاة بنی الله له بیتاً فی الجنة "صحیح ابن حبان") کسی که مسجدی بنا کند هرچند به اندازه لانه مرغی بوده باشد، خداوند خانه‌ای در بهشت برای او بنا خواهد ساخت.

ج: بزرگ‌ترین رسالت‌های مساجد:

بدون شک این بنیان مقدس (مسجد) در حفاظت و گسترش ثقافت و فرهنگ اسلامی نقش مهم و اساسی دارد. که می‌توان رسالت‌های بزرگ مساجد را درین راستا در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱- مساجد جای تعلیم، تربیه، خطبه، دعوت، حلقات درسی و شورای مسلمانان می‌باشد. اگر ما به کتابهای مستند از تاریخ و سیرت اسلامی برگردیم می‌بینیم که رسول اکرم ﷺ در اوایل ظهور اسلام صحابه کرام را در مکه مکرمه در منازل مسکونی بعضی از یارانشان تعلیم و تربیه، دعوت و ارشاد می‌نمودند و ایشان به این منظور خانه‌ها را رقم ابن ابی الارقم را انتخاب نموده بودند. در آن وقت مسجد الحرام بخاطر آزار و اذیت مشرکین برای انجام این کار مساعد نبود. اما زمانی که آنحضرت ﷺ به مدینه منوره هجرت نمودند پیغام پروردگار عالمیان را از فراز منبر مسجد

نبوی به سمع صحابه کرام و یاران و جان نثارانشان ابلاغ نموده به تعلیم، تربیه، تزکیه، تحضیض و موارال آن‌ها پرداختند چنانچه قرآن کریم به این مطلب صراحت دارد.

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيَّةِ رُسُلًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾^{الجمعة: ۲}

ترجمه: اوست آن کس که در میان توده بی سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را برآنان بخواند و پاک‌شان گرداند و علم کتابت، قرائت، حکمت و سیاست را بیاموزاند و بدون شک آنان پیش ازین در گمراهی آشکار بودند.

بناءً مسجد در عهد آنحضرت ﷺ مرکز ارشاد و تعلیم مسلمانان بود ایشان در ماحول رسول گرامی اسلام حلقه می‌گرفتند تا سخنان او را بشنوند و بیاموزند. حتی از مناطق دور دست آنهایکه به دین اسلام مشرف می‌شدند به شکل جمعی و انفرادی به حضور او ﷺ در مسجد نبوی گرد هم آمده فقه و احکام الهی را از ایشان می‌آموختند و دوباره به دار و دیارشان برمی‌گشتند. چنانچه مالک ابن الحویرث رحمه الله می‌گوید: ما چند تن جوانان هم سن و سال بودیم نزد رسول الله آمدیم و در آنجا مدت بیست شب را سپری نمودیم. رسول الله ﷺ بسیار رفیق و مهربان بود گمان می‌کرد که ما از فامیل او هستیم خویشتن دور شدیم بناءً از ما حال خانواده‌ای ما را می‌پرسید (رحمهم الله) و او را از اهل خویش باخبر نمودیم پس آنجناب بعد از سپری شدن بیست روز برای ما فرمودند:

(ارجعوا الی اهلکم فاعلموهم و مروهم و صلوا کما ریتهمونی اصلی و اذا حضرت الصلوة فلیؤذن لکم



احدکم و لیؤمنکم اکبرکم) کتاب ادب المفرد-
قال الشيخ الألبانی: صحیح

ترجمه: به اهل خود باز گردید و آنچه آموختید به ایشان بیاموزانید و آنها را طبق دستورات شرع امر و نهی نمایید و چنانچه من نماز میگذارم نماز گذارید و چون بر شما وقت نماز فرا رسد یکی از شما آذان بخواند و بزرگترتان امامت نماید.

۲: یکی دیگر از وظایف و رسالت های بزرگ مساجد، مبارزه بر علیه خرافات، مفاسد، بدعات و انحرافات دینی، اخلاقی و اجتماعی می باشد. وقتی که در اثر گذشت زمان انحرافات گوناگونی به مثابه میکروب در بدنه سالم جامعه اسلامی نفوذ می کند اینجا مسجد است که مانند یک سنگر مستحکم، به صیانت و حفاظت دین از این نوع انحرافات پرداخته از نفوذ و گسترش آن در جامعه اسلامی جلوگیری می نماید.

۳: مسجد مرکز وفود، اجتماع، تعارف و عبادت مسلمانان می باشد که مردم از هر گوشه و کنار و از هر قوم و قبیله و نژاد گرد هم آمده در صف واحد ایستاد شده به یک قبله واحد روی آورده یک الله را می پرستند و بایکجا شدن شان در نماز های پنجگانه، جمعه، اعیاد، حج و دیگر مناسبات دینی در مساجد معرفت، الفت و مهربانی میان ایشان ایجاد گردیده و زمینه های تعاون، همدردی، خیرخواهی، امر به معروف و نهی از منکر مساعد می گردد.

د: مسجد و سیاست:

۱- مسجد در عهد رسول الله محور تمام فعالیت های جامعه اسلامی بوده به عنوان یک مرکز تعلیم و تربیت، کانون ادبی، پارلمان شورا مشورت، دیدار و



ملاقات و... به شمار میرفت، مسجد مرکز ورود سفیران و نمایندگان نواحی مختلف جهان بود. پیامبرگرمی اسلام درین مکان با آنها ملاقات و گفتگو می نمود و در آنجا به موعظه و سخنرانیها پیرامون مسائل دینی، اجتماعی، سیاسی و... می پرداخت در عصر پیامبرگرمی جدایی و تمایز میان آنچه که امروزه مردم آنرا دین و سیاست می نامند وجود نداشته است. یعنی در عصر نبوت، مکانی غیر از مسجد برای طرح مسائل سیاسی و حکومتی برگزیده نه شده بود.

۲- همچنان شورای اهل حل و عقد برای انتخاب خلفای راشدین در مسجد دایر میگردید و خلفای مسلمین بعد از تحمل بار سنگین خلافت، جهاد و مبارزه پیگیر، ارشاد و دعوت مستمر خویش را از همین منابر و مساجد آغاز نموده نظام و فرهنگ اسلامی را به جهانیان ابلاغ می نمودند.

روی همرفته خلفای راشدین، تابعین و تبع تابعین، مسجد را مرکز تمام فعالیت های عبادی و سیاسی خود قرار داده بودند. چنانچه حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه نخستین بیانیه مشهور خود را که در آن به بیان برنامه های سیاسی و استراتژی یکی حکومت پرداخت، در مسجد ایراد نمود و در لابلای آن فرمود:

(ایها الناس انی وُلِّیت علیکم ولسْتُ بخیرکم، ان رأیتُمونی علی حق فاعینونی و ان رأیتُمونی علی باطل فسدّونی) ای مردم من به سرپرستی شما گماشته شدم در صورتی که از بهترین شما نیستم، اگر مرا در مسیر اقامه حق یاقیتید یاریم دهید و اگر بر باطل و ناحق یافیتید، راستم گردانید. باز هم در مسجد بود که عمر ابن خطاب هنگام بدست گرفتن زمام امور مسلمانان گفتند: (ایها الناس من

رأی منکم فی اعوجاجاً فلیقومنی) ای مردم اگر هر کدام از شما از من کژی و انحرافی ببند مرا به سوی راستی هدایت نماید. یکی از نماز گذاران به نشانه اعتراض برمی خیزد و میگوید: (والله لورئنا فیک اعوجاجاً لقومناه بحدّ سیوفنا) به خدا قسم اگر در تو کژی و انحرافی را مشاهده نماییم به وسیله لبه شمشیر هایمان آنرا راست خواهیم کرد. و عمر رضی الله عنه در پاسخ گفت: (الحمد لله الذی جعل فی رعیة عمرن یقوم اعوجاجه بحدّ سیفه) سپاس خدایی را که در میان رعیت عمر کسانی را قرار داده است که کژی و انحرافش را با لبه شمشیر راست می نماید.

مسجد در بهترین قرون این امت و در عصر شکوفایی اسلام اینگونه بوده است ولی هنگامیکه مرکز فرماندهی خلافت و دولت اسلامی از مساجد به قصرها و کاخ های مجلل انتقال یافت ستاره تمدن اسلام به افول گرایید، مسلمانان در زمینه های گوناگون زندگی عقب ماندند و اسلام عزیز از رونق قبلی خود باز ماند اینجاست که با جدا ساختن مساجد از مجتمع، امور دین از دنیا و عبادت از سیاست، فرهنگ ناب اسلامی مصونیت خود را از دست داده فرهنگ های مبتذل بیگانه جایگزین آن گردید.

از فحواي آنچه گفتیم چنین برمی آید که مسجد با سیاست منافاتی نداشته بلکه مؤید آن می باشد اگر چه سیاست در اذهان عامه به عنوان یک رذیله به حساب می آید اما حقیقت اینست: سیاست ازین جهت که یک دانش است از علوم خوبی به حساب آمده و ازین جهت که یک عمل و تجربه زندگی است، به عنوان مهمترین شغل ها و حرفه ها به حساب می آید. شگفت اینجاست که بعضی از سیاست مداران

که خود سرا پا در مسایل سیاسی غوطه ور اند می‌پرسند؟ آیا می‌توان مسجد را به منظور اهداف سیاسی به کار گرفت؟ پاسخ اینست که هرگاه سیاست مطابق با اصول اسلام و در چارچوب احکام و ارزشهای اسلامی قرار گیرد در ذات خود نه قبیح است نه مذموم.

گونه‌های سیاست:

۱- **سیاست مردود:** عبارت از سیاست "ماکیاولی" است که شخص معتقد باشد به اینکه هدف وسیله را توجیه می‌کند و نسبت به مسائل اخلاقی و ارزشهای دینی و قضایای حلال و حرام هیچ گونه تعهد و الزامی نداشته باشد.

۲- **سیاست مقبول:** سیاستی که مربوط به تدبیر و اداره امور عمومی مردم است و در راستای تحقق مصالح و دفع مفاسد و اقامه موازین قسط و عدالت در میان امت، همگام با دین در خط واحدی قرار دارد و برای ما مسلمانان چنین سیاست جزئی از دین ماست؛ زیرا اسلام عبارت از عقیده، عبادت، اخلاق، حکومت و نظامی است که شامل تمام زندگی مسلمانان می‌باشد. پس رسالت مسجد همانگونه که اسلام صحیح و واقعی آنرا می‌خواهد نمی‌تواند از سیاست به آن مفهوم که بیان شد، دور باشد.

هـ: بزرگ‌ترین چالشها فرا راه رسالت مساجد

به نظر بنده بزرگ‌ترین چالشهای که در شرایط کنونی در راستای وظایف اساسی مساجد قرار دارد عبارت‌اند از:

۱- یکی از چالشهای اساسی انحصار مساجد صرف برای ادای نماز و مسدود نمودن آن به روی بقیه فعالیت‌های ارشادی، اجتماعی، فرهنگی و... چنانچه در صدر اول اسلام می‌بود.

۲- انحصار مساجد برای طبقه ذکور و

محروم نگهداشتن یک بدنه بزرگ جامعه یعنی زنان از حضور در نمازهای پنجگانه، جمعه و جماعت و... می‌باشد این درحالیست که پیامبر بزرگ اسلام به حضور ایشان در مساجد تأکید نموده می‌فرماید: (لا تمنعوا اماء الله من مساجد الله " سنن ابی داود") در عصر حاضر که عصر علم، دانش فرهنگ می‌باشد باید مساجد و بیوت الله متعال منحصر برای طبقه ذکور و محروم نگهداشتن یک بدنه بزرگ جامعه یعنی زنان از حضور در نمازهای پنجگانه، جمعه و جماعت، نگردد چنانچه در کشور های دیگر اسلامی میباشد بناء در زمان موجود انصاف نخواهد بود که زن ها در تمام میادین مراکز تحصیلی، تربیوی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی بسهم خویش مشارکت دارند اما از مساجد که جای عبادت، ارشاد و فراگیری موعظه حسنه میباشد، ابواب آنها پیش روی مسدود گردد.

۳- چالش دیگری که وظایف و رسالتهای مهم و خطیر مساجد را صدمه جدی می‌رساند اینست که مردم و یا ارگان‌های مسؤول حکومتی برخی از افرادی را برای امامت مساجد استخدام مینمایند که آن ها از علم و دانش دینی و حقوقی بهره ی کافی ندارند و این کار در بسیاری موارد سبب میگردد که چنین اشخاص وظیفه خطیر امامت، خطابت، ارشاد، تعلیم و تربیه مردم پیش برده نتوانند و در عوض ده‌ها مشکل دیگر را به بوجود بیاورد.

ز: نتیجه گیری

۱- مساجد منحیث برگزیده ترین مکانهای روی زمین دارای قدر و منزلت خاص نزد الله، پیامبر و مؤمنان می‌باشد.

۲- مساجد مرکز عوت اسلامی و محل نشر و پخش احکام دین الهی میباشد که مهم ترین مرکز اجتماع و اتحاد مسلمین به حساب می‌رود.

مساجد در حفظ، صیانت و گسترش

فرهنگ جامع اسلامی نقش مهم و ارزنده را ایفا نموده نسل جوان مسلمان را از انحراف، انحطاط و مفاسد دینی و اخلاقی نگاه می‌دارد.

۳- در عصر حاضر که فساد اخلاقی، اجتماعی، انحرافات دینی و فرهنگ های مبتذل وارداتی در کشور ما بیداد می‌کند، مساجد در تحکیم و احیای ارزش‌های دینی و فرهنگ اصیل اسلامی نقش اساسی دارد.

۴- مساجد کانونی برای هرگونه حرکت و جنبش سازنده اسلامی در زمینه آگاهی و بیداری مردم و پاکسازی محیط از همه آلودگی‌های مادی و معنوی می‌باشد.

۵- مساجد مرکزی برای ارشاد، آموزش و رشد فکری جوانان، مردان و زنان با ایمان باشد نه اینکه تنها جای افراد بیکاره، خواب آلوده، باز نشسته، و از کار افتاده.

منابع و مآخذ:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- صحیح بخاری.
- ۳- جامع الترمذی.
- ۴- سنن ابن ماجه.
- ۵- مستدرک حاکم.
- ۶- تفسیر المنار.
- ۷- سنن ابی داود.
- ۸- تفسیر روح المعانی.
- ۹- تفسیر نمونه.
- ۱۰- دیدگاه‌های فقهی معاصر.
- ۱۱- العبادة فی الاسلام.
- ۱۲- تفسیر احکام القرآن للجصاص و ماتوفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب



حرمت مواد مخدر در حوزه فقه دینی

مولوی عنایت الله شریفی

خواب، تسکین دهنده و بیهوش کننده. خطرناکترین این مواد هیرویین، کوکائین، مورفین، افیون، چرس میباشد. زیانهای بهداشتی مواد مخدر: اثرات سوء آن: اختلال در دستگاه مرکزی اعصاب و ناتوانی آن، ایجاد کند ذهنی، کودنی، سرگیجی، تنگی نفس، برونشیت و آمادگی ابتلا به بیماری سل که گاه منجر به مرگ می شود. و همچنین باعث بیماریهای قلبی، کندی تپش قلب و خفگی قلب شده و اثرات سوء بسیاری نیز بر دستگاه گوارش دارد از جمله از کار افتادن جگر که یکی از اعضای مهم این دستگاه است.

مواد مخدر از منظر قرآن و سنت

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنصَابُ
وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ...﴾ (المائدة: ۹۰)

"ای مومنان! شراب، قمار، سنگ های نصب شده برای پرستش و بخت آزمایی به وسیله تیرها پلید است از کردار شیطان بنابراین از آن دوری کنید تا باشد که رستگار شوید، بی گمان شیطان می خواهد تا به وسیله شراب و قمار دشمنی و نفرت را میان

یا صنعتی بکار برده شود و مصرف آنها باعث معتاد شدن و دگرگونی در سطح هوشیاری مغز شود.

فرق مواد مخدر با مسکرات: مسکرات مفهوم شاملتری نسبت به مواد مخدر دارد که همه چیزهای نشه آور را اعم از مایعات و جامدات دربر میگیرد، ولی مخدرات از دیدگاه فقها تنها به مسکرات جامده چون چرس، افیون نسوار، سگرت و... اطلاق میگردد.

۱- مواد مخدر طبیعی: که از نباتات بدست می آید مثل چرس، افیون (کونار)، نبات پان و تنباکو.

۲- مواد مخدر مصنوعی: مانند: مورفین، هیرویین و کوکائین که از مشتقات تریاک و خشخاش می باشند و اثرات سوء آنها نیز مانند دیگر مواد مخدر بسیار زیاد می باشد و بر تمام اعضای بدن اثر سوء دارد، و در بسیاری موارد منجر به مرگ می شود این نوع مواد مخدر با دو نوع بالا که از نباتات و یا شیره آن بدست می آید، ارتباطی نداشته و از بعضی مواد کیمیای ترکیب شده بدست می آید، ولی تأثیر آن همانند مواد مخدر طبیعی و مصنوعی می باشد مانند مواد خواب آور، ضد

عقل نعمت بزرگی است که پروردگار متعال در وجود انسان به ودیعه گذاشته و انسان بوسیله آن برسبیل خیر و فلاح هدایت میشود، و به عبادت پروردگار می پردازد، از آن حمات و حراست نمایید.

هموطنان متدین! در مبارزه علیه پدیده ای شوم مواد مخدر همگام شوید!

عقل خویش را مقهور لذا ید کاذب و خیالات نفسانی و شیطانی نسازید بر اصل ﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ (البقرة: ۱۹۵)
"خود را بدست خویش به تهلکه (هلاکت) نیندازید".

این آیت حفظ صحت بدن و عدم افگندن نفس را در هلاکت، بالای انسان واجب قرار میدهد.

تعریف لغوی: مُخَدَّر واژه عربی است که از کلمه "خَدَر" گرفته شده بمعنای ضعف سستی، نرمی و ناتوانی، وبه معنای سردی نیز آمده است.

تعریف اصطلاحی: هر مواد خام یا ساخته شده که دارای عناصر تحریک کننده یا تسکین دهنده که در غیر موارد طبی



شما ایجاد کند، و شما را از ذکر خداوند و از نماز باز دارد، پس آیا شما از این اعمال ناشایسته اجتناب نمی کنید؟!".

مواد مخدر انسان را از نماز و ذکر خداوند باز می دارد، و هر چیزیکه مانع عبادت شود مانند شراب است و فرقی میان آنها نیست مثل چرس، بنگ، هیرویین، افیون و غیره... بلکه زیان مواد مخدر بالاتر از شراب است؛ چون شیطان شخص معتاد به مواد مخدر را از نماز، ذکر خداوند، تلاوت قرآن کریم و همه عباداتی که به طهارت، و پاکی قلب و اخلاص ضرورت دارد، مانع واقع می شود، شخص معتاد به مواد مخدر، قادر به چنین اعمال نیک شده نمی تواند، چون خودش فاقد عقل و هوش است و فرقی میان پاکی و پلیدی، خوبی و بدی را کرده نمیتواند، و اینجاست که حکمت خداوند در مباح نمودن اشیای پاک و خوب، و حرام نمودن ناپاکی ها و پلیدی ها ثابت و هویدا میگردد.

از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: "کل مسکر خمر، وکل مسکر حرام" (۱) "هر چیز نشه کننده شراب است، و هر شراب حرام است".

طبق روایت ابو موسی اشعری رضی الله عنه: "کل مسکر حرام" (۲).

"هر چیز نشه کننده حرام است". مواد مخدر نیز مانند سایر اشیای نشه آور داخل این حکم بوده، بلکه اضرار و مفساد آن بیشتر از سایر چیزهای نشه آور است.

شیخ الاسلام امام ابن تیمیه در این مورد میفرماید: "وَقَوْلُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "كُلُّ مُسْكِرٍ خَمْرٌ وَكُلُّ خَمْرٍ حَرَامٌ يَتَنَوَّلُ مَا يُسْكِرُ. وَلَا فَرْقَ بَيْنَ أَنْ يَكُونَ

الْمُسْكِرُ مَأْكُولًا أَوْ مَشْرُوبًا ؛ أَوْ جَامِدًا أَوْ مَائِدًا". (۳)

"عموم فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله "هر نشه آور شراب، و هر نوع شراب حرام است" شامل تمام انواع مسکرات اعم از مایع و جامد میباشد".

حافظ ابن حجر: مخدرات را بخشی از مسکرات شمرده می فرماید:

"و استدل بمطلق قوله: "كل مسكر حرام" على تحريم ما يسكر ولو لم يكن شراباً، فيدخل في ذلك الحشيشة وغيرها". (۴)

"، علما از عموم فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله "هر نشه آور حرام است" استنباط نموده اند که هر آنچه نشه آور است، اگر چه آشامیدنی هم نباشد، حرام است، پس چرس و غیره در این حکم داخل میگردد".

نظر دانشمندان اسلامی در مورد مواد مخدر

۱- ابن عابدین حنفی رضی الله عنه میفرماید: "خوردن بنگ و چرس حرام است؛ زیرا هر آنچیزیکه به عقل خلل وارد نموده و آنرا برهم زند، جایز نیست" (۵)

۲- نووی در شرح المذهب نوشته است: "كل ما يزيل العقل من غير الأشربة والأدوية كالبنج وهذه الحشيشة... فحكمه حكم الخمر في التحريم". (۶)

"آنچه از نوشیدنی ها و ادویه که عقل را زایل کند، مانند بنگ و حشیش... حکمش مانند خمر، حرام است".

۳- شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله می فرماید: "وَأَمَّا "الْحَشِيشَةُ" الْمَلْعُونَةُ الْمُسْكِرَةُ: فَهِيَ بِمَنْزِلَةِ غَيْرِهَا مِنَ الْمُسْكِرَاتِ وَالْمُسْكِرُ مِنْهَا حَرَامٌ بِاتِّفَاقِ الْعُلَمَاءِ ؛ بَلْ كُلُّ مَا يُزِيلُ الْعَقْلَ فَإِنَّهُ يَحْرُمُ أَكْلُهُ وَلَوْ لَمْ يَكُنْ مُسْكِرًا ؛ كَالْبَنَجِ فَإِنَّ الْمُسْكِرَ يَجِبُ فِيهِ الْحَدُّ وَغَيْرِ الْمُسْكِرِ يَجِبُ فِيهِ التَّعْزِيرُ". (۷)

"اما چرس ملعون نشه آور، مانند دیگر اشیای نشه کننده بوده، و به اتفاق علما هر چیز نشه آور حرام است، بلکه

هر آنچیزیکه عقل را زایل و بی اختیار می نماید خوردن و نوشیدن آن حرام است، اگرچه در ذاتش از نشه کننده ها هم نباشد مانند بنگ، پس هر نشه آور سزاوار فرمان الهی (شلاق) و هر آنچیزیکه نشه آور نیست سبب تعزیر (سرزنش) می شود".

۴- شیخ عبدالمجید سلیم مفتی مصر می گوید: "و كيف تبيح الشريعة الاسلامية شيئاً من هذه المخدرات التي يلمس ضررها البالغ بالامة أفرادا و جماعات ماديا و صحيا و أدبيا؟ فتعاطي هذه المخدرات على أى وجه من وجوه التعاطي من أكل أو شرب أو شم أو احتقان حرام". (۸)

"چگونه اسلام مواد مخدر را مباح کند در حالی که ضررش به افراد و جامعه می رسد؛ اعم از آن که ضرر، بهداشتی یا مادی یا تربیتی باشد پس استفاده از آن به هر شکلی (خوردن، آشامیدن و بوئیدن) حرام است".

۵- علمای بزرگ عربستان سعودی به اتفاق آرا فتوا صادر نمودند که قاچاقبران مواد مخدر اعدام گردند، و ترویج دهندگان آن سرزنش شود، تا از شر آنها جلوگیری صورت گیرد. (۹)

حکم مواد مخدر

تردیدی در این نیست که خوردن، نوشیدن مخدر، بلعیدن، بوئیدن و یا تزریق آن حرام است؛ زیرا اسلام چیز هایی را چون خمر (شراب) با نص صریح و قطعی حرام کرده که فساد و زیان آن از فساد و زیان مواد مخدر کمتر است.

اگر نصی هم در این زمینه نمی بود، قانون دفع ضرر و سد ذرایع فساد به ما می گوید که: استفاده از مواد مخدر حرام است؛ زیرا ضرر بهداشتی، عقلی، روحی، تربیتی، اقتصادی



و اجتماعی آن مانند خمر بلکه بیشتر از آنست.

دلایل حرمت مواد مخدر از قرآن و سنت: ﴿وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبِيثَاتِ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾ (الاعراف: ۱۵۷)

" پیامبر ﷺ برای شان چیزهای پاک را حلال می گرداند و برای شان چیزهای پلید را حرام می سازد،

و بارهای سنگین شان، و طوقی را که برگردن شان است برمی دارد."

منظور از "طیب" هر چیز پاک و مفید در صحت، بدن و دین بوده، و مراد از "خبث" چیز های ناپاک، پلید و آنچه که زیان های جسمی و بهداشتی داشته باشد.

شیخ الاسلام ابن تیمیه چنین میفرماید: "وَمَنْ اسْتَحَلَ ذَلِكَ فَهُوَ كَافِرٌ يُسْتَأْتَبُ فَإِنْ تَابَ وَإِلَّا قُتِلَ كَافِرًا مُرْتَدًّا؛ لَا يُغَسَّلُ وَلَا يُصَلَّى عَلَيْهِ وَلَا يُدْفَنُ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ." ^(۱۱) "هر کس مواد مخدر را حلال بشمارد، او مرتد است و از او خواسته میشود که توبه کند، اگر توبه نکرد بعنوان مرتد کشته می شود، نه او را غسل داده می شود، و نه بر او نماز جنازه خوانده میشود و نه در قبرستان مسلمانان دفن می گردد."

زراعت مواد مخدر

زراعت حشیش، تنباکو و خشخاش به قصد استخراج مواد مخدر برای مصرف و تجارت روی هر انگیزه ای بوده باشد، حرام است

امام طبرانی از بریده با سند حسن روایت کرده است که پیامبر خدا فرمود:

"من حبس الغب ایام القطاف حتی یبعه من یهودی او نصرانی او ممن یتخذہ خمرًا فقد تقحم النار علی

بصيرة". ^(۱۱)

" کسیکه انگور را در وقت رسیدن وچیدن آن نگه دارد تا به یهودی یا نصرانی و یا به کسی بفروشد که قصد دارد از آن شراب بسازد، او خود را آگاهانه در آتش دوزخ انداخته است."

تجارت و قاچاق مواد مخدر

۱- حدیث جابر ﷺ از رسول الله: " إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ بَيْعَ الْخَمْرِ وَالْمَيْتَةِ وَالْخَنْزِيرِ وَالْأَصْنَامِ : " قاتل الله اليهود إن الله عزوجل لما حرم عليهم شحومها أجملوه ثم باعوه فأكلوا ثمنه" ^(۱۲)

" به تاکید خداوند فروش شراب لاشه مردار، خنزیر- خوک- و بت ها را حرام نموده است... خداوند یهود را هلاک کند، که چربی را بر ایشان حرام نمود سپس آنرا فروختند و از پولش استفاده نمودند."

پولیکه از طریق زرع، تجارت و قاچاق آن بدست می آید، حرام و خبیث است،

رسول الله: " إذا خرج الحاجُّ حاجًّا بنفقةٍ طيبةٍ ووضع رجله في الغرَزِ فنَادَى لبيك ناداه منادٍ من السماء لبيك وسعديك زأذك حلالٌ وراحلتك حلالٌ وحجُّك مبرورٌ غيرُ مأزورٍ وإذا خرج بالنفقة الخبيثة فوضع رجله في الغرَزِ فنَادَى لبيك ناداه ملكٌ من السماء لا لبيك ولا سعديك زأذك حرامٌ ونفقتك حرامٌ وحجُّك غيرُ مبرورٍ". ^(۱۳)

"هرگاه کسی با مال حرام بقصد زیارت خانه خدا و انجام حج راه افتاد، و پا در رکاب نهاده دعای ویژه حج را خوانده گفت: خدا یا! در خدمت تو حاضر و آماده ام. فرشته ای از آسمان او را ندا در دهد که: توشهء تو حرام است، و مصارف تو از راه حرام است؛ بناءً این بخدمت آمدن و سعادت خواستن تو قبول نیست، و

حج تو مردود است."

هموطنان عزیز!

بیائید در مبارزه علیه محو مواد مخدر این پدیده شوم نقش اثرگذار دفاع از کیان خانواده و اجتماع اسلامی خویش را اداء نماسید اجازه ندهید که قاچاق بران مرگ جوانان مارا به دام تزویر خویش درآورند و بسوی تبایی سوق شان دهند. از مردم، اجتماع، جوانان و سرزمین خود حراست و حمایت کنید، بامعتادین به مثابه مریضان برخورد اسلامی بدارید.

چه خوب تعبیری می نمایدحضرت شیخ مصلح الدین "سعدی ^(علیه الرحمة)"

بنی آدم اعضای یک دیگر اند

که در آفرینش زیک گوهر اند

چو عضوی بدرد آورد روزگار

دگر عضو ها را نماند قرار

توکز محنت دیگران بیغمی

نشاید که نامد نهند آدمی

ماخذ:

- ۱- متفق علیه .
- ۲- متفق علیه .
- ۳- مجموع الفتاوی ج-۳۴ ص ۲۰۴ .
- ۴- فتح الباری شرح صحیح البخاری-ج-۱۰ ص ۱۰۵ .
- ۵- ردالمحتار علی الدرالمختار-ج ۴ ص ۲۴ .
- ۶- المجموع شرح المذهب-ج ۳ ص ۸ .
- ۷- مجموع الفتاوی ج-۳۴ ص ۲۰۴ .
- ۸- الفقه السنة-ج ۲ ص ۳۸۴ .
- ۹- مجلة البحوث الاسلامیه ۸۷/۱۲ سال ۱۴۰۵
- ۱۰- مجموع الفتاوی ج-۳۴ ص ۲۱۰ .
- ۱۱- البیهقی فی شعب الإیمان (۱۷/۵) ، رقم (۵۶۱۹)
- ۱۲- متفق علیه.
- ۱۳- المعجم الاوسط {۵-۲۵۱ .

حق دسترسی زنان به میراث از نظر فقه اسلامی

قسمت اول:

محمدعارف مصلح

مقدمه: از روزیکه انسانها مفهوم مالکیت را درک نمودند و زندگی اجتماعی میان آنها شکل گرفت رقابت ها نیز بخاطر تصاحب و کسب مالکیت آغاز گردید ولی در جوامع متمدن و غیر متمدن قبل از اسلام این مصادره تابع زورمداری بود و هرکس به هر اندازه زورمندتر می بود به همان اندازه مستحق تصاحب و مالکیت پنداشته می شد ولی مسلماً در چنین جوامع قشر ضعیف و ناتوان بخصوص زنان و کودکان از حقوق مسلم خود محروم قرار می گرفتند اما خوشبختانه با آمدن دین مقدس اسلام و درخشش آفتاب تابناک نبوت و بعثت آخرین پیام آور الهی نه تنها اینکه بزرگترین و مهم ترین حق گرفته شده از زنان یعنی حق حیات و زنده ماندن را برای آنها اعاده نمود بلکه این قشر محروم و بی اراده را که قبل از ظهور اسلام بمثابه مال و متاع مملوک از شخصی به شخصی دیگر به ارث برده می شد و هیچ نوع حق اراده و مالکیت را نداشت، دین مقدس اسلام به آنها هم حق اراده و تصمیم گیری را در امور ذاتی مربوط به آنها و هم حق تصرف و مالکیت را در مایملک آنها برای ایشان تفویض نمود و به اساس ارشادات دین مبین اسلام یکی از حقوق مهم مالی خانم ها همانا حق وراثت آنها است که بعد از وفات یکی از اقارب ایشان به آنها تعلق میگیرد و آن حق درین آیه مبارکه سوره النساء به صراحت بیان شده

است:

﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا﴾ النساء: ۷

یعنی برای مردان سهم معین است از متروکه والدین و اقاربشان و برای زنان نیز سهم معین است از مال متروکه والدین و اقارب آنها کم باشد مال متروکه و یا بسیار این سهم تعیین شده است از جانب الله ولی جامعه ی که ما در آن زندگی داریم همچو جوامع دیگری بشری متاثر از عوامل گوناگون میباشد منجمله عمیقاً سنتی بودن جامعه ما و حاکم بودن رسوم و عنعنات که ریشه در اطاعت محض از اندیشه گذشته گان دارد و این رسوم مروجه دارای تاثیرات مثبت و منفی در جامعه میباشد ولی بعضی از آنها باوجود نفوذ و رسوخشان در جامعه در مخالفت صریح بافرهنگ عالی و دساتیر ولاء دین مقدس اسلام قرار دارند لذا با وجود مخالفت صریح این رسوم تغییر دادن آن ها نیز چالشهای فراوان را به همراه دارد و نمونه بارز این نوع رسوم مذموم رایج در جامعه کم رنگ بودن دست رسی زنان به حق ارث و عار و ننگ پنداشتن مطالبه این حق از سوی اکثریت قاطع مردم جامعه است که اکثریت مطلق مردم نه حق ارث به زنان قایل اند و نه هم آنها را مالک و صاحب اراده در اخذ و مطالبه این حق مسلم ایشان میدانند لذا درین رساله کوچک تلاش خواهد شد تا این حق شرعی زنان در روشنائی ادله شرعی بیان گردد تا

بدین وسیله شاهد تغییر مثبت در جامعه خود در خصوص حق ارث زنان باشیم.

حق ارث زنان از نظر اسلام و مقایسه آن با

شرايع قدیمه و قوانین جدیده

هرگاه بخواهیم که حقوق و جایگاه زن را در اسلام بشناسیم لازم است تا مرور داشته باشیم به جایگاه زن در تمدن های قبل از اسلام و قوانین معاصر که بیشتر دفاع از حق زن را ابزار تجارتي بخاطر بدست آوردن اهداف پنهانی خود قرار داده اند در حالیکه تا گذشته های نه چندان دور در همین قوانین وضعی زن بمثابه متاع تجارتي مملوک مطلق مرد قرار داده شده بود که مرد حق هر نوع تصرف حتی فروش آن را داشت و در قانون مدنی فرانسه که برای قوانین وضعی حیثیت مادر قوانین را دارد تا سال ۱۹۳۸ زن را مثل شخص مجنون و دیوانه و طفل نابالغ قاصر

التصرف پنداشته بود و به

اساس همین قانون زن حق هیچ نوع تصرف و مالکیت را نداشت و همچنان در تمدن مشهور یونانی و رومی نیز زن به عنوان یک مخلوق مسلوب الحریة نه جایگاهی مهم داشت و نه هم از هیچ نوع حقوق مدنی و انسانی خود بر خوردار بود بلکه بمثابه یک مملوک مطلق و بی اراده که دیگران حق تصرف و تصمیم گیری در



باره آن را داشتند و در ادیان منحرف یهودیت و مسیحیت نیز نه تنها اینکه حقوقی برای زن ها قائل نبودند بلکه آن ها را یک مخلوق منحوس و عامل بدبختی های فراوان برای انسانیت می پنداشتند و در نزد اعراب جاهلیت نیز زن ها یک قشر محکوم و محروم بودند که نه مستحق حق میراث و مالکیت دانسته می شدند و نه هم برای مطلقه بودن آنها در طلاق حد معین بود و نه هم برای مردان تعداد زوجات معین بود بلکه مردان بودند که تصمیم می گرفتند که چگونه در باره زنان تصمیم بگیرند بناءً این همه محرومیت را که قشر زنان در جوامع مختلف به آن دست و گریبان بودند با نزول آخرین پیام الهی و بعثت آخرین پیام آور آن عظمت و جایگاه از دست رفته زنان احیاء گردید و زنان مساوی با مردان در حقوق و جایب و مکلفیتهای قرار گرفتند چنانچه رسول الله میفرماید:

{ انما النساء شقائق الرجال } یعنی زنان امثال گل های خوشبو برای مردان اند لذا از همه حقوق و جایب که مردان برخوردار اند زنان نیز باید از آن حقوق مستفید گردند و برای اولین بار بود که ولادت دختری را در خانواده باعث خیر و برکت و تعلیم و تربیه سالم آن را تضمین کننده از زبان رسول خدا جنت قرار داده شد و بخاطر تنظیم امور خانواده و مسدود نمودن ساختن مجرای های مظالم علیه زنان حد برای طلاق و جدایی خانمها تعیین گردید و تعداد مشخص از خانمها برای مردان مجاز قرار داده شد و همچنان با کشیدن خط بطلان بر رسم و رواج زمانه جاهلیت حق وراثت حق تعلیم و حق تملیک و تصرف برای خانمها داده شد که آنها خود در مورد خود و مال خود تصمیم می گرفتند نه اینکه منتظر تصمیم دیگران باشند تا تصمیم دیگران بر آنها خواسته و یا ناخواسته تحمیل گردد و این



بزرگترین عزت و حق بود که زنان به آن نایل گردیدند.

دلایل مشروعیّت میراث زنان: همانطوری که حق ارث برای مردان از مصادر اصلی شرع متین اسلام ثابت است حق وراثت برای خانمها نیز از همین منابع و مصادر شرعی { کتاب الله سنت اجماع } ثابت است و اولین اصل از اصول شرع همانا کتاب الله است که در آن به همین مناسبت یک سوره مکمل از قرآن کریم بنام سوره زنان نام گذاری شده است که بیشترین مباحث مذکور در آن را احوال و احکام مختص به زنان تشکیل میدهد و در همین سوره در آیات متعددی احکام میراث زنان نیز بیان گردیده است از جمله آیه مبارکه هفتم سوره النساء ﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا﴾ النساء: ۷

این اولین حکم الهی بود که بخاطر محو و باطل نمودن عنعنه مذموم دوره جاهلیت در امر میراث نازل شد که عرب های زمان جاهلیت مستحق میراث تنها مردان توانمند را میدانستند و اطفال نابالغ و زنان را مستحق متروکه و میراث نمی دانستند زیرا اینها قادر به مشارکت در جنگ ها نبودند و وقتی که بعد از وفات شخصی بنام او پس بن ثابت انصاری متروکه آن را برادرانش تصاحب میکنند و دختران یتیم آن دست خالی می مانند مادر آنها نزد رسول الله این شکایت را تقدیم میکند: { إن لی ابنتین، و قد مات أبوهما، و لیس لهما شیء } یعنی دو دختر یتیم دارم و هیچ چیز برای آنها از میراث پدرشان داده نشده است بعد از شنیدن این شکایت هنوز پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ چیزی به زبان نیاورده بود که الله متعال در عرش معلی این داعیه دختران مظلوم و مادر رنج دیده آنها را شنید و بخاطر دفاع از حق آنها و هزاران دختر مظلوم دیگر تا به روز قیامت باین پیام عدالت محور و نوید بخش، جبرئیل امین ﷺ را نزد رسول الله میفرستد که در آن زنان مثل مردان با تفاوت سهم آنها در احوال

مختلف مستحق حق ارث از اقاربشان قرار گرفتند و بر عنعنه زمان جاهلیت برای همیش خط بطلان کشیده شد و همچنان در آیات متعدد دیگر نیز حق ارث زنان چه مادر باشد یا خواهر باشد و یاهم دختر و همسر ذکر شده است و به پرداخت و تادیه آن تاکید صورت گرفته است، و همچنان رسول الله در موارد متعدد قضایای مربوط به احکام میراث زنان را فیصله نموده و به صراحت چنین فرموده اند: { ألحقوا الفرائض بأهلها فما بقي فهو لأولی رجل ذکر } یعنی میراث را برای اصحاب فرائض چه زن باشد و یامرد بدهید و چیزی که بعد از سهم اصحاب فرائض باقی مانده باشد به قریبی ترین عصبه تعلق میگیرد، درین حدیث رسول الله به صراحت برای همه امت دستور داده اند تا حق ارث را برای اصحاب فرائض که بیشتر آنها را خانم ها تشکیل میدهد بدهند و اگر بعد از اداء حق اصحاب فرائض مالی از متروکه میت باقی بماند آن به عصبیات حسب ترتیب تعلق میگیرد. و همچنان در حدیثی دیگر رسول معظم اسلام ﷺ با شدید ترین الفاظ کسان را مورد نکوهش قرار میدهند که از اداء این حق اباء می ورزند و یا به نحو تلاش ضایع نمودن آن را میکنند چنانچه رسول الله میفرماید: { و عن أنس، قال: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: ((من قطع میراث وارثه؛ قطع الله میراثه من الجنة يوم القيامة)). رواه ابن ماجه } یعنی کسیکه حق وراثت یکی از وارثین خود را قطع و ضایع کند الله ﷻ حق میراث آن را از جنت در روز قیامت قطع میکند، و این شدید ترین وعید و نکوهش است برای یک مسلمان که بخاطر متاع چند روزه سرمایه ابدی خود را از دست میدهد.

و همچنان اجماع اصحاب کرام و تابعین عظام در تعیین حق جده به ششم حصه از میراث خود نشان دهنده ثبوت و اهمیت مسئله حق وراثت زنان نزد بزرگترین انسانها این امت است.

حکمت مشروعیّت میراث زنان:

بزرگترین حکمت اثبات حق وراثت

همانا ابطال عنعنه و رسم باطل دوره جاهلیت است که آنها نه تنها اینکه زنان را مستحق حق میراث نمی دانستند بلکه بیوه یک شخص میت را جزء متروکه آن پنداشته خود را مالک و صاحب اختیار در حق آن میدانستند و زن بیوه شده هیچ نوع اراده و تصمیم از خود نداشت بلکه دیگران بودند که در مورد آن تصمیم می گرفتند ولی الله رب العزت این ظلم و اهانت که از قدیم بالای زنان جاری و حاکم بود را باطل نمود و زنان را مثل مردان مالک حق وراثت حق مالکیت و صاحب اختیار و اراده قرار داد و همه تصامیم ظالمانه که در آن اهانت به کرامت انسانی زنان بود را مردود دانست چنانچه در آیه مبارکه {۱۹} **سورة النساء** چنین ارشاد میفرمایند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا﴾ النساء: ۱۹

یعنی ای اهل ایمان برای شما حلال نیست که شما زنان بیوه را به جبر و اکراه به وراثت ببرید، این دستور و پیام مهم الهی در جامعه عقب مانده اعلان گردید که محروم ترین قشر آن جامعه را زنان و دخترانی تشکیل میداند که از اساسی ترین حق خود یعنی حق زنده ماندن محروم بودند و ولادت دختری در خانه یی باعث نفرت و انزجار پنداشته می شد ولی با طلوع خورشید درخشان نبوت و بعثت آخرین پیام آور الهی نه تنها اینکه ولادت دختران را درخانه مایه خیر و سعادت و تربیت سالم آنها را تضمین برای جنت قرار داد بلکه آنها را من حیث یک انسان باکرامت مالک حق ارث و تصرف و صاحب اراده و اختیار در امور ذاتی آنها قرار داد لذا در اثبات حق ارث برای زنان در حقیقت تکریم و تعظیم آنها من حیث یک انسان باکرامت است.

حقوق متعلق به ترکه میت:

بعد از وفات یک شخص چهار حق به مال متروکه وی تعلق میگیرد که

عبارت ازینها اند:

۱- **تجهیز و تکفین میت:** بعد از وفات یک شخص اولین مصرف که متوجه مال متروکه وی میگردد مصرف تجهیز و تکفین میت است که باید بدون تبذیر و تقتیر از مال متروکه وی پرداخته شود.

۲- **قضاء دیون:** بعد از پرداختن مصارف تجهیز و تکفین دومین مصرف که از متروکه میت باید پرداخته شود اداء نمودن قرضهای است که بالای میت از دیگران است.

۳- **تنفیذ وصایا:** بعد از مصارف قبلی ذکر شده سومین حقی که به متروکه میت تعلق میگیرد اجراء و نافذ نمودن وصیتهای است که میت در حیات خود نموده است البته این تنفیذ از ثلث مابقیه متروکه میت صورت میگیرد.

۴- بعد از پرداخت مصارف قبلی ذکر شده مابقیه متروکه در میان وارثین میت حسب مراتب آنها با در نظر داشت قواعد علم فرائض تقسیم میگردد.

انواع وارثین: وارث بر دوتنوع است

۱- **وارث بطریق فرضیت** یعنی وارث که سهم آن در کتاب الله یا در سنت رسول الله و یا هم به اجماع معین و مقرر شده باشد.

۲- **وارث بطریق عصبه** بودن یعنی وارث که سهم معین برای آنها در کتاب الله ذکر نشده باشد بلکه بعد از اداء سهم ذوی الفروض مابقیه مال متروکه میت به آنها تعلق میگیرد و در صورت نبودن ذوی الفروض همه متروکه به آنها تعلق میگیرد. ولی بخاطر تکریم و تعظیم زنان و حفظ حقوق آنها بیشتر سهم وراثت آنها از طریق فرضیت است نه از طریق عصبه بودن زیرا عصبه همیشه مابقیه حق دیگران را میگیرد و اگر زنان بیشتر عصبه میبودند و سهم معین نمی داشتند باز در تعیین سهم آنها از سلیقه ها کار گرفته می شد و دیگران در تعیین حق آنها مداخله میکردند با در نظر داشت همین حکمت بیشترین تعداد اصحاب فرائض را زنان تشکیل میدهد نه مردان تا حق آنها از هر نوع دست برد

مصئون بماند.

شرایط وراثت: سه چیز برای اثبات حق وراثت شرط قرار داده شده است که برای اثبات حق وراثت هر مرد و زن بودن این شرائط لازم است.

شرط اول { تحقق موت المورث اوالحاقه بالاموات حکما } یعنی کسیکه مال آن ترکه میگردد به یقین مرگ وی ثابت شده باشد و یا حکما توسط محکمه ذی صلاح میت قرار داده شده باشد مثل مفقود.

شرط دوم { تحقق حیاة الوارث حین موت المورث } یعنی شخصی که ادعاء وارث بودن را میکند باید حیات و زنده بودن آن در وقت مرگ مورث به یقین ثابت باشد.

شرط سوم { العلم بمقتضى التوارث } یعنی جهت ثبوت وراثت معلوم باشد که قرابت است نکاح است و یا ولاء.

بحث دوم اسباب وراثت: اسباب ثبوت وراثت سه چیز است.

سبب اول { النکاح } عقد صحیح ازدواج یکی از اسباب ثبوت وراثت است که زوجین بعد ازین عقد وارث یکدیگر خود میگردند.

سبب دوم { الولاء } این عصبوت است که به سبب آزاد نمودن برای شخص آزاد کننده ثابت میگردد.

سبب سوم { النسب } یکی از اسباب ثبوت وراثت نسب است یعنی اتصال بین دو شخص است از اشتراک در ولادت قریبه و یا بعیده بدست می آید.

بحث سوم موانع در وراثت: موانع ارث سه چیز است.

۱- **الرق.** یعنی غلام بودن.

۲- **قتل.** یعنی به ناحق وارث مورث خود را طوری بکشد که به قتل آن قصاص دیه و یا کفاره لازم گردد.

۳- **اختلاف الدین.** یعنی اگر دین وارث مغایر دین مورث باشد وارث یک دیگر نمی گردند مثل مسلم و غیر مسلم.

... ادامه دارد



شورا و انتخابات در اسلام

مولوی عبدالمعین

مشورت کردن یکی از اساسات و زیربنای مهم حکومت و اداره در اسلام است. زیرا از یک طرف حق مردم برای ایشان رجعت داده می شود و مردم با مشارکت در پروسه سیاسی و اداری احساس بی طرف و بی میلی نه می کنند و در نتیجه با نوعی رضایت و قناعت که برای آنان پیش می آید از اداره حمایت و پشتیبانی خواهند کرد. از طرف دیگر بدین وسیله نه تنها جلوگیری از استبداد فردی و گروهی گرفته میشود بلکه باعث بهبود کارها و کارآیی پلانها و عدم لغزش دستگاه نیز می گردد. در باره شورا و ارزش مشورت بهتر است به مراجع در اسلام مراجعه کرد تا دیده شود که در اسلام چگونه از این موضوع یاد آوری شده و در کدام سطح از تاکید و اهمیت برخوردار و تطبیق عملی آن در جامعه از چه قرار است؟



اولاً در قرآن:

در قرآن کریم از شورا به صراحت ذکر گردیده و یکی از سوره های آن نیز به نام شورا نام گذاری شده است که بدون شک اهمیت آنرا تبارز می دهد. قرآن کریم پیغمبر اسلام را بسیار به صورت آشکارا و



روشن به مشورت کردن امر می دهد و می گوید: ﴿فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ.....﴾ ^{آل عمران: ۱۵۹} پس از ایشان در گذر و آنانرا مورد عفو قرار داده و برایشان آموزش بخواه و در این کار با آنان مشورت کن.

در سوره شورا حین شمارش و ذکر مجموعه از صفات و محاسن، صحابه کرام و جامعه اسلامی وجود شوری در بین مردم و صفت مشورت کردن در جمله آنها من باب مدح و تمجید آنان ذکر شده که می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَخِشَوْنَ كَثِيرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ وَإِذَا مَا عَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ.....﴾ ^{الشوری: ۳۷ - ۳۸}

و همچنین برای کسانی که از گناهان کبیره و ناشایسته پرهیز می کنند و چون خشمگین شوند گذشت می نمایند و کسانی که ندای پروردگار شان را استجاب کرده اند و نماز را بر پا داشته اند و کار شان مشورت و رایزنی با همدیگر است. در قرآن کریم در مورد اشارت و یاد آوری از قصه بلقیس، ملکه سبا از مشورت آن زمامدار عتقل منحث تایید و تاکید و حسن اداره چنین آمده است: ﴿قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا فُؤُؤَ وَأَوْلُوا بِأَمْرِ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانْظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ﴾ ^{النمل: ۳۲ - ۳۳}

ترجمه: بلقیس گفت: ای بردگان در کارم به من نظر دهید، چرا من هیچ کاری را از پیش نبرده ام مگر آنکه حتی در نزد من حاضر و ناظر بوده اید، گفتند: ما نیرومندان ورزم آوران سهمگینی هستیم و حکم و فرمان از آن تو است بنگر که چه می فرمایی.

در آیات فوق در امور اجتماعی و دولت داری اگر به مشورت کردن امر شده و تشویق صورت گرفته در جای دیگری از قرآن کریم مشورت را حتی در اولین خشت زیر بنایی جامعه انسانی یعنی امور خانواده و تربیت کودک در تنظیم شیر خورده گی مورد تحسین و تاکید قرار داده رضایت و قناعت و مشوره مادر و پدر را بصورت مساوی و صریح در امر تربیت طفل شرط می گذارد و می فرماید:

﴿فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ وَشَاوِرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا.....﴾ ^{البقرة: ۲۳۳}

پس اگر به توافق و مشورت در میان خود قصد از شیر گرفتن فرزند را (پدر و مادر) کردند گناهی بر آنان نیست. این گفته خداوند در پی ذکر موضوع شیر دادن به این گونه آمده: و مادران و فرزندان شانرا دو سال کامل شیر دهند این برای کسانی است که بخواهد دوران شیر خواری را به حد کمال برسانند و خوراک و پوشاک آنان

در حد عرف و رواج بر عهده پدر است هیچ کس جز به اندازه توانش مکلف نمی شود هیچ مادری نه باید به خاطر فرزندش رنج ببندد و نیز باید پدر بخاطر فرزندش رنج بکشد وارث و سرپرست نیز همین حکم را دارد. پس اگر (پدر و مادر) به توافق و مشورت خودشان قصد از شیر گرفتن فرزند را کنند گناهی بر آنها نیست در باره اصل مشورت و مشارکت دادن مردم در جریان امور فرمایشات و رهنمایی قرآن کریم چنانچه گفته شود روشن است و هیچ جای برای تردید باقی نمی گذارد در سنت پیامبر اسلام موضوع بیشتر روشن می گردد، چنانچه در حدیث آمده است: حضرت پیغمبر فرمودند: (ما شقی بمشوره و ماسعد باستغنا رای) یعنی هیچ بنده با مشورت به بدبختی نه رفته و به شقاوت مبتلا نگردیده و هرگز کسی به استبداد رای به سعادت دست نیافته و بدون شک ((روحیه مشورت پسندی و شورا گرایی از عوامل مهم موفقیت است و مشوره گریزی مشاورین و به راه انداختن رایزنی های کاذب در جامعه می نهد. زیرا هیچ دستگاه استبدادی نیست که دستگاه مشورتی نداشته باشد. یا تعدادی از مشاوران را در آن پیدا نکرده مگر همه کاذب و فریبنده در حدیث دیگر آمده که حضرت رسول ﷺ فرمودند: (من استشار اخاه فاشار علیه بامر و هویری الرشد غیر ذالک فقد خانه). سند امام احمد. کسی از برادر خود مشورت خواست و او برایش مشورت داد در حالیکه درستی کار را در غیر آن می داند. در این صورت این مشاور مرتکب خیانت گردیده است. فلهمذا در مورد دیگری گفته اند: المستشار موثمن، یعنی مستشار باید امین باشد. اهمیت شورا درست پیغمبر خیلی ها روشن است و عمل آن حضرت شاهد بزرگ است، چنانچه در حدیث آمده

که حضرت ابو هریره می گفت: من کسی را سراغ ندارم که به اندازه حضرت پیغمبر به مشورت کردن با همکارانش علاقه و یا پابندی داشته باشد (ترمذی) در کتب سیرت آمده که آن حضرت ﷺ با اصحاب کرام در امور عام و خاص و به صورت جمعی و فردی همیشه رای زنی و مشورت می نمودند. می توانیم شورا را یک امر لازمی در سیرت بزرگان اسلام بدانیم چه در صلح و اداره و چه در جنگ و سوقیات آن.

مشورت را در ذات رسالت پناه در جنگهای بدر، احد و حتی در قضیه افک شهرت دارد جنگ خندق و نقش سلمان فارسی در نحوه برخورد با هجوم عمومی و محاصره مدینه منوره از چهار طرف ثبت تاریخ است در آن واقعه پیغمبر ﷺ فیصله کرد تا اطراف مدینه خندقی بزرگ حفر گردد تا در دفاع از مدینه کاری به پیش برده شود همین فیصله بنا بر پیشنهاد سلمان فارسی بود. امام بخاری می گوید: پیشوایان و رهبران مسلمان بعد از رسول ﷺ با نخبه گان از اهل دانش و فکر در امور مباح جهت سهولت در کارها همیشه مشورت می کردند، جز مواردی که کتاب و سنت در آن آشکارا می بود (صحیح بخاری کتاب اعتصام بالسنه) جانشینان پیغمبر از مشورت و اخذ آرای مردم هیچ گاه سرباز نمی زدند. قضیه جانشینی و خلافت بعد از رحلت پیامبر خدا به رایزنی و مشورت حل و فصل گردید. درباره مشورت واقعاً کتب سیرت و تاریخ اسلامی گفتنی های زیادی دارد که کوچک ترین غموض و اشتباه را در مهم بودن به جا نه میگذارد. اما مساله انتخابات و رای گیری و رای دهی در دنیای امروزی ما از چه قرار است و اسلام در این موضوع چه می گوید و چگونه موضع گیری دارد؟ این قضیه به عقیده بسیاری از

دانشمندان با هوش و پژوهشگران با درک و با فهم نحوه از تنظیم شورا و تطبیق عملی آن می باشد. و این فهم با ظواهر متون اسامی و جریان حوادث تاریخی سازش و توافق آشکارا دارد، زیرا در اسلام و منابع تشریح آن تاکید بر اصل مشورت و اقامت و برپاداشتن شورا دیده می شود و از امانت در مشورت دادن و ابراز نظر و آزادی بیان و التزام و قبول شوری سخن گفته شده اما چگونگی انجام آن و پیاده کردن ارزش شوری در جامعه و در نحوه اداره و سیاست همه تقریباً سکوت عنه قرار گرفته گویا گویا این جانب قضیه بدون تعین و تجدید و تشخیص باز گذاشته شده تا هر جامعه در نحوه تعامل و اجرای آن آزادی داشته باشد و مطابق شرایط زمانی و مکانی آنرا انجام دهد و این حقیقت از مزایای اسلام به شمار می آید. اما اینکه آیا شورا و التزام به آن و قبول نتایج آن لازم است و یا نه؟ باید گفت: شورا اگر ملزم نباشد و طرف و یا طرفها در برابر نتیجه آن احساس مسولیت و مکلفیت نداشته باشد دیگران در حقیقت سورا نخواهد بود از همین جا است که بسیاری از فقها گفته اند که: شورا واجب است و عمل به آن هیچگاه کمتر از واجب نخواهد بود. قرطبی در تفسیر خود ۱۶۱/۴ نقل می کند: شورا از اساسات شریعت و احکام عزیمتی می باشد حاکمی که با اهل علم و متدین مشورت نکند عزل و برطرفی آن واجب است و در این حکم هیچ اختلافی وجود ندارد.



جبران خساره از دیدگاه فقه و قانون

قسمت دوم و آخر:

فیض الله خواجه امانی

الف- مبانی فقهی جبران خساره ضرر معنوی:
با توجه به مفاد سوره بقره آیه (۲۳۳) که جمله (لا تضار) به آن تذکر داده شده به این نتیجه می‌رسیم که دو احتمال وجود دارد که در هر دو احتمال زیان رساندن مورد نهی قرار گرفته چنانچه می‌فرماید که: "مادر نباید به خاطر اختلاف با شوهر به فرزند خود لطمه بزند و پدر هم نباید به خاطر زوجه خود به فرزند خود صدمه برساند و به همین ترتیب..."
همچنین در آیه (۲۳۱) سوره بقره آمده است که: "هرگاه زنان خویش را طلاق دادید و عده‌ی (عدت) آنها به پایان رسید یا به نیکی به آنها رجوع کنید و یا آنها را رها سازید، و بقصد زیان رساندن، آنها را نگاه ندارید."

سنت:

در سنت پیامبر نیز جبران خساره معنوی وجود دارد چنانچه از زمخشری نقل شده است که:
"پیامبر ﷺ علی را فرستاد تا دیه‌ی قومی را که مورد تعرض خالد بن ولید قرار گرفته بودند، بپردازد."

علی حتی عوض، ترسی را که در اثر هجوم اسب‌ها بر زنان و کودکان عارض شده بود پرداخت که این عملکرد در واقع جبران خساره ضرر معنوی می‌باشد.



دیگر موضوع قاعده لاضرر است چنانچه آمده که (لا ضرر ولا ضرار) یعنی نه ضرر برسان و نه ضرر ببین که این خود بیانگر نفی ضرر است چه معنوی باشد یا مادی و اگر ضرر هم می‌رسد باید مطابق این قاعده جبران شود. چنانچه عده‌ای از علما فرموده‌اند که قاعده لاضرر اثبات بر حکم می‌کند زیرا عقل هم این حکم را می‌کند که وارد کننده ضرر باید خساره وارده را جبران کند.

شیخ انصاری نیز مفاد قاعده لاضرر را نفی حکم ضرری میداند ولی در نهایت اظهار میدارد که حکم عدمی، مستلزم احکام وجودی است. به عباره دیگر حکم به عدم ضمان، مستلزم ورود ضرر به زیان دیده است و روشن است با توجه به عام بودن حدیث و قاعده لاضرر، باید حکم به ضمان کرد.

ب - مبانی قانونی جبران خساره:

بعضی‌ها به این نظر اند که حیثیت برباد رفته و درد و الم احساس شده قابل جبران نمی‌باشد، چون قابل تقویم نیستند، و اگر به پول هم تقویم شود نوع از اهانت به شخص زیان دیده می‌باشد.

اما امروز عده‌ای از علمای حقوق به این نظر اند که جبران هرگونه ضرر مادی و معنوی ممکن است، تنها پول نیست که بواسطه آن جبران خساره نمود بلکه راه‌های دیگری نیز وجود دارد که میتوان

تأمین خرسندی معنوی نمود. لکن این خرسندی قادر نیست اندوه را از بین ببرد ولی همان اندازه که الام روحی را تسکین دهد کافی است: ماده (۷۷۸) قانون مدنی در زمینه چنین صراحت دارد:

"(۱) جبران خساره شامل سنجش ضرر معنوی نیز می‌باشد.

(۲) اگر به سبب وفات شخصیکه مورد تعدی واقع گردیده، ضرر معنوی به زوج و اقارب وی عاید گردد، محکمه می‌تواند برای زوج و اقارب تا درجه دوم به جبران خساره حکم نماید.

(۳) جبران خساره ناشی از ضرر معنوی، بغیر انتقال نمی‌کند، مگر اینکه مقدار آن به اساس موافقه طرفین و یا حکم قطعی محکمه تعیین شده است.

همچنان در رابطه به جبران خساره جرم شکنجه و حق دسترسی به جبران خساره در ماده (۱۷) قانون منع شکنجه چنین تذکر داده شده است:

(۱) متضرر شکنجه مستحق جبران خساره از طرف دولت می‌باشد.

(۲) جبران خساره به مفهوم فقره (۱) این ماده شامل موارد ذیل می‌باشد.

۱- ضمانت منافع متضرر و اقارب وی به شمول باز گرداندن ملکیت‌های مصادره شده، اعاده حقوق تقاعد و اعاده وظیفه، مگر اینکه محکمه وی را مطابق احکام قانون، به طرد مسلک

یا وظیفه محکوم نموده باشد.
۲- التیام مبنی فراهم نمودن زمینه تأمین خدمات طبی، روانی، حقوقی واجتماعی.

۳- ضمانت مبنی بر عدم تکرار تعدیل قوانین، پالیسی ها، اصلاح نهاد ها وبرگزاری برنامه های آگاهی دهی و آموزشی در رابطه به ترویج روحیه جلوگیری از شکنجه.

۴- پرداخت جبران خساره اعم از خساره ناشی از ضرر جسمی یا روانی، فرصت های از دست رفته به شمول کار، تحصیل وسایر منافع، زیان مالی، وزیان در عواید ومصارف مورد نیاز برای مساعدتهای حقوقی، مادی، طبی، روانی واجتماعی.

ماده (۱۸) قانون مذکور در مورد مراجع جبران خساره که آیا کدام ارگان میتواند موضوع جبران خساره را به بررسی بپذیرد چنین صراحت دارد:

" متضرر میتواند دعوای جبران خساره را به محکمه محل ارتکاب جرم شکنجه، محکمه محل کار مرتکب یا محکمه ابتدائیه شهری محل ارتکاب یا محکمه ابتدائیه شهری کابل اقامه نماید.

ماده (۱۹) قانون منع شکنجه پیرامون رسیدگی به دعوای جبران خساره در قضایای جزایی تحت دوران نگاشته است:

" (۱) متضرر می تواند دعوای جبران خساره را مطابق احکام قانون در محکمه اقامه نماید.

(۲) در صورت محکومیت مرتکب، محکمه ذیصلاح حکم مبنی بر فراهم نمودن جبران خساره را از بودجه دولت صادر می نماید.

(۳) هرگاه به اثر رسیدگی قضیه در محکمه ثابت گردد که مرتکب مسئول است، در آن صورت آن چه را در بودجه دولت به حیث جبران خساره برای متضرر پرداخت شده است از محکوم علیه اخذ و به خزانه دولت یا صندوق مشخص تحویل می گردد.

(۴) هرگاه چند نفر محکوم به ارتکاب شکنجه شوند، همه مرتکبین طور مساویانه مسئول باز پرداخت وجه جبران خساره می باشند که دولت به متضرر پرداخته است مگر اینکه محکمه سهم هریک از مرتکبین را تعیین کرده باشد.

ماده بیستم قانون منع شکنجه در مورد رسیدگی به دعوای جبران خساره در محکمه مدنی مینگارد:

(۱) متضرر می تواند دعوای جبران خساره ناشی از شکنجه را در محکمه مربوط مطابق به احکام قانون اقامه نماید.

(۲) محکمه ذیصلاح پرداخت جبران خساره را برای متضرر از بودجه دولت حکم می نماید.

(۳) محکمه مدنی نمی تواند رسیدگی به دعوای جبران خساره را به نسبت عدم شناسایی یا تعقیب عدلی مرتکب، تعویق تحقیق یا صدور قرار عدم لزوم اقامه دعوای جزایی توسط محکمه جزایی، متوقف سازد.

اگر متضرر در جریان دعوی وفات نماید وارثین شان میتوانند که دعوای جبران خساره را پیش ببرند. چنانچه ماده (۲۱) قانون منع شکنجه در زمینه صراحت دارد:

" هرگاه متضرر در جریان دعوی جزایی یا قبل یا بعد از آن وفات نماید، اقارب وی می توانند دعوای جبران خساره را در محکمه ذیصلاح ادامه داده یا اقامه نمایند.

در مورد مشاهده آثار شکنجه ماده (۲۳) قانون منع شکنجه می نگارد که:

" هرگاه آثار شکنجه در وجود شخص در محلات سلب آزادی مشاهده گردد، این امر دال بر وجود شکنجه بوده، مگر اینکه بر خلاف آن ثابت گردد.

در مورد تنفیذ حکم ماده (۲۵) قانون منع شکنجه چنین صراحت دارد:

" (۱) جبران خساره مندرج این قانون در خلال (۳۰) روز از قطعییت حکم

محکمه به متضرر تادیه می گردد.
(۲) وزارت مالیه مکلف است، مبلغی را جهت جبران خساره متضررین شکنجه در بودجه وزارت عدلیه در نظر بگیرد.

(۳) وزارت عدلیه می تواند، به منظور جمع آوری مساعدتهای اشخاص حقیقی وحکمی صندوق پرداخت جبران خساره به متضررین شکنجه را ایجاد و به موافقه وزارت مالیه حساب بانکی خاص را افتتاح نماید.

(۴) اشخاص حقیقی وحکمی می توانند به صندوق پرداخت جبران خساره متضررین شکنجه، مساعدت نمایند.

پیرامون ارجحیت احکام این قانون (قانون منع شکنجه) ماده (۲۷) قانون مذکور صراحت دارد که:

" هرگاه حکمی از احکام این قانون با قانون محابس وتوقیف خانه ها یا سایر اسناد تقنینی در تعارض باشد حکم این قانون مرجع دانسته می شود."

در نتیجه گفته میتوانیم که جبران خساره در مورد خسارت مادی، بدنی ومعنوی ازدیدگاه شریعت و قانون وجود داشته کسانیکه مسولانه عمل نکرده موجب صدمه و زیان به مجنی علیه گردد پاسخ گوی اعمال خود بوده زیان و ضرر که به جانب مقابل می رساند علاوه از جبران خساره توسط پول یا امتعه مادی دیگر مجازات هم علیه مرتکب جرم شکنجه در کود جزاء و قانون منع شکنجه بدر نظر گرفته شده که قسمتی از آنها در فوق تذکر داده شد.

منابع وماخذ:

۱. قرآنکریم، سوره بقره آیه های (۲۳۳) و (۲۳۱).
۲. احادیث نبوی.
۳. مجلة الاحکام.
۴. قانون مدنی.
۵. قانون منع شکنجه.
۶. کودجزاء.
۷. کنوانسیون بیع بین المللی کالا مصوب (۱۹۸۰) سازمان ملل متحد.
۸. اصولنامه تجارت.



په نړۍ کې د فقر عوامل او سپړنه

څلورمه او وروستۍ برخه:

د ابونافع حمیدی لیکنه

د فقر ټولنیز آثار:

د فقر ټولنیزې پایلې کولای شو په لاندې ټکو کې را خلاصه کړو:

۱- په ټولنه کې د فقر د آثارو څخه یو دا دی چې فقیران او بی وزلان د بډایانو په وړاندې کرکه او عقده پیدا کوي او تل د داسې یوه فرصت په انتظار کې وي چې د بډایانو له ظلمه او جبره ځان خلاص کړي، نور هم له ځان سره ملګري کوي او بالاخره دهغوی په ضد قیام ته لاس اچوي، چې پداسې حالت سره د ټولنې نظم ګډوډېږي او داسلامي امت وحدت له منځه ځي او داسلامي ټولنې د افرادو ترمنځ د تعاون او همکارۍ احساس کمزوری کېږي.

۲- د فقر په پایله کې، بد امنی، ناکرارۍ، د انقلابونه او ګډوډۍ رامنځته او له دغه غمیزې نه قاطع اکثریت متضرر کېږي. د ملت شأن او شوکت، راحت او سعادت له ګواښ سره مخامخ کېږي.

۳- د فقر له امله، اخلاقي فساد او نور جرایم را پیدا کېږي، وژنې، غلا، زنا، لواطت، لارښکونه او نور ناوړه کارونه په ټولنه کې را منځته کېږي.

که چېرې ښه څېړشو دا ټول آفتونه

هله را پیدا کېږي چې مال شتون ونلري، داجتماعي علومو متخصصینوله انده فقر یوازې د زیاتو جرایمو لامل ګرزي چې په مال پورې تړاو لري. ځکه کله چې انسان فقیر شي نو ښه مواصفات ورڅخه لیري کېږي او په ځای یې شر او فساد وده کوي. وړې کیدې یوازې د ډوډۍ پیدا کول پېژني، که څه هم په هرډول سره وی نو د ډوډۍ او خوړو پیدا کولو په لټه کې کېږي، غلا، چور او چپاول او هرډول جنایت ته لاس اچوي، څوکه چېرې فقر له منځه ولاړ شي نو ډار او وحشت هم ورک کېږي. هغه چې وایي: (کله چې فقر یوه ځای ته ولاړ شي، نو کفر ورته وایي: ما هم له ځان سره بوزه).

د اقتصاد پوهانو له انده هغه ستونزې او ناخوالې چې په زراعتي، تجارتي او اقتصادي ډګرونو کې را پیدا کېږي نو د جرایمو کچه ورسره زیاتېږي او هغه څېړنې چې دغذایی او خوراکي توکو په هکله ترسره شوي، دا ثابته شوي چې هرڅومره چې د خوراکي توکو نرخونه لوړېږي په هماغه اندازه د جرایمو کچه هم لوړېږي او د فقر او بیکارۍ د جرایمو په تولید او را پیدا کیدو کې دوه مهم عوامل ګڼل کېږي.

په ټولنه کې چې څومره مجرمان را پیدا کېږي نو زیاته فیصدي یې د غربت او بې وزلۍ له وجې

وی. خو دا ټکي ته هم باید پاملرنه وشي چې ټول جرایم یوازې فقر او فقیرانو پورې اړه نلري، بلکه ډیرې او خطرناک جرایم د بډایانو پورې تړاو لري، د خلکو د عزت پایمالول، د فضایلو سره مبارزه او د رزائلو ترویجول داسې جرایم دي چې د پردې تر شا او په پټه توګه ترسره کېږي او امنیتي کړۍ هم په آسانی سره ورڅخه نه خپرېږي.

دا هغه جرایم دي چې ځینې ورته جرم نه وایي، خو خطرناک جرمونه بلل کېږي.

۴- په کومو ټولنو کې چې فقر موجود وي، نو ډار او وحشت ورباندې حاکمېږي، بدامنی او بې باوري رامنځته کېږي او د خلکو پخپلو ځانونو، مالونو او عزت او ناموس باندې زړه نه پریوزي، اطمینان او ډاډ له منځه ځي، هرڅوک په اضطراب کې وي، چې اوس به می کورته غل راځي، اوس به می پخپل مال یا ناموس څوک وژني!!

په هغه ټولنه کې چې فقر وي، د خلکو علمي او فکري سطحه را ټیټېږي، جهل او ناپوهی یې کړوي، خلک دیوی ګولي ډوډۍ را پیدا کولو په خاطر نشي کولای پخپلو رواني حالاتو کنترول ولري، همدارنګه د خلکو معنویات او مورال کمزوری کېږي او نشي



په ټولنه کې د فقر د آثارو څخه یو دا دی چې فقیران او بی وزلان د بډایانو په وړاندې کرکه او عقده پیدا کوي او تل د داسې یوه فرصت په انتظار کې وي چې د بډایانو له ظلمه او جبره ځان خلاص کړي، نور هم له ځان سره ملګري کوي او بالاخره دهغوی په ضد قیام ته لاس اچوي، چې پداسې حالت سره د ټولنې نظم ګډوډیږي او د اسلامي امت وحدت له منځه ځي او د اسلامي ټولنې د افرادو ترمنځ د تعاون او همکاري احساس کمزوری کیږي.

دا چې په لوړه او ټولنیزه توګه فکر وکړي، ورڅخه ممانعت کوي.

کله چې فقیرانسان خپل اولادونه وړي، لوڅ، بی تعلیمه او خوارو زارویني او پخپل ګاونډ او چاپیریال کې دنورو خلکو اولادونه په ناز او نعمت کې ګوري نو شپه او ورځ یی ماغزه او فکر مشغولېږي، څرنگه وکولای شئ له دغه حالته ځان را وباسي؟!

امام محمد بن حسن شیباني په یوه علمی او فقهی مجلس کې ناست ؤ، ورته خبر ورسید چې په کور کې اوږه خلاص شوی نو دامام صاحب په روان او فکر او علمی صفحه یی دومره بده اغیزه وکړه چې له ډېره قاره یی خپل غلام ته وویل: هلاک شئ، زما له مغزه دخلوېښت فقهی مسایل و ایستل.

امام شافعی ؒ وایي: دچا په کور کې چې اوږه او خوراکي توکي نه وي، نو دهغه کس نه مشوره مه غواړه، ځکه دهغه فکر او روان بلې خواته مصروف دی، دچا چې فکر په بله لاره مصروف وي، نو څه د حکمت مشوره به ورکړي؟

ندی، ځکه د دنیا نعمتونه یی نه دی ورکړي، نو پدی وخت کې یی نفس او شیطان ورسره ملګري شئ او ورته وایی چې واجبات پریږده او ګناهونو ته مخه کړه.

پداسې حالت کې ډیره خطرته داده چې په ناپوهی او ناخبري کې د اسلام نه خارج شئ.

د فقر نه دخدای رسول پناه غوښتي او هغه یی بد بللی، فرمایي:

«اللهم انی اعوذبک من الکفر والفقر» رواه احمد

ژباړه: ای الله! زه دکفر او فقر نه تاته پناه دروړم.

فقر اخلاقونه خطر دی:

کله چې انسان فقیر شئ نو د فقر له وجی ناروا کارونو لکه شراب خرڅول، دروغ ویل او په دروغو شاهی ورکول او نورو ته مجبوروی، ان دا چې په ځینو سختو حالاتو کې دی ته تن ږدي څو له خپل او خپلې کورنۍ دعزت او آبرو نه تیر شئ، که دی پخپله صبر وکړي، اولادونه یی صبر نکوي.

فقر انسان داسې حالت ته رسوي چې دا اولادونو دلوري نه دساتلو په خاطر هر ډول ګناه ته لاس اچوي، درواغ ویل پخپل ذات کې یو اخلاقي ناوړه عمل بلل کیږي، خو فقیر پلار دروغ وایی، ترڅو مال او خواړه لاسته راوړي او خپل اولادونه دلوري نه وژغوري.

فقر انسان رشوت خوړلو ته مجبوروي، لکه ځینی دولتي کارکوونکي، ددی په بهانه چې ولا معاش می کم دی او دکورنۍ او اولادونو می پرې بسنه نکېږي، نو ځکه ځان مجبور بولي ترڅو ناروا او رشوت ته لاس وغځوي.

او دا چې ایمان یی کمزوری دی، نور رشوت اخیستل یو دیني، اخلاقي او قانوني جرم نه بولي، بلکه دمور د شیدو په څیر یی حلال گڼي.

فقر افکارونه خطر پیښوي:

د فقر خطرونه یوازې دانسان روحی او سلو کې اړخ ته متوجه ندی، بلکه دانسان فکر او وړتیا باندې هم تاثیر اچوي فقر دانسان عقل او فکریوایزی دیوی کولی ډوډی را پیدا کولو لپاره منحصر کوي او دیوی سالمی مفکوری او

کولای دستونزو او ناخوالو په مقابل کې مقاومت وکړي، دخپل ملک د آزادۍ، ځمکي تمامیت او نورو افتخاراتو او ملی منافعو څخه دفاع وکړي او په ډیره آسانی سره داستعمار او مستعمرینو دشومو اغراضو او اهدافو په لومه کې نیښلی.

فقیری ټولنی نشی کولای چې د مدنیت او ترقۍ کاروان سره سیالی وکړي او ترهغه چې لدی حالته ځان راونه باسي، نو همدارنگه به دنړۍ په کچه ذلیل، بی ارزښته او لویدیلی پاته وي.

په فقیرو ټولنو کې دنناکاره نارینه او ښځینه و شمیر ورځ په ورځ ډیرېږي، مکروبی زبانی ناروغۍ دخلکو ترمنځ را پیدا کیږي، ټولنیزې ستونزې لکه، اختلاس، چل او فریب، رشوت، ظلم او استبداد رواج پیدا کوي.

فقر عقیده کمزوری کوي:

فقر انسان دخدای ﷻ په وړاندې متردد کوي او ځینی ضعیف العقیده انسانان داسې انگېري چې الله تعالی دوی ته روزی نه ورکوي، په داسې حال کې چې روزی ورکوونکي یوازې الله تعالی دی، لکه چې فرمایي: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا﴾ هود: ٦

ژباړه: او نشته په ځمکه کې هیڅ خوځیدونکی موجود مګر دا چې دهغه روزی په الله پوری ده او هغه روزی ورکوي.

الله پاک دروزی لاسته راوړلو لپاره اسباب برابر کړي چې باید ورڅخه استفاده وشي. یوه مسلمان ته نه ښایي چې د فقر له وجی جنایت ته لاس واچوي او هغه څه چې الله تعالی حرام بللی، ورته حلال ووايي.

ځینی ضعیف الايمان خلک چې فاسقان او بدکاره انسانان وویي چې په ناز او نعمت کې ژوند کوي، نو داسې گومان کوي چې الله دغه کسانو سره مینه لري او هغه یی دوستان دی ځکه د دنیا نعمتونه یی دومره ډیر ورکړي، او هغه پخپله چې په فقر او بی وزلي کې ژوند کوي، نو دخدای دوست

فقر دکورنیو بنسټ پنگوی:

فقر کورنی په مختلفو ډولونو سره تهدیدوی او دهغې په تکوین او پرمختیا کې لوړ خنډ بلل کېږي.

یو فقیر او بی وزله انسان دمهر، نفقی او دواډه دنورو ضروریاتو نه درلودلو په وجه نشی کولی چې واده وکړي، په عالم دتجرد کې ژوند په ډیرو ستونزو کې تیروي.

په کورنی چاپیریال کې فقر داخلاف او منازعاتو کچه لوړ دی او په ځینې حالاتو کې دمیره او بشي ترمنځ دجدایی لامل گرځي فقر دکورنی دغرو ترمنځ دایکود کمزوری او یاهم بیخي له منځه تلو لامل کېږي، قرآن عظیم الشان هغه تاریخي بدی ناخوالی ته اشاره کوی چې پلرونو به خپل اولادونه دبې وزلی او فقر له وجی وژل، الله تعالی دجاهلیت دورې دغه ناوړه عمل غندی،

فرمایي:

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِيَ إِلَهُي تَعْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِنَّا كَرِيمُونَ﴾^{۳۱} (الإسراء: ۳۱)

ژباړه: او خپل اولادونه دفقر له ویرې مه وژنی، زه تاسې او ستاسې اولادونو ته روزی درکوم، یقیناً ددوی وژل ډیره لویه ګناه ده.

درسول الله نه پوښتنه وشوه چې په ګناهونو کې کومه ډیره لویه ده؟ هغه مبارک وفرمایل: دالله تعالی سره شریک نیول، بیا یی وپوښتل، بیا کومه ګناه لویه ده؟ ویی فرمایل: دخپل اولاد وژل دوی هیري نه چې هغه به ستاسره ډوډی خوری.^{بخاری}

فقر امنیت گواښوي:

فقر دبشری ټولنو امنیت او سلامتی تهدیدوی، هغه ټولنه چې افراد یی دیوې کولی ډوډی راسته راوړلو نه عاجزوی نو هغه ټولنه به امنیت ونه لری، پداسی حال کې چې دنيکمرغه ژوند زیربنا دوه شیان دی:

یوه غذا او بل دامنیت لړل، که چیرې دا دوه عنصره په یوه ټولنه

کې را پیدا شول، نو دهغه ټولنی افراد به آبرومندانه ژوند ولری، غذا پرته له امنیت نه او امن پرته له غذا او شتمن نه ناشونی دی او نشی کولای دیوې ټولنې استقرار او ثبات وساتی، دا دوه عنصره دنری دمددنیتونو اساس او بنسټ بلل کېږي، له همدی کبله قرآن عظیم دغه حقیقت ته اشاره کړی، الله تعالی فرمایي:

﴿... فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ آلَ الذِّكْرِ أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾^۴ = قریش: ۳ - ۴

ژباړه: نو باید ددغه کور- بیت الله- د رب عبادت وکړی هغه ذات چې دوی ته یی دلپوری پرمهال طعام ورکړ او دوی ته یی امن ورکړ، کله چې دوی دویرې په حالت کې و.

کله چې ملتونه الله ته رجوع وکړی او الهی شریعت پخپل ځان باندې تطبیق او عملی وگرزوی، نو الله تعالی به یی دستونزونه خلاصوی، الله تعالی فرمایي:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَنَحْنَاهُمْ بَرَكَاتٍ مِنْ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^{۹۶} (الأعراف: ۹۶)

ژباړه: که چېرې دکلیو خلک ایمان راوړی او دالله نه وویرېږي، تقوا غوره کړی، نو خامخا به دآسمانونو او ځمکې نه ورباندې برکتونه را نازلوو، خو دوی ورته ددروغو نسبت وکړ، نو موږ دوی پدغو اعمالو سره یی مؤاخذه کړل.

په پورتني مبارک آیت کې الله پاک دفقر او فاقی نه دخلاصون لاره یوازی ایمان او تقوا وبلله، کله چې بشریت دبنده بندگی پرېږدی او احکم الحاکمین رب ته رجوع وکړی، نو ټولې سختی ختمیږي، امن او آرامی تحقق پیدا کوی او نیکمرغه ژوند هله منځته راتلای شي چې دوه مهم عنصره چې امنیت او غذا ده رامنځته شي، خو که له دغه دوو څخه یی یو هم نه و نو کامله نیکمرغی لاسته نه راځی، څه دا چې دواړه یی له منځه تللی وی!

که چیرې اسلامی تاریخ پانې را وړو وبه گورو چې په اسلامی ټولنو کې هیڅ وخت دفقر او

بی وزلی له امله انسانی ناوړین ندی راغلی، هغه ټولنه چې پکې عمری عدالت حاکم وی څرنگه به فقر ورته لاره پیدا کړی؟

په صدر اسلام دورو کې اسلامی ټولنه یوه مرفه او پرمختللی ټولنه بلل کیده خو دشتمنی او ثروت سره سره بیا هم دمستقیمی لارې نه انحراف ونشو، مال او شتمنی دطغیان او سرکشۍ لامل ونه گرځید، په ځمکه کې یی فساد ونکړ.

دفقر او لوړی په حالاتو کې چې د وچ کالی له امله رامنځته شوی وه، دخدای له یاده غافل نشول، خپل دینی ارزښتونه یی وساتل.

دمسلمانانو خلیفه د وچکالی پرموسم دیوه رهبر او زمامدار په توګه اسلامی تعلیماتو ته پابندؤ، خپل ځان ترې هیرؤ خوشپه او ورځ د رعیت په فکر کې و، بنی غذاوی یی پرځان حرامی کړی وی او سوګند یی وکړ چې پرت له وجی ډوډی به څه نه خوری ترڅو چې د مسلمانانو هره کورنی مړه شی، هغه دسوء تغذی له امله یی مبارکه څیره تکه توره وگرځیده، ترڅو چې الله تعالی ورباندی خپل نعمت بیا نازل او دلپوری او قحطی نه یی وژغورل.

خوددن ورځی ټولنې چې اسلامی ارزښتونه یی تربشو لاندې کړی، نو ذلت او محرومیت یی په برخه شوی.

دنن ورځی لوړه او فقر چې نن ټولنه یی وارخطا کړی او دهغې استقرار یی ترسوال لاندې راوستلی، داسلام مقدس دین هغه ستونزه دزکات په واسطه سره حل کړی.

زکات په اسلام کې دټولنیز تکافل او همدردی اساس او بنسټ بلل کېږي، که چیرې ټولنی او دولتونه دزکات فریضی ته پاملرنه او هغه عمل کړی، نو دلپوری ستونزه حل کېږي او په پایله کې سوله او امن هم منځته راځی.

اللهم انا نعوذک من الکفر والفقر ونعوذک من عذاب القبر لا اله الا انت



تاریخ بیعت و انتخابات در کشورهای جهان



فرستنده: محمد ابراهیم همت

شده است: بیشتر متفکران و اندیشمندان اهل سنت همانند: قرضاوی، ماوردی، طنطاوی شیخ ازهر مصر و صدها محقق و دانشمند دیگر، در یک قرن اخیر بنیاد اصلی دولت و حکومت را شورا و بیعت دانسته اند و این دو نهاد اسلامی را به عنوان فلسفه سیاسی حکومت در اسلام تلقی می کنند، این دانشمندان باتوجه به اینکه خلافت منصوسی در قرآن و سنت نبوده و به امت واگذار گردیده است، وجود اصل شورا و بیعت در اندیشه ی اسلامی برای مشروعیت خلافت اسلامی و یا هر دولت اسلامی به نمایندگی از مسلمانان را در جغرافیای اسلامی کافی دانسته و بر مشروعیت آن مهر تأیید می گذارند.

در حیات سیاسی رسول گرامی اسلام موردی را سراغ داریم که پیامبر بزرگ اسلام شخصاً به انتخاب کردن اشخاص شایسته بمنظور نمایندگی از قوم خویش در امور دولت اسلامی صحبت نموده اند: بدایه و نهاییه در جلد ۴ صفحه ۴۰۱ الی ۴۰۲ داستان بیعت عقبه دوم را که در آن ۷۰ تن از انصار به حضور تعدادی از صحابی جلیل القدر

هفت ساله بیعت کرد. قرطبی گوید: پیغمبر ﷺ طبق حاجت و حسب موقعیت بیعت می گرفت و نخستین شرط در بیعت، اقامه نماز و پرداخت زکات بود. در الصحيح از جابر روایت شده که بر اقامه ی نماز و ادای زکات و خیرخواهی و خلوص بپیغمبر ﷺ و مسلمانان بیعت کردم. و این از آن جهت است که جابر سید قوم بود؛ پس پیغمبر ﷺ او را به تعلیم و موعظه قوم هدایت کرده است. در صحیح بخاری در چند باب کسانی را که دو بار بیعت کردند، و نیز بیعت اعراب، بیعت صغیر، کسانی که بیعت خود را پس گرفتند، بیعت برای دنیا، بیعت النساء، و کسانی که بیعت شکستند، بیان کرده است. چون خداوند ﷻ پیامبرش را به عنوان آخرین پیغمبر در خانواده انبیاء به رسالت مبعوث و انتخاب نموده بود.

همانگونه که فخر رازی و تفتازانی معتقدند: مردم دارای حاکمیت سیاسی بوده و حاکم بیعت شده به نیابت و وکالت از طرف مردم اعمال حاکمیت می کند. بنابر این، مردم می توانند وی را در شرایط فقدان شروط لازم، عزل نمایند. براساس تحقیقاتی که در علوم سیاسی و حقوقی اهل سنت انجام

در تاریخ سیاسی صدر اسلام از انتخابات، صرف یک مورد، بنام بیعت نام برده شده است که در زمان نبی اکرم ﷺ همین که اعراب دسته دسته مسلمان می شدند و نزد پیامبر خدا می آمدند، با حضور اصحاب کرام به خصوص شخصیت های مطرح صدر اسلام مانند: حضرت ابوبکر، حضرت عمر، حضرت عثمان، حضرت علی (کرم الله وجهه) و صدها صحابی جلیل القدر دیگر، به رسول گرامی اسلام بیعت می کردند و از وی اعلام اطاعت و حمایت می نمودند، که از جمله: بیعت عقبه اولی، بیعت عقبه ثانی، بیعت الرضوان، بیعت صغیر و بیعت النساء، را میتوان نام برد. در کتاب نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، پیرامون بیعت مردان به پیامبر بزرگوار اسلام به طور گسترده ای بحث صورت گرفته؛ حتی در مورد بیعت زنان به رسول گرامی اسلام نیز توضیحاتی دارد.

(ابن الجوزی گوید: از زنانی که بپیغمبر ﷺ بیعت کردند ۴۵۷ تن شمرده شده است. پیغمبر ﷺ در بیعت زنان مصافحه نکرد و به قول اکتفا نمود. در بیعت کنندگان بپیغمبر ﷺ بلوغ شرط نبود؛ چنانچه عبدالله بن زبیر



اسلام به رسول خدا بیعت نمودند، بیان میکند و سپس چنین می نویسد:

(به خاطر تاکید بر این بیعت و عهد، براء بن معرور دست او (رسول خدا را) گرفته و گفت: بلی، سوگند به ذاتی که ترا مبعوث نموده است، و برحق به پیغمبری فرستاده است، هرآئینه از آنچه مارا منع کرده ای باز می ایستیم، و باتو بیعت مینمائیم. ای رسول الله، ما اهل جنگ و سلاح هستیم که از بزرگان و اجداد خود آنرا به میراث گرفته ایم. کسانی که در پیمان بودند اهل مدینه منوره هراس داشتند که اگر رسول خدا بالای دشمنانش پیروز شد آنها را ترک نکرده و به دیار آبائی خود برنگردد، رسول الله به ایشان گفت: «عهد و پیمان ما و شما بامراعات متقابل صورت بگیرد، من از شما و شما از من هستید؛ کسی که با شما جنگ می نماید، باوی جنگ مینمایم و باکسی که شما صلح می کنید، من هم صلح می نمایم.» حضرت رسول الله در ادامه گفت: « برایم دوازده نفر را از سران قوم خود انتخاب نمایید، تا در قوم خود شان نماینده ی من باشند.» آنها دوازده نفر از قوم خزرج و اوس را انتخاب نمودند؛ ۹ نفر از قوم خزرج و سه نفر از قوم اوس.)

از این رویداد مهم بیعت عقبه دوم، دو موضوع مهم استنباط می شود:

اولاً پیامبر خدا در مراسم بیعت، به دو موضوع کلیدی در نظام سیاسی یعنی جنگ و صلح تاکید مینماید، که سرنوشت همه نظام ها بدان بستگی دارد؛ و عملاً بیان میدارد که در جنگ و صلح هماهنگ و یکجا عمل می نمائیم.



قانون اساسی

ماده ۱۱۰



۵۲

در ثانی، پیامبر خدا به منظور اداره سالم قوم دستور به انتخاب نمایندگان قوم داد تا ۱۲ نفر بتوانند به عنوان نمایندگان باصلاحیت اوس و خزرج، نه تنها از قوم خود نماینده گی نمایند؛ بلکه نماینده ی پیامبر خدا در میان مردم باشند. این امر میرساند که رسول خدا برای اداره جامعه و تأمین ارتباط مردم با رهبری نظام سیاسی، به اصل نمایندگی ملت در نظام ها ارج می گذاشته است. جالب اینجاست که بیعت کنندگان موفقانه توانسته اند با در نظر داشت ترکیب و وضعیت اجتماعی و سیاسی اوس و خزرج، (۹) نفر از خزرج و (۳) نفر از قوم اوس را به حیث نماینده خود انتخاب و به رسول خدا معرفی نمودند.

به منظور آگاهی بیشتر از اصل بیعت به مثابه ی تمثیل اراده مسلمانان در یک انتخاب سرنوشت ساز، بهتر است بیعت و یا انتخابات را از زوایای مختلف مختصراً مورد پژوهش قرار دهیم. ابن خلدون مشهور ترین مؤرخ اسلامی می گوید:

(بیعت، پیمان بستن برای فرمانبری و اطاعت است که بیعت کننده با امیر خویش پیمان می بندد، تا در امور مربوط به خود و مسلمانان تسلیم نظروی باشد و در هیچ چیز از امور مربوط به او، به ستیز بر نخیزد و از تکالیفی که برعهده ی او میگذارد و او را به انجام آن مکلف می سازد اطاعت کند، خواه تکالیف دلخواه او باشد یا خلاف میلش باشد.

در این تعریف، بیعت، به معنای تسلیم شدن، حتی در حوزة ی خصوصی را نیز شامل است.

در فرهنگ دهخدا آمده است: (بیعت، یعنی عهد و پیمان و دست در دست دیگری زدن در بیع، یا بیعت و اطاعت گفته می شود.) ابن منظوری نیز

از بیعت تعریف خاصی دارد: (بیعت دست دادن برای ایجاب بیع و مباحث و اطاعت است. (بنابر این) بیعت، مباحث و اطاعت را گویند.)

بهمینان تعریف مشخصی از بیعت ارائه داشته است:

(بیعت، بستن پیمان وفاداری و اطاعت با پیامبر و امام و حاکم یا خلیفه (مسلمین) است.)

موسویان تعریف مشخص تری از بیعت ارائه میدارد و می گوید: (بیعت عقد قولی و عملی است بین مردم و حاکم که دارای شرایط اند، حاکم تعهد می کند که به کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ و عدالت، رفتار کند و از مردم نیز اطاعت می خواهد.)

متفکرانی چون غزالی و ابن تیمیه و ابن حزم عقد بیعت را دارای ماهیت سیاسی و به معنی تفویض حاکمیت از طرف مردم به حاکم منتخب می دانند و مادامیکه شخص بیعت شونده از شروط حاکم اسلامی خارج نشده اطاعت وی مادام الحیات بر همه واجب می باشد.

دکتر قرضاوی با تائید از تعریف ابن خلدون، و هماهنگی مفهومی بیعت با انتخابات، آنانی را که به بیعت، یعنی به انتخابات ارج نمی گذارند و به سرنوشت امت اسلامی توجهی مسئولانه نمی نمایند، چنین هشدار می دهد:

« کسانی که در انتخابات شرکت نمی کنند، چنانچه شرکت ننمودن آنها سبب کنار گذاشته شدن انسانهای لایق و کاردان و پرهیزگار شود و افراد نالایق و ناآگاه و ناپرهیزگار، کسانی که از دو ویژگی « توانایی و امانتداری » برخوردار نیستند، رأی بیاورند؛ در واقع، امر و دستور خداوند را برای ادای شهادت و

عدم کتمان آن نادیده گرفته و او را نافرمانی نموده و در مورد مصالح مردم مسلمان بی توجهی کرده اند. خداوند متعال در این زمینه می فرماید:

﴿وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا﴾ هرگاه

گواهان فراخوانده شدند از شهادت خود داری ننمایید. و در جای دیگر می فرماید: ﴿وَلَا تَكُونُوا الشُّهَدَاءَ وَمَنْ يَكُنْهَا فَإِنَّهُ عَلَيْهِ قَلْبُهُ﴾ از نظر این دانشمند بزرگ جهان اسلام یعنی دکتور قرضاوی، رفتن به انتخابات و ابراز حق رأی برای شایسته ها و امانت پیشه گان در واقع همان شهادتی است که خداوند به ارائه آن دستور داده است. و قطعاً کتمان شهادت را گناه بزرگ خوانده است.

بیعت و انتخابات در نظام های سیاسی بعد از خلفای راشدین:

مطالعه ی تاریخ سیاسی اسلام، این امر را مشخص می سازد که بیعت و یا انتخابات بارعایت شرایط ویژه ی همان عصر، به شیوه های گوناگونی در دوره های مختلفی از خلافت اسلامی مروج بوده و نقش مردم به خصوص آنانی که به نحوی در ساختارهای سیاست نظام اثرگذار بوده اند، بیشتر از کشور های دیگر برجسته تر می باشد. به این اساس، بیعت در تمام حکومت های که مبنای خلافت اسلامی داشته از جمله خلافت امویان، فاطمیان، عثمانیان و عباسیان مروج بوده است.

در کشور های اسلامی پیرو خلافت همانند: ایران، مصر، شام، اندلس و خراسان نیز تا زمانی که تحت حاکمیت و سلطه سیاسی خلافت اسلامی بوده اند، نیز بیعت مروج بود و همچنان نظام های سیاسی مستقل اسلامی برمبنای بیعت به شیوه های مختلف مشروعیت خود را حاصل می نمودند. چنانچه ابو مسلم خراسانی هنگامی که از اطاعت

مرکز خلافت اسلامی سرباز زد، و اعلام استقلال نمود، بلافاصله به بیعت از مردم و رأی آزاد توده های مسلمان خراسانی مراجعه نمود تا نظام سیاسی خویش را مشروعیت ببخشد که چنین نمود.

انتخابات در عربستان سعودی:

اما در عربستان معاصر که یکی از مهمترین کشور های اسلامی و یگانه کشور اسلامی است که با پیروی از سیستم حقوقی اسلام، مبنای حقوقی خویش را عیار نموده است، اخیراً مردم را در سیاستگذاری های کشوری سهیم ساخته و با برگزاری انتخابات در بخشی از حوزه های مدیریت دولتی، به انتخابات معاصر روی آورده است.

(عربستان سعودی در گذشته آزادی های سیاسی محدودی را شاهد بوده است. انتخابات برای دفاتر و استان های محلی (در دهه ۵۰) در منطقه شرقیه و حجاز برگزار می شد. مطبوعات نیز از درجه بیشتری از آزادی در میانه دهه ۵۰ برخوردار گشت. اگر چه رژیم به تدریج دامنه چنین حقوق و آزادی های سیاسی را محدود نمود.)

عربستان سعودی که در سال ۱۹۳۲ میلادی تاسیس شده است، برای نخستین بار بعد از تهیه مسوده قانون اساسی در سال ۱۹۹۲ و تشکیل مجلس شورا در سال بعد را شامل می گشت، گام های مهمی را در سیاستگذاری های دولت مقتدر آل سعود برای ساختار های مشورتی با مردم برداشت.

جمهوری اسلامی ایران:

ایران نیز یکی از کشور های بزرگ اسلامی در دنیای امروز است که با داشتن سیستم حقوقی اسلامی، به اصل انتخابات برای تحکیم پایه های نظام سیاسی ارج میگذارد و بعد از هر دوره ریاست جمهوری میلیونها ایرانی پای

صندوق های رأی دهی میروند تا رئیس جمهور مملکت خویش را انتخاب نمایند. بر اساس پژوهش های که انجام شده است، در میان کشور های آسیایی، اولین کشوری است که برای مشروعیت نظام سیاسی خویش به رأی مردم و قانونمندی نظام سیاسی خویش مراجعه نموده است. و قانون اساسی ۱۹۰۶ ایران مؤید این امر است.

(یکی از نخستین کشورهایی آسیایی است که دموکراسی پارلمانی را تجربه کرده است و قانون اساسی سال ۱۹۰۶ م، ایران یکی از دموکراتیک ترین قوانین اساسی جهان در آغاز قرن به حساب می آید.)

اولین انتخابات و تشکیل مجلس ملی در ایران به دوره بعد از مشروطیت در این کشور بر می گردد. چون فرمان مشروطیت در ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ هجری قمری از طرف مظفرالدین شاه قاجار صادر شد و اولین مجلس موقتی که مؤلف به تسوید «نظامنامه انتخابات» بود، در ۲۶ اسد سال ۱۲۸۵ هجری شمسی تشکیل جلسه داد.

براساس این سند تاریخی، نخستین قانون انتخابات ایران در ۱۸ سنبله ۱۲۸۵ هجری شمسی به وسیله



ی میرزا حسن خان منیرالملک، صنیع الدوله، مخبرالسلطنه، مرتضی قلیجان مخبرالملک، موتمن الملک و محتشم السلطنه تهیه و تدوین



گردید و پس از رسمیت یافتن متمم قانون اساسی، به تصویب مجلس ملی ایران رسید و



اولین دوره مجلس شورای ملی در ۱۷ میزان ۱۲۸۵ هجری شمسی افتتاح شد.

اما در تاریخ سیاسی ایران مهمترین رفراندوم و یا همه پرسی که در واقع نشانه‌ی بارزی از اراده توده‌های میلیونی ایران محسوب می‌شود، و همه مردم به رهبری علما و رهبران دینی پای صندوق‌های رأی رفتند، همه پرسی است که در دهم و یازدهم ماه ثور ۱۳۵۷ انجام شد و به موجب آن ۹۸,۲٪ مردم ایران نظام شاهنشاهی را مردود و به نظام جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند.

جمهوری ترکیه:

ترکیه امروزی یکی از مهمترین کشور های اسلامی جهان و میراث دار خلافت عثمانی است که روزگاری از بزرگترین قدرت های سیاسی نظامی جهان بود که در پرتو تعالیم اسلامی و بارعایت معتقدات و ارزش های فرهنگی سایر ادیان، نیمی از کشور های آسیا، اروپا و قسمت های از آفریقا را در کنترل خود داشت.

(قلمرو سلاطین عثمانی، بین قرن های چهاردهم و هفدهم میلادی به امپراطوری بزرگی مبدل شد که از مجارستان تایمن و از الجزایر تا قفقاز گسترده بود. سلسله مراتب نظامی و اداری و بیشتر جمعیت کشاورزان مسلمان بودند. با این حال مسیحیان (در بالکان، لبنان، مصر، و در پایتخت امپراطوری «استانبول» و یهودیان در استانبول، سالونیکا و شهر های بزرگ دیگر بر طبق قوانین و سنت های خود می زیستند و بر بیشتر شئون اقتصادی مسلط بودند.)

در ترکیه برای نخستین بار نظام انتخاباتی در دوران زمامداری مصطفی کمال اتاترک که پس

از جنگ های استقلال طلبانه ۱۹۱۹ الی ۱۹۲۳ به پیروزی اتاترک انجامید و در پیمان لوزان ۱۹۲۳ باعث به رسمیت شناختن ترکیه به عنوان کشور مستقل با مرکزیت انقره «انکارا» تکمیل شد، وارد میدان سیاست گذاری های این کشور گردید. همچنان اجراءات سیاسی جنرال جمال گورسل رئیس شورای نظامی ترکیه در سال ۱۹۶۱ که مجلس غیرنظامی قانون اساسی تازه ای را در ترکیه دایر و آنرا تدوین نمود، حاکمیت غیر نظامیان را به ترکیه باز گردانید.

با وجودی تا سال ۱۹۶۵ طور مسلسل قدرت سیاسی ترکیه توسط نظامیان دست به دست می شد و نظام لائیک ترکیه توسط جنرالان مشهور اداره می گردید؛ ولی برای نخستین بار به اثر کار مستمر حزبی در انتخابات سال ۱۹۶۵ و ۱۹۶۹ حزب عدالت ترکیه که توسط مسلمانان اداره می شد، اکثریت کرسی های پارلمانی را به دست آوردند. و در طول سالیان مبارزات سیاسی در سیاست گزاری های این کشور، حزب رفاه ترکیه به رهبری نجم الدین اربکان که یکی از رهبران مسلمان ترکیه محسوب می شود، نیز نقش مهمی ایفا نمود.

بار دیگر به اثر ناتوانی های سیاسی در انکارا، وضعیت انتخابات در این کشور دگرگون شد و احزاب مختلفی با حمایت نظامیان بر اوضاع مسلط شدند و بالاخره در انتخابات پایان دهه ۹۰ حزب عدالت و توسعه ترکیه موفق شد با کسب رأی اکثریت، آخرین لانه های نظامیان به خصوص سیاست لائیک سازی ترکیه را برچیند و برای اداره مملکت، طرح های مؤثر را ارائه دهد که اکنون این کشور یکی از کشور های مترقی و پیشرفته ی اسلامی در جهان است که در پرتو انتخابات آزاد و عادلانه به وجود آمده

« کسانی که در انتخابات شرکت نمی کنند، چنانچه شرکت ننمودن آنها سبب کنار گذاشته شدن انسانهای لایق و کاردان و پرهیزگار شود و افراد نالایق و ناآگاه و ناپرهیزگار، کسانی که از دو ویژگی « توانایی و امانتداری » برخوردار نیستند، رأی بیاورند؛ در واقع، امر و دستور خداوند را برای ادای شهادت و عدم کتمان آن نادیده گرفته و او را نافرمانی نموده و در مورد مصالح مردم مسلمان بی توجهی کرده اند.

است.

این بود گوشه ای از تحولات سیاسی حکومت های انتخابی که در کشور های مختلف جهان و به نمایندگی از کشور های اسلامی به حوادث سیاسی کشور های عربستان سعودی، ایران، ترکیه و افغانستان اکتفا شد.

این ها همه میرساند که در دنیای معاصر، یکی از روش های پسندیده ی که نظام های سیاسی کشور های مختلف جهان را رقم میزند و آنرا مشروعیت می بخشد، انتخابات و حضور گسترده ی مردمی در این رستاخیز توده ای است؛ بنابراین در کشور اسلامی افغانستان نیز توجه به اصل انتخابات مشروط براینکه مورد دستبرد و تقلبکاری زورمندان قرار نگیرد، و بالاخره نتیجه انتخابات سبوتاژ نشود، یکی از بهترین شیوه های انتخاب زعیم سیاسی برای حل مسایل سیاسی می باشد.



کارکردها و گزارش ها



خبرنگار: حاجی توکل بخشی

۲۹ جوزا

بیانیه محترم دوکتور امین الدین مظفری

دوکتور امین الدین مظفری معین مسلکی وزارت ارشاد، حج و اوقاف طی سخنرانی پرمحتوای خویش در سمپوزیم بین المللی امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله راجع به شخصیت ابعاد زندگی امام بزرگ روشنی انداخته و در قسمت از سخنان شان فرمودند: در چنین فضای که مرز های اندیشه شکسته بود، اندیشه های تکفیری به فضای عراق می پیچید و هر فرقه که تحت نام اسلام شکل گرفته بود به داشته های فقهی خویش خوشحال بود امام بزرگوار بادانش فقهی و کلام خویش در برابر همه فرقه های فقهی، کلامی و سیاسی که در کج راهه گیر مانده بودند با قامت رسا، دلایل و براهین لازم و مناظره های مهم و تاریخی اشتباه و کج اندیشی آنها را اعلام کرد.

وی ادامه داد: با توجه به اثرگذاری اندیشه های امام در رشد حرکت تشریع اسلامی، تطابق استنباط ها و اجتهاد های امام با واقعیت های موجود زندگی و عمق ریشه های طولانی فقه امام ابی حنیفه رحمه الله در ضمیر و زندگی مردم مسلمان کشور ما این همایش بزرگ علمی امام ابو حنیفه رحمه الله برگزار گردیده است.

اجلاس کنونی از جهات مختلف، ارزش های فراوانی دارد دانشمندان بزرگواری از کشور های مختلف اسلامی و برادر حضور یافتند و مقالات و نظریات ارزنده خویش را برای مهمانان گرمی و حاضرین در اجلاس مطرح می نمایند.

دانشمندان عزیز کشور ما نیز مقالات و مسایل مهمی را ارایه می کنند این اجلاس در شرایط برگزار شده است که در کشور ما اندیشه های تکفیری قد برافراشته، مسلمان توسط مسلمان مباح الدم شناخته می شود، تحمل و آشتی از میان رفته و خشونت، نفرت و سوء ظن گسترش یافته است مردم کشور ما همه مسلمان و اکثریت پیرو مذهب امام ابو حنیفه رحمه الله اند، رجوع به اندیشه های فقهی و سیاسی امام و موضع گیری های ایشان در حالات مختلف می تواند کج اندیشی های فراوانی را به باز اندیشی فرا خواند و اسباب تغییر و اصلاح را فراهم سازد. بازخوانی اندیشه های امام رحمه الله در عرصه های اعتقادی، فقهی و سیاسی می تواند در دیدگاه های مردم ما آثار مثبتی به جا گذارد، وسطیت و اعتدال گرایی امام از مسایل مهمی دیگر است که باتمسک به آن و پیروی از یافته های این اندیشه و رفتار زمینه های رشد افراط گرایی را به کمترین سطح آن کاهش خواهد داد، اندیشه های امام در برابر موج تکفیر مسلمانان از مسایل بسیار ارزشمند دیگر است که واکاوی آن جان های بی

شماری را نجات خواهد داد که دیدگاه امام رأس شعارهای این برنامه قرار دارد که فرموده اند: « و لا نکفر اهل القبلة »



طرح و توضیح جهت گیری های سیاسی امام در برابر خلافت اموی و عباسی و در شرایط دوگانه و متفاوت پیام های سرنوشت سازی برای مردم کشور ما ارایه می دهند اندیشه های فقهی امام مبنی بر آزادی های فردی در امور مختلف اجتماعی، شخصیت پروری شاگردان، خوشحالی علما و واقعیت شناسی در فتوا و موضع گیری ها از امور دیگری است که یکبار دیگر کج اندیشان را به باز یافت اندیشه و رفتارشان وا می دارد. تسامح، تحمل، گذشت و همدیگری پذیری امام از مسایلی است که امروزه نیاز کشور ما بیشتر از نیاز آن به خوردن و آشامیدن است جمله زیبایی (.....) که امام به یکی از شاگردانش توصیه میکند: تحمل و تسامح ایشان را بصورت رسا بیان می نماید.



ایشان فرمودند: با در نظر داشت آنچه گفته آمدیم با صراحت میتوان گفت که مطالعه و بررسی شخصیت و کارنامه های علمی و خدمات دینی این امام بزرگوار قابل افتخار جهان اسلام گره گشای بسا مشکلات امروز به ویژه کشور های قربانی افراط گرایی و به طور اخص کشور عزیز ما افغانستان می باشد.

معرفی محترم تاج محمد مجاهد به حیث معین مالی و اداری

به اساس پیشنهاد وزارت ارشاد، حج و اوقاف و حکم مقام محترم ریاست جمهوری اسلامی افغانستان، محترم



تاج محمد مجاهد به حیث معین اداری و مالی وزارت ارشاد، حج و اوقاف معرفی گردید؛ در این محفل که به میزبانی دوکتور مظفری معین مسلکی و سرپرست وزارت، روئسا و بخشی از مأمورین اداری وزارت حاضر بودند، از جناب مجاهد و هیئت معیتی شان و جمعی از وکلای مجلسین شورا که موصوف را مشایعت می نمودند، خیرمقدم گفته و در آغاز مجلس باتلاوت آیاتی از کلام الله مجید توسط استاد قاری برکت الله سلیم قرائت گردید، ابتدا دوکتور مظفری از معرفی محترم مجاهد در این پست استقبال نموده، موصوف را شخصیت قابل و شایسته این مقام معرفی و از حکومت وحدت ملی در امر تقرری محترم مجاهد قدر دانی نمودند.

متعاقباً محترم مجاهد ضمن تهنیت و ابراز قدر دانی از مقام وزارت، محترم معین مسلکی و هیئت رهبری این ارگان دینی و اینکه در انتخاب ایشان بحیث معین مالی و اداری نظر واحد داشتند ابراز امتنان نموده در بخشی از سخنان شان افزودند: تازمانیکه روحیه همکاری و مشترکات فکری در امر تأمین و تحقق وظیفه محوله بین منسوبان یک نهاد ایجاد نگردد؛ نتیجه مطلوب بدست نخواهد آمد. براساس اعتمادی که به من شده است در شعاع حفظ این امانت، تعهد می نمایم که بحیث یک برادر و مامور این اداره دینی روشی را دنبال نمایم که رضایت الله متعال، اهداف اولیه وزارت ارشاد، حج و اوقاف در آن تحقق یابد و من در این امر از هیچ گونه کوشش دریغ نخواهم نمود. و در آخر مجلس با ذکر دعائیه خیر و ختم جنگ خاتمه یافت.

۹ جوزا ۱۳۹۸ تجلیل از دهه نزول قرآن کریم

وزارت ارشاد، حج و اوقاف از دهه نزول قرآن کریم طی یک محفل باشکوهی در تالار رادیو تلویزیون ملی تجلیل به عمل آورد. برنامه باتلاوت آیات متبرکه کلام الله مجید توسط شیخ القراء استاد قاری برکت الله سلیم رئیس امور قراء وزارت ارشاد، حج و اوقاف آغاز یافت، نخست دوکتور امین الدین مظفری معین مسلکی وزارت ارشاد، حج و اوقاف پیام وزیر ارشاد، حج و اوقاف را که جهت اشتراک در کنفرانس بین المللی کشورهای اسلامی به مکه مکرمه سفر نموده بودند به قرائت گرفت که در آن ضمن آرزوی قبولی طاعات و عبادات مردم مسلمان کشور، از جناح های درگیر جنگ خواسته شده بود که به حرمت ماه مبارک رمضان آتش بس نمایند و از قتل مسلمانان دست بردارند.

معین مسلکی وزارت ارشاد، حج و اوقاف در رابطه به مراحل نزول قرآن کریم سخنرانی جامع و اکادمیک نموده، گفتند: قرآن شریف گفتار خالق متعال و بزرگترین معجزه پیامبر اسلام است که تا روز قیامت اعجاز آن همچنان ثابت باقی می ماند. وی افزود: آرزو می رود که در ایام عید سعید فطر میان حکومت و مخالفین آتش بس برقرار شود تاراه به سوی صلح دایمی در کشور باز گردد.

به دنبال آن چندین تن علمای برجسته دینی کشور هریک دوکتور احمد نور واقف مشاور ریاست اجرائیه، مولوی محمدنور پادشاه حماد عضو شورای سرتاسری علمای افغانستان حجت الاسلام عبدالقدیر عالمی امام جمعه غرب کابل، مولوی برهان الله نیازی معاون دیپارتمنت علوم دینی اکادمی علوم افغانستان و استاد یاسمین سروری مدیره مدرسه انائیه حضرت حفصه در مورد عظمت، اعجاز و ایمان و عمل به آخرین کتاب آسمانی به تفصیل صحبت نمودند و همه بایک آواز ادامه جنگ و به شهادت رسانیدن علما و مسلمانان بی دفاع کشور را محکوم نموده، آن را یک عمل غیرشرعی گفتند و از دو جانب درگیر خواستند تا آتش بس فوری نمایند و از مسلمان کشی دست بردارند و بیشتر از این گلیم ماتم را در منازل مردم پهن نسازند. برنامه بادعای خیر به ارواح شهدای کشور و تأمین صلح سراسری توسط قاضی ریاض الله صابر رئیس تعلیمات اسلامی و تدریب ائمه پایان یافت.

اخذ امتحان کانکور انستیتوت تدریب ائمه

۲۳ جوزا ۱۳۹۸

دومین دور امتحان کانکور اختصاصی انستیتوت تدریب ائمه وزارت ارشاد، حج و اوقاف تحت نظر هیأت مشترک دو وزارت (ارشاد، حج و اوقاف و معارف) در یک فضای شفاف از طلبای مدارس دینی و ائمه اخذ گردید. در این برنامه ۹۰ تن از واجدان شرایط شرکت ورزیده بودند که پس از سپری نمودن امتحان مؤفّقانه می توانند دروس خویش را همه روزه به جز روز های جمعه از ساعت ۳:۰۰ تا ۸:۰۰ صبح الی ۳:۰۰ ظهر در رشته های علوم اسلامی طی دو سال به سطح فوق بکلوریا با هزینه دولت به پایان برسانند.

باید گفت که نصاب درسی انستیتوت با همکاری وزارت معارف تدوین یافته و درس آن توسط ۱۳ استاد از جمله ۳ تن استادان مصری به پیش برده می شود.

ملاقات معین مسلکی وزارت ارشاد، حج و اوقاف با شاروال کابل

شنبه ۱۱/۳/۱۳۹۸ دوکتور امین الدین مظفری معین مسلکی وزارت ارشاد، حج و اوقاف با احمد ذکی شاروال کابل و استاد محمد فاضل شریفی معین کلتوری و خدمات اجتماعی آن اداره در دفتر کار شان ملاقات نمودند.

ابتدا شاروال کابل در مورد هدف این ملاقات گفت: ما خواستار همکاری وزارت ارشاد، حج و اوقاف در زمینه های



مرتبط و مشترک به ویژه پاکی و صفایی مساجد شهر کابل استیم که در قدم نخست می خواهیم برنامه صفایی در مساجد شهر کابل امروز آغاز یابد و ده ده نفر را در مساجد شریف جامع به این مقصد مؤظف ساخته ایم.

سپس معین کلتوری و خدمات اجتماعی شاروالی صحبت نموده، گفت: کمبود حوضیره در نقاط مختلف شهر یکی از مشکلات دیگر همشهریان است. البته با ایجاد کمر بند سبز در اطراف شهرها برای حوضیره، می توان به این معضل نقطه پایان گذاشت. وی افزود: مسدود ساختن پیاده روها، اضرار و پیامدهای احتکار، گران فروشی، حفاظت از پارک ها، آلوده نساختن آب ها و جلوگیری از اسراف در مصرف آب و... از موارد دیگریست که با همکاری وزارت ارشاد، حج و اوقاف می توان به آن رسیدگی نمود.

به دنبال آن معین مسلکی وزارت ارشاد، حج و اوقاف ضمن خوش آمدید به آنان گفت: ابتکار خوبی است که از جانب شما ارایه می گردد. من به نمایندگی این وزارت به شما اطمینان می دهم که در تمام موارد یاد شده با شما همکاری لازم صورت می گیرد.

وی افزود: برای اجرایی ساختن موارد متذکره لازم است که با همکاری هم، یک تفاهمنامه ترتیب گردد که به اساس آن مسؤولیت های جوانب مشخص گردد.

سپس مولوی عبدالکریم سراجی رئیس امور مساجد وزارت ارشاد، حج و اوقاف صحبت نموده، گفت: مطابق پلان این ریاست خطیبان و ائمه مساجد و حسینیه ها در امور اجتماعی و اخلاقی هر جمعه از طریق منابر ارشاد می نمایند.

وی افزود: آنچه که در این راستا مهم است، ایجاد رویکرد قانونی برای جریمه نمودن و تمکین متخلفان در برابر قانون و استفاده از نیروی پولیس برای اجرایی ساختن آنست تا حرف به عمل بنشیند.

پس از آن شاروال کابل گفت: پیش از این برای جلوگیری از انواع تخلف ها، مبانی قانونی وجود نداشت، اکنون خوشبختانه ابزار قانونی و یک نیروی نظامی مطابق تفاهمنامه با مرجع مسؤول برای تطبیق قانون در اختیار است که می تواند هر چه بیشتر در زمینه قانون سالاری ما را یاری رساند.

سپس ایشان جهت آغاز کمپاین صفایی و پاکی به مسجد حاجی یعقوب رفتند و رسماً این برنامه را آغاز نمودند. باید گفت که شاروالی یک یک زباله دانی را در صحن مساجد قرار می دهد که زباله های آن، هر روز صبح از طرف مؤظفین تخلیه می گردند.

معرفی دو تن مشاورین جدید وزارت ارشاد، حج و اوقاف

۱۸ جوزای ۱۳۹۸ به اساس پیشنهاد وزارت ارشاد، حج و اوقاف و منظوری مقام عالی ریاست جمهوری اسلامی افغانستان محمد مجاهد به عنوان مشاور تعلیمات اسلامی و تدریب ائمه و ذبیح الله حقل به عنوان مشاور اداری و مالی در این وزارت معرفی گردیدند.

ابتدا محفل با تلاوت آیات ملکوتی کلام الله مجید توسط شیخ القراء استاد قاری برکت سلیم رئیس امور قراء آغاز یافت. سپس قاری محمداسحق حیدری عرب رئیس دفتر مقام وزارت حکم ریاست جمهوری را در مورد تقرر مشاورین جدید وزارت قرائت نمود.

بعداً مولوی عبدالحکیم منیب وزیر ارشاد، حج و اوقاف صحبت نموده، ضمن تبریکی به آنان گفت: ایشان اشخاص عالم و متجرب بوده و می توانند با ارایه مشوره های سودمند و بکر وزارت را در بخش های متذکره همکاری نمایند.

سپس دوکتور امین الدین مظفری معین مسلکی وزارت ارشاد، حج و اوقاف ضمن تبریکی به آنان گفت: امیدواریم که با بهره گیری از مشوره های خوب شما این دو بخش کلیدی وزارت رنگ و رونق بهتری یابد.

به دنبال آن محمد مجاهد مشاور جدید ریاست تعلیمات اسلامی و تدریب ائمه با ابراز تشکری از رهبری وزارت ارشاد، حج و اوقاف و مقام ریاست جمهوری کشور گفت: مشورت سنت پسندیده اسلامی است. جامعه ای که این اصل اسلامی را رعایت می نماید، طبیعی است تصامیم بهتری را در قبال مسایل مختلف اتخاذ می نماید.

پس از آن ذبیح الله حقل مشاور جدید ریاست اداری و مالی با تشکری از رهبری وزارت ارشاد، حج و اوقاف و مقام عالی ریاست جمهوری گفت: تعهد می نمایم که با استفاده از تجارب گذشته آماده هرگونه مشوره دهی در وظیفه محوله باشم. برنامه با دعای خیر پایان یافت.

گزارش ریاست جوزجان

در امور مساجد:

۱- به مساجد ذیل میتر سنگل فاز نصب گردید:

مسجد ترکستان، لجرطاغ، آلتی خواجه، منگجک ولسوالی خواجه دو کوه، نوآباد خراسان، نو آباد عید محله، مصر آباد، ینگه اریغ، اشرف، کوکند و یکه باغ میترسنگل فاز از طریق ریاست محترم برشنا شرکت جوزجان نصب و





نیز مدارس ذیل تعدادی از شاگردان خویش را از بخش های مختلف علوم دینی فارغ داده طی محافل با شکوهی برای شان تصدیق نامه توزیع گردید.

۱- **مدرسه حضرت حفصه:** به تعداد (۱۸۶) تن از شاگردان خویش را از بخش تفسیر، فقه، قرائت، حفظ، تجوید فارغ داده و طی محفل ویژه، با اشتراک هیئت رهبری وزارت ارشاد، حج و اوقاف عده ی از روسای ادارات دولتی، علماء و اولیاء شاگردان در تالار پوهنتون مستقبل ناحیه (۱۲) شهر کابل دایر گردید.

۲- **مدرسه محمدیه فاضل بیگ:** به تعداد (۲۸) تن از شاگردان خویش را از بخش حفظ، ناظره، تجوید فارغ داده، طی محفل خاصی تقدیرنامه ها و تحایف که از طرف مدرسه متذکره تهیه شده بود به فارغان توزیع گردید.

- راجستر و صدور جواز فعالیت برای (۲۴) باب مدرسه در مربوطات ولایت بلخ.

- راجستر و صدور جواز فعالیت برای مدرسه انائیه صلح و ادب، مربوط ناحیه (۱۶).

- راجستر و صدور جواز فعالیت برای مدرسه امام محمد مربوط ولایت پروان.

- راجستر و صدور جواز فعالیت برای مدرسه دارالقرآن نور مربوط ولایت دایکندی.

- حق الزحمه از بابت برج (مارچ) ۲۰۱۹ میلادی به حضور داشت اعضای کمیسیون مشترک وزارت ارشاد، حج و اوقاف و موسسه آفرین، برای (۲۲۱) تن از منسوبین مدارس خصوصی و دارالحفاظ های که از طرف آن موسسه تمویل می گردد توزیع گردید.

گزارش های ریاست سرپل

در بخش (آمریت ارشاد و مساجد) :

۱- هماهنگی و تدویر (۴) گفتمان علمی تحت عناوین صلح اجتماعی، نقش صلح در اخوت و همبستگی، ایثار و کمک رسانی به مستحقین و صلح در معاملات، احکام صلح و حمایت از جمع آوری عواید، اشتراک کننده گان برنامه ها والی ولایت سرپل حمید الله بیک وکیل در ولسی جرگه، رئیس شورای ولایتی، رئیس سارنوالی، اعضای محکمه استیناف و کارمندان مستوفیت، در هر نوبت به تعداد (۱۰۰) تن از ملامان و متنفذین و خطباء و کارمندان اشتراک ورزیده بودند.

۲- راه اندازی کنفرانس یک روزه تحت عنوان جایگاه زن در اسلام و تقدیر شاگردان نخبه آموزشگاه عالی آریا به اشتراک (۳۰۰) تن از قاریان بخش انانث.

۳- ایجاد (۲۰) کمیته نظارت از صرغه جویی برق و شورای امنای مساجد، اشتراک در جلسات اداری و پی دی سی و منع خشونت علیه زن.

۴- ترتیب و تنظیم لیست بعضی مدارس و دارالحفاظ های مرکز ولایت و نظارت و بازدید از شاگردان و صحبت در مورد کیفیت درسی حفاظ و طالب العلمان، ایجاد حلقات درسی برای بزرگ سالان در مساجد و تشویق و ترغیب مردم به نماز های پنجگانه و اخوت و همدلی و پرهیز از منکرات و چشم چرانی ها.

در بخش اطلاعات و ارتباط عامه:

۱- جمع آوری گزارش های مدیریت های مربوطه بصورت ربع وار و سالانه بعد از توحید و ارسال به مقام ولایت و مرکز ورازت.

۲- اشتراک در جلسات کمیسیون تعیین خطبه ها در مساجد (۱۲) مورد و همکاری در ترتیب تنظیم اوقات اذان نماز های پنجگانه با اعضای کمیسیون موظف.

در بخش اوقاف و عشر زکات :

۱- عواید جمع آوری در ربع اول سال مالی ۱۳۹۸ از طریق کرایه دکاکین زمین ها و زیارات مبلغ (۱۱۹۸۱) افغانی بوده که توسط مدیریت اوقاف جمع آوری و تحویل د افغانستان بانک گردیده است.

۲- تماماً غرفه ها دکاکین و کانتینر ها و زمین های اوقافی طبق طرزالعمل به اجاره داده شده است.

۳- تعقیب دوسیه های تحت دعوا نظر به هدایت ریاست مربوطه و رهنمود اوقافی و مسئولیت لایحه وظایف در حد توان در جریان است.

در بخش حج و زیارت :

۱- ترتیب و تنظیم دفاتر احصایه حج سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ جمع آوری به تعداد (۳۵۰) جلد پاسپورت های حجاج فرضی سال ۱۳۹۸.

۲- ترتیب و تنظیم لیست حجج ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰ الی ۱۴۰۴ چاپ و نصب استیکر ها بر روی پاسپورت ها جمع آوری شده.

۳- نصب فوتو های حجج به دفاتر احصایه.



در بخش اجراییه:

اخذ امتحان مع هیئت موظف از علمای داوطلب در بست های رقابتی (۳) و (۴) امامت و خطابت که به تعداد (۲۹) نفرشان موفق گردیده بعد از طی مراحل اسناد شان توسط مامورین نظر به هدایت ریاست به مساجد معرفی گردیدند. به تاریخ ۱۳۹۸/۱/۸ جلسه بزرگی تحت عنوان (گفتمان علمی در مورد منع تعصبات و خود کامگی و برتری جویی از دیدگاه اسلام) تحت ریاست رئیس ارشاد، حج و اوقاف و به گرداندگی آمر ارشاد و با اشتراک یک تعداد کثیری از علما و ملا امامان، تدویر یافت. ابتدا تلاوت قرآن کریم توسط یکتن از امامان ریاست ارشاد، حج و اوقاف سرپل قرائت گردید. ابتدا جلسه توسط الحاج مولانا عبدالمحبوب حقجو رئیس ارشاد، حج و اوقاف ولایت سرپل در مورد برنامه های تدوین شده شان که تحت عنوان (منع تعصبات و خود کامگی و برتری جویی) تدویر یافته بود صحبت نمودند.

سپس مدیر ارشاد دعوت نظر به هدایت متن وارده از ریاست امنیت ملی در مورد (حمایت از نیرو های امنیتی و دفاعی و همکاری با دولت در همه سطوح) را به حضور علمای اشتراک کننده قرائت نموده از ایشان خواستند که در نماز جمعه به مردم ابلاغ دارند. همچنان مدیر حج و زیارت در رابطه به ایمیل وارده از مقام وزارت در ارتباط اخذ امتحان از علما و نحوه شارت لیست شدن شان و فورم و ثبت و تاریخ برگزاری امتحان برایشان در خصوص مرشد حجاج سال ۱۳۹۸ معلومات کافی دادند.

در اخیر آمر ارشاد فرمان ریاست محترم جمهوری را که اخیراً در قسمت انتخابات صادر گردیده بود به حضور ملاامان قرائت نموده و تاکید ورزیدن که مطابق فرمان هذا خود را عیار نموده و در آینده اگر کسی در زمینه بعنوان یک مامور دولت تخطی نماید مسئولیت به عهده خودش خواهد بود. در خاتمه دعائیه توسط یکتن از علمای اشتراک کننده در جهت تامین صلح و امنیت سرتاسری در کشور پایان یافت.

گزارش های ریاست ارزگان

۱- محفل تجلیل و گرامی داشت از روز نیروهای ملی امنیتی کشور در استدیوم مرکزی ارزگان همراه با تعداد ۱۵ تن علمای به ابتکار و رهبری محترم رئیس حج و اوقاف محترم والی و منصوبین ملکی و نظامی ارزگان برگزار گردید.

۲- وظیفه مقدس امر بالمعروف و نهی عن المنکر در مورد عدم تعرض بر حریم خصوصی، منع خشونت علیه زنان، مبارزه علیه فساد اداری، احترام به حقوق اطفال، حقوق والدین و در مورد اهمیت صلح، اتحاد و اتفاق در جامعه اسلامی و ارزش سواد و تعلیم حرمت خودکشی و جلوگیری از ترویج و فعالیت های سحر و جادوگری و فال بینی و تقبیح هر نوع تعصبات قومی، سمتی، لسانی، نژادی در جلسات هفته وار و محافل عمومی برای خطیبان و امامان موضع تعیین شد تا مفاهیم فوق را به مردم ابلاغ نمایند.

۳- پروگرام غذایی اطفال خود را طبق توانایی مالی و اقتصادی با در نظر داشت معیار های متوازن غذایی که شامل کاربوهایدریت، پروتین و ویتامین ها می باشد تهیه و تنظیم نماید تا اطفال نازنین را از امراض سوی تغذی به امان باشد از این جهت به (۱۰) مساجد جامع این موضوعات ا ارسال و تکثیر گردید.

در برنامه اداری و مالی:

به تعداد (۵۰) بست های خالی خطیبان و علمای کرام ریاست ارشاد، حج و اوقاف ارزگان به منظور تقرر شان در سیستم استخدام و بر اساس مهارت و شایستگی علما به اعلان سپرده شد و بعد از شارت لست از ۸ نفر علمای واجد شرایط در پروسه امتحان شامل و از ایشان امتحان گرفته شد.

به ابتکار و رهبری رئیس حج و اوقاف:

۱- کنترل، نظارت و افتتاح مراحل اعمار ابتدایی یک باب مسجد جامع در منطقه خیر و کاریز مرکز ترینکوت که از بودجه منظور شده خاص رئیس جمهور که ظرفیت (۲۰۰۰) تن نماز گزاران در یک وقت دارد در مساحت ۵ جریب زمین عملاً افتتاح شد.

۲- مدیریت و نظارت از طرف مقام ریاست از پروسه اعمار، سکیج، کورکی و سروی ابتدایی یک باب مسجد جامع توسط اشخاص مسلکی در منطقه ذوالفقار مرکز ترینکوت در مساحت ۳ جریب زمین که ظرفیت (۷۰۰) نماز گزاران را دارد از بودجه ریاست ارشاد، حج و اوقاف برای سال ۱۳۹۸ صورت گرفت.

۳- ارزیابی اجراآت سالانه ۱۲ تن مامورین و ۶ تن اجیران کمیته مربوطه طبق اصول و مقررات اجراآت صورت گرفت.

